

بِقَدْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

جَنَّةِ الْكَرِيمِ أَوْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

# پادشہ خوبان

مجموعہ تحقیقاتی پیرامون  
امام زمان (عج)

علی اصغر لشگری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پادشہ خوبان

«مجموعہ تحقیقاتی پیرامون امام زمان

(عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف)

علی اصغر لشکری

## شناسنامه کتاب

---

- نام کتاب: پادشه خوبان
- تألیف: علی اصغر لشگری
- ناشر: تأمین
- نوبت و سال: اول ۱۳۸۲
- تیراژ: ۵۰۰۰
- حروفچینی: تحریرخانه اراک
- صفحه آرائی: علی اصغر سالی
- ویرایش: ف براتی
- لیتوگرافی / چاپ: سینا / محمد
- قیمت: ۸۵۰ تومان
- شابک: X-۱۲-۸۰۴۷-۹۶۴
- مرکز پخش: قم خیابان صفائیه کوچه سمنار نشر و پخش نجابت
- تلفکس: ۷۷۴۴۸۱۵

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

قال السجاد عليه السلام:

من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

**تقدیرم به؛**

همسرم و تمامی مادران فداکار و پیروان فاطمه زهرا سلام الله

علیها برترین بانوی اسلام و مهربانترین مادر

یعنی؛ فاطمه زهرا سلام الله علیها، یگانه بانویی که:

دختر نبوت

همسر ولایت

مادر امامت بود.

## پیشگفتار

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على امين وحيه و بشير  
رحمته و سيد انبيائه، ابي القاسم مصطفى محمد و آله الطيبين  
الطاهرين، سيما الامام المنتظر و الولي الثاني عشر الحجة ابن  
الحسن العسكري

صلوات الله و سلامه عليه روى و ارواح العالمين له الفدا اللهم  
عجل فرجه و سهل مخرجه و اجعلنا من انصاره و اعوانه.  
مجموعه حاضر حاوى سلسله مقالاتى است كه پيرامون قطب  
عالم امكان حضرت بقيه الله الاعظم عجل الله تعالى فرجه الشريف  
جمع آورى شده و در شعاع پر فروغ وحي مبین و روايات ائمه هدى  
عليهم السلام مطالبى مورد بحث و بررسى قرار گرفته، اميد آنكه اين  
بضاعت قليل مورد رضایت آن حضرت قرار گیرد.

ليلة القدر ميلاد مسعود ام ابیها

فاطمة الزهرا سلام الله عليها

على اصغر لشكرى - دوشنبه ۸۲/۵/۲۷

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	<b>فصل اول</b>
۱۶	ویژگیهای یوسف فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۹	مختصری از خصوصیات
۲۲	پیشگویی‌های ادیان و مذاهب جهان، پیرامون منجی عالم
	<b>فصل دوم</b>
۳۲	برخی از وظائف منتظران در زمان غیبت
۳۲	دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه
۳۳	شناخت صفات و سیره امام علیه السلام
۳۴	رعایت ادب
۳۴	عشق و علاقه نسبت به آن حضرت
۳۵	علاقه‌مند کردن دیگران به امام علیه السلام
۳۵	انتظار فرج
۳۶	اظهار علاقه وافر برای ملاقات با آن حضرت
۳۶	ذکر فضائل و مناقب آن حضرت
۳۶	صدقه دادن به نیابت ایشان
۳۶	صدقه برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه
۳۶	بجا آوردن حج و عمره و زیارت مشاهد
۳۷	استغاثه به وجود مقدس امام علیه السلام
۳۷	تجدید بیعت با امام علیه السلام
۳۸	اجتناب از محارم
۳۹	گریستن و گریاندن در فراق یوسف زهراء
۴۰	دوستی با صالحان
۴۱	برائت از دشمنان خدا و اهل بیت علیهم السلام
۴۲	انتظار سازنده

انتظار مطلوب ..... ۴۴

## فصل سوم

سیمای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۴۹

سیره اخلاقی آن حضرت ..... ۵۲

طرز تفکر آن حضرت ..... ۵۳

صفات مصلحین ..... ۵۴

زندگانی شخصی امام زمان علیه السلام ..... ۵۶

روش سیاسی امام زمان علیه السلام ..... ۵۹

مهدی (عج) در قرآن ..... ۶۶

## فصل چهارم

پژوهشی پیرامون نواب اربعه ..... ۷۶

منزلت نواب اربعه ..... ۷۶

الف) عثمان بن سعید عمروی (اسدی) ..... ۷۷

ب) محمد بن عثمان ..... ۸۳

ج) حسین ابن روح نوبختی ..... ۸۸

د) علی ابن محمد سمری ..... ۹۲

توقیع حضرت ..... ۹۲

آخرین کلام ..... ۹۳

## فصل پنجم

وقایع دوران غیبت ..... ۹۹

وضعیت امر به معروف ..... ۱۰۱

فسادهای تربیتی ..... ۱۰۱

ظهور فواحش و منکرات ..... ۱۰۲

تجرّی در معاصی ..... ۱۰۳

حالت ثروتمندان و فقرا ..... ۱۰۳

احوال مؤمنان ..... ۱۰۸

النوادر من الاخبار ..... ۱۰۹



۱۱۲	..... بعض العلائم
۱۱۳	..... اخبار الملاحم
۱۱۳	..... صفات مردم آخر الزمان
۱۱۵	..... اوصافی از آخر الزمان

### فصل ششم

۱۲۹	..... ساحل امن
۱۳۱	..... آمار با ما سخن می گوید
۱۴۲	..... اباصالح هدایتگر گمگشتگان

### فصل هفتم

۱۵۳	..... نظارت بر اعمال
۱۵۴	..... تحقیقی در قرآن کریم
۱۵۸	..... کلامی از علی علیه السلام
۱۶۳	..... مراحل شهادت

### فصل هشتم

۱۷۰	..... آنچه خوبان همه دارند تو یکجا داری
۱۷۱	..... پیراهن ابراهیم خلیل علیه السلام
۱۷۵	..... عصای حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام
۱۷۸	..... انگشتر حضرت سلیمان علی نبینا و آله و علیه السلام
۱۸۰	..... تابوت سکینه
۱۸۳	..... یاران مهدی

### فصل نهم

۱۸۹	..... طرحی برای فردا
۱۹۰	..... برنامه های هفتگانه
۱۹۱	..... ۱- حکومت عادلانه
۱۹۱	..... ۲- رفع ظلم و جور
۱۹۲	..... ۳- امنیت راهها
۱۹۲	..... ۴- شکوفایی طبیعت

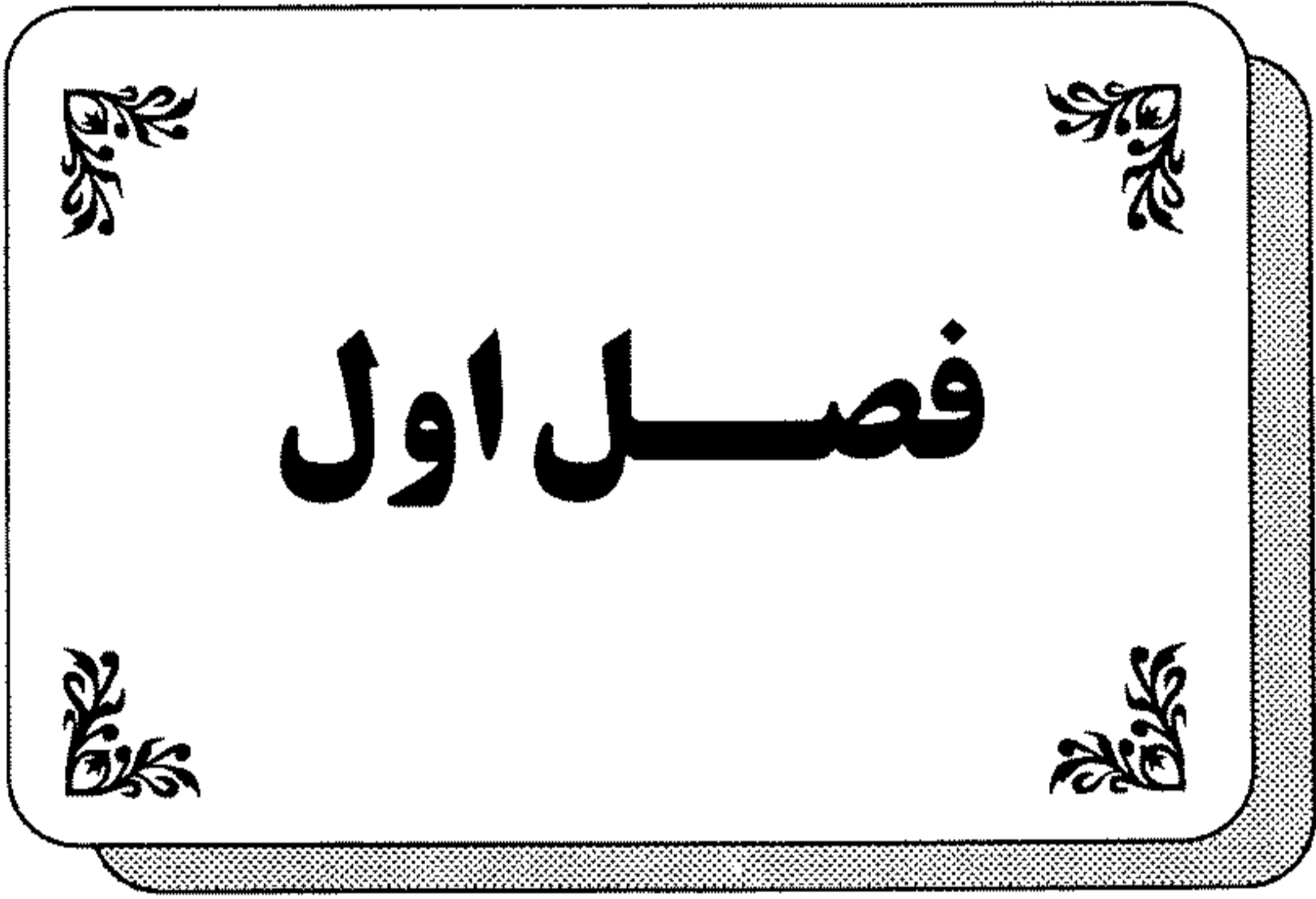
- ۱۹۳ ..... ۵- سپردن امور به دست اهل خبره.
- ۱۹۳ ..... ۶- حاکمیت اسلام
- ۱۹۴ ..... ۷- گرایش قلبی به اسلام
- ۱۹۵ ..... تفاوت بین اسلام و ایمان
- ۱۹۵ ..... محورهای کلی حکومت جهانی مهدی (عج)

## فصل دهم

- ۲۰۱ ..... سخنی پیرامون رجعت
- ۲۰۴ ..... رجعت از دیدگاه علماء
- ۲۰۹ ..... جفا به حق اهل البیت علیهم السلام
- ۲۱۱ ..... آیا رجعت اختیاری است؟
- ۲۱۳ ..... قرآن و مسئله رجعت
- ۲۱۶ ..... اصحاب کهف
- ۲۲۰ ..... رجعت‌های زیبا
- ۲۲۲ ..... رجعت ائمه هدی علیهم السلام
- ۲۲۲ ..... رجعت امام حسین علیه السلام
- برخی از افرادی که صریحا در روایات از رجعت آنان یاد  
 ۲۲۴ ..... شده.
- ۲۲۷ ..... منابع و مأخذ
- ۲۳۵ ..... دعای امام زمان
- ۲۴۰ ..... دعای فرج

## غزلی از حافظ در وصف امام زمان (عج)

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی  
دل بی تو بجان آمد وقت است که بازآیی  
دائم گل این بستان شاداب نمی ماند  
دریاب ضعیفان را در وقت توانایی  
دیشب گله زلفش با باد همی کردم  
گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی  
صد باد صبا اینجا با سلسله می رقصند  
اینست حریف ای دل تا باد نپیمایی  
مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد  
کز دست بخواهد شد پایان شکیبایی  
یا رب به که شاید گفت این نکته که در عالم  
رخساره به کس ننمود آن شاهد هر جایی  
ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست  
شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی  
ای درد توام درمان، در بستر ناکامی  
وی یاد توام مونس در گوشه تنهایی  
در دایره قسمت، ما نقطه تسلیمیم  
لطف آنچه تو اندیشی، حکم آنچه تو فرمایی  
فکر خود و رای خود در عالم رندی نیست  
کفر است در این مذهب خود بینی و خودرایی  
زین دایره مینا خونین جگرم می ده  
تا حل کنم این مشکل در ساغر مینایی  
حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد  
شادیت مبارکت باد ای عاشق شیدایی



# فصل اول

- ویژگیهای یوسف فاطمة عجل الله تعالی فرجه الشریف<sup>(۱)</sup>

- مختصری از خصوصیات

- پیشگویی‌های ادیان و مذاهب جهان پیرامون منجی عالم<sup>(۲)</sup>

---

۱- این مقاله در تاریخ پنجشنبه ۷ شهریور ۱۳۸۱ به صورت مختصر در روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ رسیده است.

۲- این نوشتار در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۸۱ در روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ رسیده است

## ویژگیهای یوسف فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف

- امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:

خوشا به سعادت شیعیان ما که در غیبت قائم ما به ریسمان ارتباط ما با خدا چنگ می زنند و در دوستی با ما و بیزاری از دشمنان ما استوار و ثابت قدم هستند. آنان از ما هستند، و ما نیز از آنها هستیم، آنان به امامت ما راضی شده اند، و ما نیز از شیعه بودن آنها خوشنودیم، خوشا به سعادت آنها، خوشا به سعادت آنها، به خدا قسم آنان با ما هستند و در قیامت همنشین ما می باشند.<sup>(۱)</sup>

برای اینکه بیشتر با این عزیز آشنا شده و پرده های غفلت و گناه که مانع دیدار ماست را با شناخت ایشان کنار بزنیم در جهت آشنایی هر چه بیشتر با آن حضرت گام بر می داریم.

۱- امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در سال ۲۵۵ هـ ق متولد و به مدت پنج سال نزد پدر بزرگوارشان مخفی بودند، البته بسیاری از اصحاب مورد اطمینان و علماء بزرگ به زیارت ایشان در زمان حیات پدرشان نائل آمدند.

حتی بسیاری از نوابغ و علماء بزرگ چین و بخارا و سمرقند و هندوستان و اندلس به سامره سفر کردند و توسط امام عسکری علیه السلام با ایشان ملاقات نمودند. در جریان این ملاقاتها مسائل



خود را از آن حضرت می پرسیدند و بیش از پیش به فرزند بزرگوار امام عسکری علیه السلام علاقمند می شدند<sup>(۱)</sup>

۲- از خصوصیات آن حضرت اینکه ایشان از ناحیه پدر از نسل امام حسین علیه السلام و از ناحیه مادر از نسل امام حسن علیه السلام هستند، چون مادر امام باقر علیه السلام از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام است<sup>(۲)</sup>

۳- امام سجاد علیه السلام فرمودند:

قائم ما دارای نشانه‌هایی از شش پیامبر است.

۱- نشانه‌ای از نوح علیه السلام

۲- نشانه‌ای از ابراهیم علیه السلام

۳- نشانه‌ای از موسی علیه السلام

۴- نشانه‌ای از عیسی علیه السلام

۵- نشانه‌ای از ایوب علیه السلام

۶- نشانه‌ای از محمد صلی الله علیه و آله

اما نشانه‌اش از نوح، طول عمر اوست و نشانه‌اش از ابراهیم علیه السلام، مخفی بودن ولادت آن حضرت است و نشانه‌اش از موسی علیه السلام غیبت اوست. (چون موسی به خاطر اینکه فرعونیان او را دستگیر نکنند - قبل از پیامبری - از مصر به مدینه رفت و مدتی مخفی بود).

۱- امام زمان علیه السلام امید شایستگان - محمد محمدی اشتهاردی ص ۳۲ - جلد ۱۳ بحار

۲- اثبات الهداة جلد ۷ ص ۱۸۵ الانوار طبع قدیم.



اما نشانه‌ای که شبیه عیسی علیه السلام است ، اختلاف رأی مردم در مورد او و دوری او از مردم می‌باشد. مشابهتی که به ایوب علیه السلام دارند، گشایش و پیروزی پس از بلیات و گرفتاری‌هاست. و آن نشانه‌ای که شبیه پیامبر صلی الله علیه و آله است قیام او با شمشیر است<sup>(۱)</sup>.

۴- و در بعضی از روایات نشانه‌ای از آن حضرت در شباهت با حضرت یوسف علیه السلام نیز مورد اشاره قرار گرفته و آن زندانی بودن یوسف و دوری اوست . و شاید دوری آن بزرگوار از دوستان و عاشقانش باعث ذکر چنین شباهتی گردیده است.<sup>(۲)</sup>

۵- ویژگی دیگری که در مورد حضرت بقية الله الاعظم اشاره شده، توسط وجود مقدس حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله می‌باشد که در حدیثی فرمودند:

بهشت مشتاق چهار نفر از خاندان من است . که خداوند آنان را دوست دارد و مرا به دوستی با آنها فرمان داده است .

(الف) علی بن ابیطالب علیه السلام - (ب) حسن بن علی علیه السلام (ج) حسین بن علی علیه السلام  
(د) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.<sup>(۳)</sup>

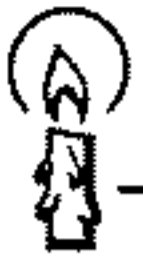
۶- از خصائص دیگر آن حضرت اینکه ؛ حکومت شریفه‌اش سراسر جهان را فرا می‌گیرد .

۲- اعلام الوری ص ۴۰۳

۱- اعلام الوری ص ۴۰۲

۳- ثبوت الهداة ج ۱۰۳۲۷





قرطبی که یکی از مفسرین اهل سنت می باشد روایت می کند که ؛  
 جمیع کسانی که حکومتشان تا کنون جهانی شده چهار نفرند که دو  
 نفر از آنان کافر بودند، نمرود و بخت النصر و دو نفر از ایشان مؤمن،  
 که ذوالقرنین و حضرت سلیمان بوده اند و بزودی از امت اسلام  
 مهدی علیه السلام بعنوان پنجمین نفر، حاکم تمامی زمین خواهد  
 بود. (۱)

امید آنکه همانند فرموده امام راحل قدس سره الشریف انقلاب  
 ما زمینه ساز قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه باشد.

### مختصری از خصوصیات آن حضرت

در اکثر کتب ابتدا در مورد تولد و نحوه آن صحبت به میان آمده  
 و شمه‌ای از مشکلات و مصائب زمان ولادت بحث می شود.  
 بحمدالله در جامعه شیعه اکثر قریب به اتفاق مردم به خاطر  
 علاقه فراوان به ائمه هدی علیهم السلام بالاخص به حضرت بقیه  
 الله الاعظم (عج) در مورد کیفیت و نحوه تولد آن امام دور از نظر را  
 مطلع هستند.

لذا این فصل را به صورت اجمال مورد اشاره قرار داده و با  
 سرعت بیشتری از آن می گذریم.

مادر بزرگوارشان بنام ملیکه که نوه امپراتور روم شرقی بود (در



واقع دختر، پسر، یسوعا فرزند امپراطور روم شرقی) از جانب مادری نوه شمعون از یاران مخصوص حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام و وصی ایشان به شمار می رفت.

از خصوصیات آن حضرت اینکه از ناحیه پدر از نسل امام حسین علیه السلام و از ناحیه مادری از نسل امام حسن علیه السلام هستند. چون مادر امام باقر علیه السلام (فاطمه) از فرزندان امام حسن علیه السلام هستند<sup>(۱)</sup>

ملیکه با وجود اینکه در کاخ امپراطوری زندگی می کرد، آنچنان پاک و با عفت بود که گویی شباهت به خانواده خود ندارد بلکه بیشتر به مادر و خانواده مادری شبیه بوده و زندگیش همچون زندگانی شمعون و عیسی و مریم از صفا و معنویت خاصی برخوردار بود از این رو بسیار علاقمند بود که با خانواده ای پاک و خداپرست وصلت کند و سرانجام خداوند منان او را در این هدف یاری نموده و بالاخره به خواسته اش رسید.

داستان زیبای اسارت او و خریداری امام هادی علیه السلام برای فرزند گرامی خود امام عسکری علیه السلام در روایات مورد اشاره قرار گرفته است.

ملیکه یا به عبارت دیگر، نرجس به خانه امام عسکری علیه السلام وارد شده امام هادی علیه السلام به خواهرشان حکیمه

۱- اثبات الهداة - شیخ حرعاملی (ره) ج ۷ ص ۱۸۴



فرمودند: او را به خانه ببر و دستورات اسلامی را به او آموزش بده، او همسر فرزندانم حسن و مادر مهدی آل محمد خواهد بود سپس به نرجس رو کرده و فرمودند.

تو را به فرزندی مژده می‌دهم که تمام جهان را با نور حکومتش پر از عدل و داد می‌کند. بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد. ملیکه به نامهای دیگری مثل ریحانه، صیقل، سوسن و حکیمه نیز خطاب می‌شده<sup>(۱)</sup> خواهر محترمه امام هادی علیه السلام یعنی حکیمه وی را به عنوان سیده (به معنای سرور و خانم) صدا می‌زد، نرجس سلام الله علیها در سال ۲۶۱ هـ ق و به روایتی، قبل از شهادت امام عسکری علیه السلام از دنیا رفت و قبر شریفش در سامرا کنار قبر مطهر امام عسکری علیه السلام قرار گرفته است<sup>(۲)</sup>. سال تولد امام زمان علیه السلام بنا بر مشهور سال ۲۵۶ هـ ق مطابق با عدد کلمه نور به حساب ابجد و بنا به قول دیگر در سال ۲۵۵ هـ ق در سحرگاه نیمه شعبان، شب جمعه در شهر سامرا در منزل پدری که اکنون صحن و حرم عسکرین علیهما السلام است دیده به جهان گشودند.

دوران حمل آن حضرت تا هنگام ولادت مخفی بود یعنی تا ساعت تولد همچون موسی بن عمران کسی اثر حمل را در نرجس ندید حتی قابله‌های متخصصی را که معتمد عباسی خلیفه وقت

۱- معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام - ج ۳ ص ۳۵۵

۲- ریا حین الشریعه ج ۳ ص ۲۵



گماشته بود تا هر گاه در خانواده امام اثر حمل دیدند فوراً اطلاع دهند هم از این موضوع اطلاع نیافتند.

حتی حکیمه خاتون تا آخرین لحظه ولادت اثر حمل در نرجس مشاهده نکرد و فرمود: نزدیک بود مرا شک عارض شود که ناگهان صدای برادرزاده‌ام بلند شد.

«عمّه شک نکن و سوره انا انزلنا را بخوان»

حکیمه خاتون می‌فرماید:

من به خواننده سوره انا انزلنا شروع کردم، ناگاه دیدم از میان رحم با من هم آواز شد و چون سوره تمام شد متولد گردید و در هنگام تولد نوری از او ساطع گردید که چشمان مرا خیره کرد.

ناگاه دیدم که به سجده افتاده شهادتین و شهادت بر وصایت پدران خود را بر زبان جاری نمود و چون به خودش رسید فرمود:

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَأَتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَ ثَبِّتْ وَطْئِي وَ إِمْلَأْ بِي  
الارض قسطاً وعدلاً.

خدایا وعده مرا سریع و مسلم گردان و امر مرا تمام ساز و قدم مرا ثابت بدار و زمین را به واسطه من پر از عدل و دادگردان<sup>(۱)</sup>

### پیشگویی‌های ادیان و مذاهب جهان پیرامون منجی عالم

در همه ادیان و طوایف مختلف به نام مقدّس حضرت اشاره شده

۱- مهدی منتظر - اثر آیت الله حاج شیخ محمد جواد خراسانی (ره) (در گذشته به سال ۱۳۵۵ هـ ش)



و هر یک از اینها در پیشگوئی‌های خود مطالبی را پیرامون آن عزیز زهراء عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان داشته‌اند.

نام مبارک ایشان در قرآن کریم مذکور است، از جمله: نجم، عصر، فجر که در ابتدای برخی از سوره قرآنی بیان شده همچنین آیات فراوانی که به وجود مقدس حضرت اشاره دارند که خود مجال بسیار وسیعی را می‌طلبند.

نام حضرت، در صحف ابراهیم، حاضر و در زبور بنام مفیق و در تورات به لغت بزکوم بنام «او قیدموا» و در توراتی که طبق نزول آسمانی بر موسی علیه السلام نازل شده «ماشع» و در انجیل بنام مسیح الزمان نامیده شده‌اند<sup>(۱)</sup>

در قسمتی از زبور چنین می‌خوانیم:

- ... صحرا و هر چه در آنست بوجود آید، آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند، زیرا که می‌آید، زیرا که برای داوری جهان می‌آید، ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد<sup>(۲)</sup>

و در تورات نیز در مورد آمدن آن حضرت می‌فرماید:

- ... اگر چه تأخیر نماید برایش منتظر باش زیرا که البته خواهد آمد ... جمیع امتها را نزد خود جمع می‌کند و تمامی قومها را برای

۱- تذکرة الائمة - علامة مجلسی (ره) - دارالسلام مرحوم آیت الله شیخ محمود عراقی (ره) ص ۴۷  
 ۲- عهد عتیق - مزامیر - مزمور ۹۶ بندهای ۱۳-۱۰ - مقدمه سخنان حضرت مهدی (عج) - عمران علیزاده ص ۴



خویشتن فراهم می آورد<sup>(۱)</sup>

همچنین در انجیل مرقس می خوانیم:

- ... آنگاه پسر انسان را می بینید که با قوت و جلال عظیم بر ابرها می آید. در آن قوت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا به اقصای فلک فراهم خواهد آورد.

... از آن روز و ساعت، غیر از پدر هیچکس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، بر حذر باشید و بیدار شده دعا کنید، زیرا نمی دانید که آنوقت کی شود<sup>(۲)</sup>

و در کتب مقدس هندوها می خوانیم:

- کالکی، مظهر دهم و نیشو، در انقضای کلی یا عصر آهن سوار بر اسب سفیدی در حالیکه شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد ظاهر می شود و شریران را تماما هلاک می سازد و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد<sup>(۳)</sup>

- در کتاب ابستاخ مجوس، بهرام و به روایت دیگر بند یزدان و در هزارنامه هندوان «لندبطاوا» و در کتاب جاودان خرداد مجوس بنام «خسرو» و در کتاب برزین آزر که از فارسیان است، پرویز که بنام مظفر و منصور است.

۱- تورات - حقیوق نبی فصل ۲ بندهای ۵-۳

۲- انجیل مرقس فصل ۱۳- بندهای ۲۶-۳۳.

۳- او پانیشاد ص ۷۳۷- به نقل از مقدمه سخنان حضرت مهدی (عج) نوشته علی اکبر مهدی پور



در کتاب فرنگان بنام «ماجارالامان فیروز» و در کتاب قبروس رومیان «فردوس الاکبر» نامیده شده‌اند.

مرحوم شیخ بهائی (شیخ بهاء الدین عاملی) رحمة الله تعالی علیه می‌فرماید:

فارسیان ایشان را ایزد شناس و ایزد نشان گویند.

در کتاب شامکون، ایستاده [در عربی قائم] خداشناس و ایزد شناس و در کتاب باثنکل، «راهنما» و در کتاب انکلیون بنام برهان الله نامیده شده‌اند<sup>(۱)</sup>

شامکونی که به اعتقاد هندوها پیامبری صاحب کتاب بوده و معتقدند بر اهل ختا و ختن مبعوث شده و محل تولدش شهر کیلواس بوده چنین می‌گوید:

- ... دنیا و حکومت آن به فرزند سید خلائق دو جهان «یشن» که به زبان ایشان نام حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله وسلم است، خواهد رسید او بر کوههای مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمانروایی کند.<sup>(۲)</sup>

در کتب مقدس مانویه چنین می‌خوانیم:

- خرد شهر ایزد، در آخر الزمان ظهور کرده و عدالت را در جهان می‌گستراند<sup>(۳)</sup>

۱- تذکرة الائمة علامه مجلسی (ره) - دارالسلام مرحوم آیت الله شیخ محمود عراقی ص ۴۷

۲- مدرک سابق ص ۴۸

۳- شاپوهرگان ترجمه مولر - سخنان مهدی علیه السلام - عمران علیزاده ص ۵



زرد شتیان می گویند:

سوشیانس، «به معنای نجات دهنده بزرگ» دین را به جهان رواج دهد فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده مردم جهان را همفکر و هم گفتار و هم کردار گرداند<sup>(۱)</sup> - جین ها، هنگامیکه فساد و انحطاط و تباهی جهان را فراگیرد، شخصی کامل که آنرا «تیرتنکر» به معنای نوید دهنده گویند، ظهور کرده، تباهی را از بین می برد و پاکی و صافی را از نو برقرار می سازد<sup>(۲)</sup>

- در اعتقاد بر همائیان؛ و نشینو (نجات دهنده) در میان مردم ظاهر می گردد

... او از همه کس قویتر و نیرومندتر است... در یک دست (و یشنو) شمشیری بمانند ستاره دنباله دار و در دست دیگر انگشتری درخشنده دارد.

هنگام ظهور وی، خوشید و ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید<sup>(۳)</sup>

- چینیان معتقدند؛ کریشنا ظهور کرده و جهان را نجات می دهد. در کتاب مهابارات یک فصل تمام به کریشنا اختصاص داده شده و «بهکودگیتا» شرح و بسط همان فصل است و کریشنا در علو روح و

۱- جاماسب نامه ص ۱۲۱

۲- جاماسب نامه ص ۱۲۱ - سخنان حضرت مهدی علیه السلام - عمران علیزاده ص ۶

۳- ریگ ودا - ماندالای ۴-۱۶-۲۴





تقدّس ستوده شده (۱)

اسن ها می گویند: پیشوایی در آخرالزمان ظهور کرده دروازه های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود.

اسلاوها می گویند: یک نفر از مشرق زمین برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متحد می سازد و آنها را بر دنیا مسلط می سازد.  
- ژرمنها می گویند:

یک نفر فاتح از طوایف آنها قیام کرده، ژرمن را بر دنیا حاکم گرداند.

- سلتها از بروز آشوبهایی در جهان «بوریان بورویهم» قیام کرده، و دنیا را متصرف خواهند شد.

- برخی از اقوام آمریکای مرکزی در انتظار ظهور «کوتز لکوتل» می باشند.

- قسمتی از ساکنان انگلستان در انتظار ظهور «آرتور» بسر می برند.

- اهالی صربستان، انتظار ظهور «مارکو کرایویچ» را می کشند.  
- اقوام اسکاندیناوی به ظهور یک رهبر الهی بنام اودین معتقدند. و یونانیان از حضور کالویبرک سخن می گویند (۲)

اگر چه همه این نویدها با مشخصات حضرت حجة بن الحسن علیه الصلوة و السلام وفق نمی دهد ولی همه و همه از حقیقت

۱- اوپانیشاد ص ۲۴۷

۲- او خواهد آمد - چاپ هشتم ص ۵۸-۷۳ - مرحوم علامه طباطبائی (ره).



مسلمی سخن می‌گویند که نوید یک مصلح بزرگ جهانی بگوش همه ملتها رسیده و اعتقاد به ظهور یک رهبر مقتدر در آخرالزمان در اعماق دلشان جای گرفته و از طرفی بسیاری از این پیشگوئی‌ها طبق روایاتی است که در اسلام مورد تأیید قرار گرفته در واقع اعتقاد تمام ملل و نحل جهان به وجود آخرین مصلح بازبانها و تعابیر متفاوتی بیان شده و در واقع این شعر را در ذهن تداعی می‌کند که مرحوم شیخ بهاءالدین عاملی فرمود:

هر کس به طریقی سخن از وصف تو گوید

بلبل به غزلخوانی و قمری به ترانه

# فصل دوم



برخی از وظائف منتظران در زمان غیبت  
دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه  
شناخت صفات و سیره امام علیه السلام  
رعایت ادب

عشق و علاقه نسبت به آن حضرت  
علاقمند کردن دیگران به امام علیه السلام  
انتظار فرج

اظهار علاقه وافر برای ملاقات با آن حضرت  
ذکر فضائل و مناقب آن حضرت  
صدقه دادن به نیابت ایشان

صدقه برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه  
بجا آوردن حج و عمره و زیارت مشاهد مشرفه به نیابت از امام  
استغاثه به وجود مقدس امام علیه السلام  
تجدید بیعت با امام علیه السلام  
اجتناب از محارم

گریستن و گریاندن در فراق یوسف زهرا علیه السلام  
دوستی با صالحان

برائت از دشمنان خدا و اهل بیت علیهم السلام  
انتظار سازنده  
انتظار مطلوب



## برخی از وظایف منتظران در زمان غیبت<sup>(۱)</sup>

بدیهی است که همه ما در برابر کسی که عاشقان و شیفتگان فقط منتظر یک نیم نگاه او هستند وظایف خاصی را بعهده داریم. در این نوشتار به برخی از این وظایف از دیدگاه روایات اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت. باشد که همه ما از منتظران واقعی حضرت بوده و در راه رضای او که همان رضای خداست گام برداریم. مرحوم سید محمد تقی موسوی متوفی (۱۳۴۸ هـ ق) در کتاب شریف مکیال المکارم به هشتاد مورد از وظائف منتظران اشاره فرموده‌اند، اینک به طور اختصار به برخی از آنها اشاره خواهیم داشت.

### ۱- دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از وظائف مهم ما دعا برای امام زمان است ائمه هدی علیهم السلام نیز همواره بر این مهم تکیه داشته‌اند و بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام در دعایی که آن حضرت به زراره تعلیم فرمودند، محور اصلی آن بر امام شناسی استوار است. امام به زراره می‌فرمایند: ... اگر زمان غیبت را درک کردی چنین دعا کن:

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَأَنْكَ إِنَّ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ،

۱- مختصری از این مقاله در تاریخ ۸۱/۶/۲۱ در روزنامه جمهوری اسلامی بچاپ رسید.



اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّم تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّم تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ظَلَلْتُ عَنِ دِينِي. (۱)

خدایا یا خودت را به من بشناسان، که اگر تو خودت را به من نشناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت، خدایا پیامبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را به من نشناسانی حتماً حجت تو را نخواهم شناخت، خدایا: حجتت را بر من بشناسان که اگر حجتت را بر من نشناسانی حتماً در دینم گمراه خواهم شد.

همچنین دعاهای دیگری که در کتب ادعیه و زیارات بدان اشاره شده، خصوصاً دعای معروف اللهم کن لولیک الحجّة ابن الحسن ... که بحمدالله در بین جامعه شیعه بسیار معروف و مشهور است.

## ۲- شناخت صفات و سیره امام علیه السلام

بدیهی است که یک عاشق دلباخته امام و یک منتظر حقیقی باید بداند که محبوبش از چه صفاتی برخوردار بوده و چه سیره و روشی را در زندگی و سایر شئون آن دارد.

در این راستا، مطالعه آیات و روایات فراوانی که در ارتباط با وجود مقدس حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده، بسیار سودمند است.

۱- منتخب الاثر - آیت الله صافی گلپایگانی حدیث ۱ ص ۵۰۱ - غیبت نعمانی - کافی - کمال الدین



### ۳- رعایت ادب

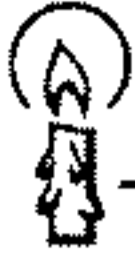
امامی که واجب الاطاعة و حجّت خدا بر تمامی اهل زمین است نامش محترم و یادش بسیار گرامی است. او پیشوای همه و چشم بینای خدا در بین مخلوقات اوست. روزی اهل زمین به یمن وجود اوست، و هر کس که به مرتبه‌ای از مراتب کمال می‌رسد از پرتو عنایت حضرت حق است که از مسیر امامت بما رسیده است.

### ۴- عشق و علاقه نسبت به حضرت

مرحوم سید عبدالکریم کفاش، هفته‌ای یک مرتبه به محضر آن حضرت مشرف می‌شد. او در ری در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام می‌زیست. در یکی از تشرفاتش حضرت از او می‌پرسند، سید عبدالکریم اگر ما را نبینی چه خواهد شد؟! پاسخ می‌دهد: آقا حتما می‌میرم.

حضرت در پاسخ فرمودند: اگر چنین نبودی ما را نمی‌دید<sup>(۱)</sup> ای چشمه حیات منم تشنه وصال  
ریزی به کام، جرعه آبم چه می‌شود؟  
ای رحمت خدا که دل از دوریت بسوخت  
رحم ار کنی به قلب کبابم چه می‌شود؟  
«از اشعار ملتجی»

۱- مشعل هدایت ج ۲ ص ۱۲۹ - مبحث امکان تشریف - از حضرت استاد حاج شیخ حسین گنجی



۵- علاقمند کردن دیگران به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

طبیعی است که هر کس به چیزی علاقمند باشد در صدد تبلیغ و ترویج آن برآمده و آنرا به دیگران معرفی خواهد کرد، چه رسد به اینکه وجود مقدس خاتم الاوصیاء عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

در عصر کنونی که تبلیغات نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند و برای خرید یک کالای کم اهمیت صدها نوع تبلیغ می‌شود آیا از خود پرسیده‌ایم که ما برای علاقه‌مند کردن دوستان و اطرافیان نسبت به امام زمان (عج) چه کرده‌ایم؟

### ۶- انتظار فرج

امام صادق علیه السلام فرمودند:

بخشی از معتقدات ائمه علیهم السلام عبارت از تقوی، پاکدامنی و خیرخواهی ... و صبورانه در انتظار فرج بودن است<sup>(۱)</sup>.  
در بسیاری از روایات پر فضیلت‌ترین اعمال، انتظار فرج دانسته شده<sup>(۲)</sup>.

در بسیاری از احادیث در باب انتظار فرج بیان شده که هرگاه یکی از منتظران حضرت به رحمت الهی رفت چنانست که در میان

۱- منتخب الاثر - آیت اله صافی ص ۴۹۸ به نقل از بحار الانوار

۲- منتخب الاثر - آیت الله صافی ص ۴۹۳ - ۵۰۰





سپاه امام و یا در میان چادر [خیمه] حضرت در کنار ایشان با دشمن بجنگد. (منتخب الاثر) در بعضی از روایات تعبیر شده که چنین شخصی مثل کسی است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر کفر جهاد کرده باشد.

همه شب در آستانت چو سگان نهاده‌ام سر

به امید آنکه شاید تو بچشم من

بیایی

«دیوان فخرالدین

عراقی»

۷- اظهار علاقه وافر برای ملاقات با آن حضرت

چه خوش باشد که بعد از انتظریه امید رسند امیدواران  
جمال الله شود از غیب طالع‌ایان گردد اندر بزم یاران<sup>(۱)</sup>

۸- ذکر فضائل و مناقب آن حضرت، و شرکت در مجالس امام

شناسی

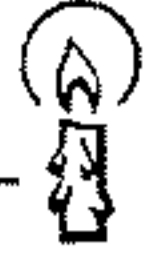
۹- صدقه دادن به نیابت ایشان

۱۰- صدقه برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه

الشریف

۱۱- بجا آوردن حج و عمره و زیارت مشاهد مشرفه به نیابت

۱- اشعاری از مرحوم آیت الله میرزا محمد ارباب قمی (ره)



## از امام

اعمالی که به نیابت از امام زمان علیه السلام بجا آورده می شود در واقع هدیه ای از جانب عاشقان و شیفتگان به یوسف زهراست.

۱۲- استغاثه بوجود مقدس امام عجل الله تعالی

## فرجه الشریف

در بعضی از روایات از آن بزرگوار به غیث المضطر المستکین تعبیر شده است.

توسل و استغاثه بر اهل البيت عليهم السلام. سیره دائمی بزرگان و صلحا و علماء شیعه بوده و حتی ائمه هدی عليهم السلام نیز به وجود مقدس ایشان توسل می جستند.

مرحوم عاملی در روایتی نقل می کنند که هنگامیکه زهراء مظلومه سلام الله علیها بین دیوار و در مجروح شدند به دنبال علی علیه السلام... بودند و ناله یا ابن الحسن سر می دادند و به وجود مقدس امام عصر حضرت حجة ابن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف استغاثه می جستند.

## ۱۳- تجدید بیعت با امام علیه السلام

بر اساس پاره ای از روایات، تجدید بیعت بعد از هر نماز واجب و یا در هر جمعه مستحب است<sup>(۱)</sup>

۱- مکیال المکارم - منتخب الاثر ص ۵۰۲



و در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که:  
 هر کس بعد از نماز صبح و بعد از نماز ظهر بگوید: اللهم صل  
 علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم، نمی میرد مگر آنکه  
 حضرت را ببیند و بشناسد (۱)

#### ۱۴- اجتناب از محارم

کسی که منتظر واقعی است، باید از آنچه که امام زمانش کراهت و  
 دوری دارد، اجتناب نموده و هر عملی که در تقرب او مؤثر است را  
 به خاطر رضای محبوب و ارتباط روحی با او انجام دهد.  
 مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی متوفی [۱۷۶ - هـ ق] در کتاب  
 شریف تجرید الاعتقاد می فرمایند:  
 - وَجُودُهُ لُطْفٌ وَعَدْمُهُ مُنَا.

وجود حضرت لطف و عنایت برماست و غیبت ایشان به خاطر  
 اعمال و رفتار بد ماست.

گفتم که روی خوبیت از من چرا نهان است  
 گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است  
 گفتم که از که پرسم جانا نشان کویت؟  
 گفتا نشان چه پرسی؟ آن کوی بی نشان است  
 علی علیه السلام فرمودند:

۱- بحارالانوار ج ۸۶ ص ۷۷ باب ۳۹



زمین خالی از حجت خدا نیست لکن خداوند متعال، خلقش را از اینکه حجت را بشناسند نابینا و محروم می‌نماید و این بخاطر ظلمی است که بر خودشان روا داشتند<sup>(۱)</sup>

- ظلم و جور با بصیرت سنخیت ندارد، و کسی که در کلاس گناه و معصیت بسر می‌برد هم سنخ با اولیای خدا نیست لذا دیده‌اش از شناخت حضرت نابیناست<sup>(۲)</sup>

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی چنین می‌فرمایند:

- فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِنْ نَكْرِهَةٍ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ<sup>(۳)</sup>  
- پس محبوس نکرده ما را از دوستان مگر خبرهای ناگواری که همواره از ناحیه آنان به ما می‌رسد که ناخوشایند است در حالیکه ما آن کارها را از ایشان نخواستیم.

۱۵- گریستن و گریاندن در فراق یوسف زهرا سلام الله علیهما.

بنمای رخ که خلقی، واله شوند و حیران  
بگشای لب که فریاد، از مردم و زن برآید

۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۱۳

۲- مشعل هدایت ج ۲ ص ۱۲۶ - مقاله امکان تشرّف - حضرت استاد حاج شیخ حسین گنجی

۳- احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۳۲۲



بگشای تربت ما بعد از وفات و بنگر  
کز آتش فراق، دود از کفن برآید.

### ۱۶- دوستی با صالحان

دوستی با دوستان حضرت باعث تقرّب و جلب خشنودی ایشان است. همچنین ادخال سرور مؤمنین و محبّین اهل بیت علیهم السلام و همچنین رفع حوائج آنان نیز از وظایف منتظران عصر ظهور شمرده شده، چرا که آن حضرت همانند اجداد طاهرینش باب الحوائج هستند.

قرآن کریم در وصف یاران حضرت ختمی مرتبت می فرماید:  
- مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِشْدَاءٌ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ.  
(فتح - ۲۹)

محمد رسول خدا [صلی الله علیه و آله و سلم] و کسانی که با او هستند بر علیه کفار بسیار خشن ولی با یکدیگر بسیار مهربانند.  
و همچنین امر خدای حکیم که می فرماید:

- كُونُوا مَعَ الصّٰدِقِیْنَ. (توبه - ۱۱۹)

همواره با افراد راستگو همنشین باشید - که این کریمه شریفه اشاره به دوستی با صالحان دارد.

- عن ابی جعفر علیهما السلام فی قوله عزوجل «وكونوا مع



الصادقين» قال: مع آل محمد عليهم السلام<sup>(۱)</sup> - که با توجه به این روایت و روایات دیگر، مراد از صادقین، آل محمد عليهم السلام هستند.

### ۱۷- براءت از دشمنان خدا و اهل بیت عليهم السلام

- امام هادی علیه السلام در زیارت شریفه جامعه می فرماید:  
 بَرِئْتُ اِلَى اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ اَعْدَائِكُمْ وَ مِنْ الْجَبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ  
 الشَّيَاطِينِ حِزْبُهُمُ الظَّالِمِينَ<sup>(۲)</sup>  
 بدرگاه خدای عزوجل از دشمنان شما بیزارم همچنین از جبت و طاغوت و از شیاطین و حزب ستمکار آنان.

باید دقت داشت که تنها محبت اهل بیت عليهم السلام کافی نیست بلکه براءت از دشمنان ایشان چه بسا از محبت نیز بالاتر باشد، بدین علت که ممکن است کسی به ایشان علاقمند باشد ولی از دشمنان اهل بیت دوری نجوید و با آنان نیز مُراوده داشته باشد، ولی براءت در موردی است که نه تنها به ائمه هدی عليهم السلام عشق می ورزیم بلکه از دشمنان ایشان نیز بیزاری جُسته و دوری می کنیم.

در فرازی از زیارت عاشورا می خوانیم:

- اِنِّى سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكَمَّ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ وَلِىٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ

۱- مجمع البیان ج ۱ ص ۸۱ - تأویل الایات ص ۲۱۸

۲- مفاتیح الجنان - مرحوم شیخ عباس قمی (ره) - زیارت جامعه کبیره.



وَ عَدُوٌّ لِّمَنْ عَادَاكُمْ.

### انتظار سازنده

در یک بررسی مختصر پیرامون مسئله انتظار به روایاتی برخورد می‌کنیم که ثواب فراوانی را برای انتظار فرج بیان داشته‌اند به عنوان نمونه، امام صادق علیه السلام فرمودند: هر یک از شما در حال انتظار ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بمیرد، همچون کسی است که در خیمه آن حضرت در کنار او جهاد کند<sup>(۱)</sup> مرحوم آیت الله شهید مرتضی مطهری (ره) ذیل مبحث انتظار، می‌فرمایند:

انتظار فرج بر دو گونه است، یکی انتظاری که سازنده و نگهدارنده است، تعهد آور و نیرو آفرین است، تحرک بخش است به گونه‌ای که می‌تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود. دوّم؛ انتظاری که گناه است، ویرانگر و اسارت بخش است. فلج کننده و نوعی اباچیگری محسوب می‌گردد.<sup>(۲)</sup>

در فرهنگ قرآن و اهل بیت علیهم السلام نوع دوّم یعنی انتظار اسارت بخش و فلج کننده تفکری صد در صد خلاف عقل و برداشتهای دینی است.

قیام منجی عالم، صرفاً جنبه انفجاری ندارد و فقط از گسترش و

۱- کمال الدین - شیخ صدوق (ره) - ج ص ۶۴۴

۲- قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه - شهید مطهری ص ۷ - باندکی تغییر.



اشاعه و رواج ظلم و بی عدالتی و تبعیض و اختناق ناشی نمی شود، به عبارت دیگر این قیام نوعی سامان یافتن اجتماع که معلول پریشانی است نمی باشد.

متأسفانه برخی بر این باورند که هرگاه حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته و باطل یگانه تاز میدان گردد و جز باطل نیروی دیگری حکومت نداشته باشد، این انفجار رخ داده و دست غیب، برای نجات حقیقت - نه اهل حقیقت، چون اصلاً طرفداری برای آن باقی نمانده است - از آستین بیرون می آید.

و به قول شهید مطهری (ره) که در وصف این تفکر می فرمایند: تفکر این قبیل افراد آنست که: هر گناه و هر فساد و هر ظلم و هر تبعیض و هر حق کثی و هر پلیدی، به حکم اینکه مقدمه اصلاح کلی است و انفجاری راقرب الوقوع می کند رواست. چون هدفها وسیله های نامشروع را، مشروع می کند پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است!! اینجاست که گناه هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کام جویی است هم کمک به انقلاب مقدس نهایی!!

... این گروه طبعاً به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر با نوعی بغض و عداوت می نگرند.

زیرا آنان را از تأخیر اندازان ظهور قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه می شمارند، برعکس، اگر خود هم اهل گناه نباشند در عمق ضمیر و اندیشه با توجه رضایت به گناهکاران و عاملان فساد





می نگرند ، زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می کنند!!!<sup>(۱)</sup>

### انتظار مطلوب

نوع صحیح انتظار، در واقع نقطهٔ مقابل برداشتی است که مورد اشاره قرار گرفت .

به تعبیر آیت الله مطهری (ره) ظهور مهدی موعود حلقه ای است از حلقات مبارزهٔ اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود. سهم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به اینست که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد.<sup>(۲)</sup>

قرآن کریم در آیه ششم سورهٔ قصص می فرماید:

و نريد ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین .

اراده کردیم که بر کسانی که در روی زمین ضعیف شمرده شده‌اند. که آنان را پیشوایان روی زمین و وارث آن گردانیم.

این آیه وعده‌ای است که به همهٔ صالحان و اهل تقوی داده شده همانگونه که در ادیان قبلی نیز بدان اشاره شده است .

به عنوان نمونه : آیه ۱۰۵ سورهٔ انبیاء

و لقد کتبنا فی الزبور بعد الذکران الارض یرثها عبادی

الصالحون.

۱- قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه ص ۶۲-۶۳

۲- مدرک سابق ص ۶۴



بتحقیق که در زبور یاد آور شدیم که حتماً بندگان صالح خدا وارثان زمین خواهند شد .

مرحوم طبرسی (متوفی ۵۴۸-ه ق) در کتاب شریف مجمع البیان ذیل آیه فوق، از امام باقر علیه السلام نقل می کنند که فرمودند: مراد این آیه اصحاب حضرت در آخر الزمان است. (۱)

مرحوم شیخ صدوق (متوفی ۳۱۸-ه ق) در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می کنند که ؛ ظهور فرج محقق نخواهد شد مگر اینکه هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسند

پس سخن در اینست که گروه سعید و گروه اشقیاء هر کدام به نهایت کار خود برسند، سخن در این نیست که اصلاً سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتهی درجه شقاوت برسند. (۲)

در واقع تفکر ابا حنیفه نقطه مقابل قرآن و تعالیم دینی است ، امر به معروف و نهی از منکر از واجبات مسلمة ای است که بسیار بر آن تکیه مسلمة ای شده مبارزه با ظلم و فساد یکی از وظایف اصلی حکومتها و احاد جامعه است .

- فرات بن ابراهیم کوفی در تفسیر خود از علی بن الحسین علیه السلام نقل می کند که فرمود:

وقتی که حضرت قیام می کنند به مردم می فرمایند ای مردم ما کسانی هستیم که خداوند در کتابش به ما وعده فرموده بود و آیه ۴۱

۱- اثبات الهداة ج ۷ ص ۵۰ حدیث ۴۱۹

۲- قیام و انقلاب مهدی عج - ایت الله مطهری ص ۶۷



سوره حج را تلاوت می فرمایند:

الَّذِينَ ان مكناهم فى الارض اقاموا الصلوة و آتوا الزكوة و أمروا بالمعروف و نهوا عن المنكر و لله عاقبة الامور.

با اعتقاد به اشاعه ظلم و فساد برای رسیدن به جامعه آرمانی حضرت صاحب عجل الله تعالى فرجه الشريف. نه تنها به خود ظلم کرده و گناه عظیمی را بدوش خواهیم کشید بلکه از مقدمات منفی در ظهور حضرت خواهیم بود.

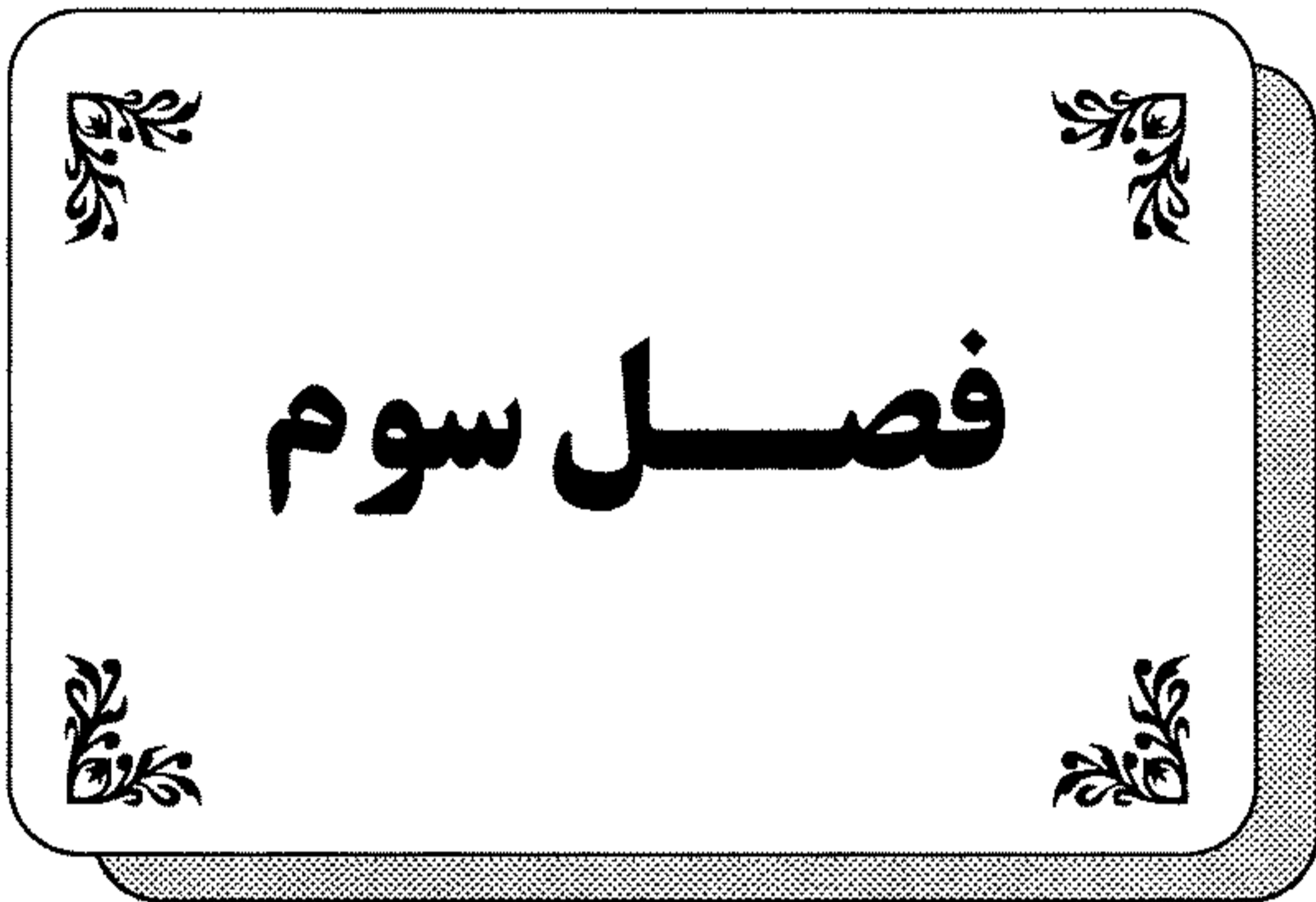
ظهور بی تفاوتی و برخورد های انفعالی چه بسا در بسیاری از موارد گناهی بس بزرگ باشد خصوصاً در صورتی که باعث جرئت دیگران بر انجام معصیت گردد.

به عنوان حسن ختام باز هم از کلام استاد شهید مرتضی مطهری بهره می بریم که فرمودند:

... از مجموع آیات و روایا استنباط می شود که قیام مهدی موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف آخرین حلقه از حلقات مبارزه حق و باطل است که از آغاز جهان بر پا بوده است ... در برخی از روایات اسلامی سخن از دولتی است که از اهل حق که تا قیام مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف ادامه پیدا می کند.

... مهدی موعود تحقق بخش ایده آل همه انبیاء و اولیاء و مردان مبارز راه حق است.

فَضَّلَ اللهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ اجراً عظيماً.



# فصل سوم

● سیمای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

- سیره اخلاقی آن حضرت

- طرز تفکر آن حضرت

- صفات مصلحین

- زندگانی شخصی امام زمان علیه السلام

- روش سیاسی امام زمان علیه السلام

- مهدی (عج) در قرآن

## - سیمای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

بدیهی است که صورت زیبا و سیرت زیبا دو عامل مؤثر در جلب توجه افراد است. بعضی از افراد در مورد صورت زیبا حالتی منفعل پیدا می‌کنند و حتی سراز پا نشناخته و هر چه که به آنان گفته می‌شود بلادرنگ می‌پذیرند.

چه فجایعی که به خاطر همین صورت زیبا در عالم هستی بوقوع نپیوسته و چه سوء استفاده‌هایی که از آن نشده و نمی‌شود. اگر این صورت زیبا و جذّاب به همراه معنویت بوده و حاکی از قلبی پاک و سیرت زیبا باشد، لطفی از جانب خداوند متعال است که برای وجاهت بیشتر آن سیرت پاک و منزّه، چهره‌ای زیبا را به عنوان ظرف آن وجود خوش سیرت آفریده و واقعاً باید گفت: فتبارک الله احسن الخالقین.

شعرای پارسی زبان در وصف زیبائی آن حضرت چنین سروده‌اند که:

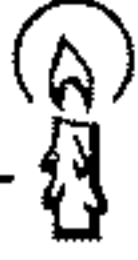
آنچه خوبان همه دارند      تو یکجا داری  
و در شعر دیگری سروده‌اند:

تا به کی روی شریف تو بینم در خواب

روز در فکر، که شب آید و بینم مهتاب

و این توصیف در مورد حضرات ائمه طاهرین علیهم السلام و وجود مقدس حضرت ختمی مرتبت نیز وارد شده.

در حدیث شریف کساء چنین فرمودند:



كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدند در حالیکه صورتشان همانند ماه شب چهارده بود.

در روایتی احمد بن اسحاق از امام عسکری علیه السلام نقل می‌کنند که از امام پرسیدم،

- امام و خلیفه بعد از شما کیست؟

- امام با سرعت و شتاب برخاست و داخل حجره شدند و بعد از چند لحظه بیرون آمدند در حالیکه بر شانه مبارکشانشان پسر بچه‌ای بود که گویا چهره او چون ماه شب چهارده بود و به کودکی سه ساله می‌برد (۱)

- علی علیه السلام آن حضرت را چنین توصیف می‌کنند:

او جوانی متوسط القامة: زیبا روی و زیبا مو است ، موی او بر شانه‌هایش ریخته و نور صورتش بر سیاهی موی ریش و سرش برتری دارد.

- در روایت دیگری وارد شده که گویی چهره‌اش ستاره درخشانی است و در گونه راستش خال سیاهی وجود دارد. (۲)  
همچنین با تفحص در روایاتی از این باب بخوبی در می‌یابیم که وجود مقدس آن حضرت در اوج زیبایی است .

۱- الانوار البهیه ص ۳۵۶ - کمال الدین مرحوم صدوق (ره) ج ۲ ص ۳۸۲

۲- فی رحاب ائمة اهل البيت عليهم السلام ص ۲۶۴



## سیره اخلاقی آن حضرت

بدیهی است که شناخت آن حضرت برای ما که ابر تیره گناهان همواره بر زندگی ما می بارد امری بسیار مشکل بوده و چه بسا محال به نظر می رسد. با شناخت آن وجود مقدس بهتر می توان در راه منویات آن بزرگوار گام برداشته و زندگی خود را با آن الگوی بسیار زیبا و نمونه انسان کامل تا حدی توان تطبیق دهیم و لااقل از آن گلاب ناب، بوئی بما رسیده باشد.

حضرت آیت الله کریمی جهرمی در مقاله‌ای پیرامون همین موضوع می فرمایند:

بیان روایات شریفه در این موضوع به دو صورت است.

۱- روایاتی که رسماً از سیره آن حضرت سخن می گویند و تصریح به لفظ «سیره» در آنها نشده، اعم از اینکه بصورت سؤال و جواب مطرح شده باشند و یا به صورت ابتدائی ائمه هدی علیهم السلام از سیره آن حضرت سخن گفته باشند.

۲- روایاتی که هر چند لفظ سیره در آنها بکار نرفته ولی از سیره آن حضرت و اعمال و کارهای وی سخن می گویند و در نتیجه با روایات دسته اول اشتراک در هدف دارند و یک حقیقت را دنبال می کنند. (۱)

روایاتی که مربوط به سیره و صفات آن وجود نازنین است به سه

۱- مجله صبح وصال - ویژه نیمه شعبان ۱۴۱۸ - ص ۲۸





دسته تقسیم می شوند.

الف) بعضی مربوط به طرز تفکر و اندیشه ایشان است.

ب) بعضی از روایات پیرامون روش زندگی خصوصی آن حضرت وارد نشده.

ج) روایاتی که مربوط به سیاستمداری و جنبه اداره جامعه می باشد.

اکنون به تناسب بحث، پیرامون هر سه محور فوق به تحقیق می پردازیم.

### - طرز تفکر حضرت

آنچه مربوط به معیارهای فکری ایشان است را می توان در یکی از فرمایشات مولا علی علیه السلام مورد تحقیق قرار داد.

- يعطف الهوى على الهدى اذ عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الرأى على القرآن على الرأى<sup>(۱)</sup> هواهای نفسانی را پیرو هدایت قرار می دهد، آنگاه که مردم هدایت را پیرو هوا قرار می دهند او رأی و نظر شخصی را پیرو قرآن می گرداند،

محور افکار توده مردم هوا و هوس است، تمناهای شیطانی و آرزوهای طولانی و غیر واقعی خط و مشی زندگی افراد را تعیین می کند، ولی حرکت بنیادین امام زمان علیه الصلوة و السلام درست

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۳۸



نقطهٔ مقابل این تفکر باطل است .

امام زمان علیه السلام بر اساس تعالیم قرآن مجید و فرمایشات معصومین علیهم السلام گام برداشته و همواره در صدد مغلوب کردن تفکرهای غیر خدا است .

امام زمان ارواحنافداه همانند جد بزرگوارشان حسین بن علی علیه السلام در صدد اصلاح امت جد خود هستند.

### « صفات مصلحین »

یک اصلاح طلب باید خصوصیاتِ داشته باشد که با تکیه بر آنها بتواند جامعه را اصلاح نماید .

قرآن کریم در مورد صفات یک اصلاح طلب چنین می فرماید:  
 - والذین یمسکون بالکتاب و اقاموا الصلوة انا لا نضیع  
 اجر المصلحین<sup>(۱)</sup>

آنانکه متوسل به کتاب آسمانی شدند و نماز پیا داشتند، ما اجر درستکاران را ضایع نخواهیم گذاشت.

یک مصلح باید از دو ویژگی مهم برخوردار باشد.

۱- تمسک به قرآن کریم

۲- اقامهٔ نماز

این دو شاید در بدو نظر خیلی ساده به نظر آمده و صفاتی بسیار

۱- سورة اعراف آیه ۱۷۰



عادی جلوه دهند لیکن عمل به قرآن و مضامین عالیۀ آن کار هر کسی نیست، و با هر روحیه‌ای بالاخص با روحیۀ غیر دینی وجدای از تعالیم اهل البیت علیهم السلام هرگز سازگار نخواهد بود. ضمن اینکه بپا داشتن نماز نیز نیاز به مقدماتی دارد که باید مورد دقت قرار گیرد.

در واقع اصلاحی که مورد نظر قرآن است باید بر اساس دین و دینداری و تعالیم معصومین علیهم السلام که همان منطق وحی و تفسیر واقعی آیات شریفه قرآنی است، را سرلوحۀ اعمال خود قرار دهد.

طبق تعالیم ائمه هدی علیهم السلام کسی که نماز می‌خواند طبیعتاً از بسیاری از پلیدی‌های ظاهری و باطنی دور شده و خیلی از کارهای زشت و ناپسند را مرتکب نخواهد شد.

انّ الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر.

همانا نماز از فساد و بدیها انسان را دور می‌کند.

به تعبیری دیگر می‌توان گفت: برای اینکه بدانیم تا چه اندازه اصلاح طلب هستیم باید ببینیم که تا چه اندازه در مسیر و خط امام علیه السلام که مصلح کلّ است گام برمی‌داریم.

بدیهی است که نقطۀ اساسی در اندیشۀ آن حضرت، هدایت الهی بر اساس قرآن کریم است.

ملاکهای دروغین پول و موقعیت و هوی و هوس نزد حضرت جایگاهی نداشته و پیشیزی ارزش ندارند.



روش او روش صالحان و نیکان و معصومین قبل از ایشان است. روش آن حضرت همان روش نیکان و پاکان است. لذا در دعای شریف ندبه ناله سر می دهیم که:

– أَيْنَ الْخَيْرَةِ بَعْدَ الْخَيْرَةِ؟

عبدالله بن عطا از امام صادق علیه السلام روایت می کند که از روش آن حضرت پرسیدم ، امام صادق علیه السلام پاسخ دادند، همان کاری که رسول خدا صلی الله و اله انجام می دهد را خواهد نمود و آنچه از سنتهای غلط بر جا مانده را منهدم می کند همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله با جاهلیت برخورد کرده و اسلام را آغاز کردند. (۱)

### زندگی شخصی امام زمان علیه السلام

بانندگی تأمل در روایاتی که پیرامون زندگانی شخصی آن امام بزرگوار در دست ماست، می توان تا حدودی به روش زندگی ایشان پی برد، البته بدیهی است که روش زندگی ایشان نیز همانند روش زندگی اجداد طاهرینش می باشد.

علی علیه السلام در نامه ای که به عثمان بن حنیف مرقوم فرمودند، در مورد و ضعیف لباس و غذایشان می فرمایند: در هر سال دو جامه معمولی و غذایشان دو قرص نان جو است، در پایان

۱-بخار الانوار ج ۵۲ ص ۳۵۳



همین نامه نوشته‌اند:

- مَا لِعَلَىٰ وَ أَنْعَمَ يَفْنَىٰ وَ لَذَّةٌ لَا تَبْقَىٰ (۱)

علی را با نعمتهای فناپذیر و لذتی که دوام و بقا ندارد چکار؟!!

- قال الصادق علیه السلام:

مَالْبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِيبُ

لباس آن حضرت چیزی جز جامه‌های خشن و غذایشان چیزی

جز غذاهای درشت مانند جوی نیم کوبیده نمی باشد. (۲)

بادقت در مضمون این روایات و سایر روایاتی که در این باب در

خصوص آن حضرت و روش زندگی بی آرایش آن حضرت مشاهده

می‌کنیم باید از خودمان پرسیم آیا ما واقعا پیروان آن امام عزیز

هستیم؟!!

-..... فَاَيْنَ تَذَهَبُونَ؟

- امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جامه های فاخر و

لباسهای قیمتی و اشرافی نمی پوشند و لباس ایشان از لباسهای

مردم عادی و طبقات ضعیف و پایین و کم درآمد جامعه است.

چنانکه طعام آن حضرت نیز از غذاهای چرب و نرم و طعام

سلاطین و پادشاهان و حکام و فرمانروایان نمی باشد. غذای ایشان

غذایی معمولی و سفره آن حضرت بدور از اشرافیت و تجملات و

تجمل گرایی است، طعام آن حضرت در حد طعام فقرا و به تعبیر

۱- نهج البلاغه نامه ۴۵

۲- منتخب الاثرص ۳۰۷ حدیث ۱



بہتر از نوع غذای اہل زہد و پارسایی است<sup>(۱)</sup>.  
 یکی از بیماریہای حساس روحی، رفاه طلبی است. رفاه طلبی ممکن است باعث دوری انسان از امام شدہ و بہ بُعد آن بیافزاید. چہ بسا کسی کہ در رفاه غوطہ ور شدہ و بدنبال رفاه و تجمّل و شہوات نفسانی است دیگر نتواند خود را با دستورات اسلام وفق دادہ و از فرامین امام زمان علیہ السلام پیروی کند.  
 خدا نکند کہ فرورفتن در تفکر رفاه طلبی باعث شود کہ بہ دستور امام گردن ننہادہ و یا نعوذ باللہ جلوی فرمان امام زمان قد برافراشتہ و یا با او بہ مخالفت برخیزد.  
 واقعاً باید از صمیم قلب از خدای مَنان بخواہیم کہ آنی و کمتر از آنی ما را بہ حال خود وا مگذارد والّا...  
 تاریخ گواہ است کہ بسیاری از افرادی کہ مقابل علی علیہ السلام صف کشیدہ و بہ مبارزہ برخاستند بہ خاطر حبّ جاہ و مقام دست از دین و امام خود کشیدہ و در برابر ایشان جیبہ گیری کردند می دانیم کہ بسیاری از مخالفین علی علیہ السلام بہ خاطر غوطہ ور بودن در دنیا و از دست ندادن مال و منال خود، در برابر وصی و جانشین بلافصل پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ صف آراستند.  
 رفاه طلبی گاہی با انسان کاری می کند کہ چہ بسا بہ خاطر مُلک ری ابا عبد اللہ الحسین علیہ السلام را بہ شہادت رساندہ و بر

۱- برگرفته از مقالہ‌ای از آیت اللہ کریمی جہرمی - مجلہ صبح وصال ص ۳۹



اجساد مطهر شهدا اسب بدوانند!!

اغلب دشمنان معصومین علیهم السلام نیز به خاطر دنیا دوستی و دنیا طلبی دست خود را به خون آن عزیزان آغشتند تا چند روزی به حکومت ظاهری برسند.

بدیهی است کسی که دنیاپرست و تجمل‌گرا بوده و از این بیماری در رنج است باید بخود آمده و بتواند به یاری خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در صدد رفع این بیماری برآید.

### روش سیاسی امام زمان علیه السلام

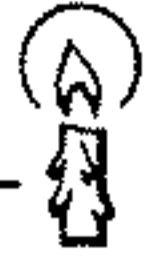
بدیهی است امام معصومی که از همه زوایای زندگی بشری آگاه است. بهترین روش را در سیره سیاسی اجرا نماید چون معصوم است و از هر خطا و اشتباهی بدور خواهد بود لذا سیاستی را که در مورد برخورد با حکومت‌ها و عمال داخلی و خارجی دارند بهترین و برگزیده ترین روش سیاسی خواهد بود.

- امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

يقوم القائم عليه السلام و ليس لاحد في عُنُقِهِ عقد ولا عهد ولا بيعة (۱).

حضرت قیام می‌فرمایند در حالیکه هیچ عهد و پیمان و بیعتی برگردنشان نخواهد بود.

۱- منتخب الاثر - آیت الله صافی ص ۲۸۹ به نقل از غیبت نعمانی و کافی



قیام حضرت وامدار هیچ حکومت و دولتی نبوده و به احدی بدهکار نخواهد بود.

علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرمایند:

حضرت ولی عصر (عج)، عُمَال و تشکلات باطله را به محاکمه گرفته و آنان را بر بدیهای اعمالشان مؤاخذه خواهد فرمود و زمین گنجهای درونی خود را برای او بیرون می ریزد و از روی کمال تسلیم، کلیدهای خود را به سوی او افکنده و تحت اختیار او خواهد گذاشت، آنگاه او سیره عدل را نشان شما داده و احکام از بین رفته کتاب و سنت را احیا خواهد فرمود<sup>(۱)</sup>.

کارگزارانی که بخواهند از مقام خود سوء استفاده کنند و به جان و مال طبقات محروم و توده های ملت بی حرمتی کنند و از دسترنج آنان وسائل و ابزار عیاشی و شهوات خود را تأمین کرده و راه بیاندازند در دولت حَقَّةُ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد بازخواست قرار خواهند گرفت.<sup>(۲)</sup>

این همان سیاست مولا علی علیه السلام است که بدین مضمون فرمودند که حقوق پایمال شده را از حلقومتان بیرون می کشم ولو آنکه مهریه زنانتان کرده باشید.

در کتاب بشارة المصطفی روایت شده که: المهدی جوادٌ بالمال، رحیمٌ بالمساکین، شدیدٌ علی العُمال.

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۳۸.

۲- مجله صبح وصال ص ۳۹





- حضرت بسیار بخشنده هستند و به فقرا مهربان و بر عمال و کارگزاران سخت گیر و حسابرس می باشند.

- «امام زمان علیه السلام مظهر هدایت و کانون راهنمایی جامعه به سوی خدا و مقدسات» «اسلام و قرآن کریم است. نام نامی و اسم مبارک آن حضرت، ناطق به سیره پاک الهی اوست، او مهدی است که از هدایت مشتق شده و یادآور هدایت مردم است»<sup>(۱)</sup>

از خصوصیات دیگر دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، عزت اسلام و مسلمین و ذلت و خواری دشمنان و معاندین است. در قسمتی از دعای افتتاح ناله سر می دهیم:

اللهم انا نرغبُ اليك في دولة كريمه، تُعزُّ بها الاسلام و اهله و تدلُّ بها النفاق و اهله...<sup>(۲)</sup>

خدایا از تو می خواهیم که در دولت کریمه امام زمان، اسلام و اهل آنرا عزیز و مقتدر و نفاق و طرفداران آنرا ذلیل گردانی. همچنین در دعای ندبه در فراق نوگل زهرا سلام الله علیها چنین می خوانیم: - اَيْنَ معزُّ الاولياء و مُدِلُّ الاعداء...

قدرت دهنده اولیاء خدا و ذلیل کننده دشمنان کجاست؟

با توجه به مضمون هر دو فراز از دعای افتتاح و ندبه که در واقع ترجمانی از سیره سیاسی آن حضرت خواهد بود، حکومتی که در آن اسلام و مسلمین مقتدر و عزیزند و دشمنان اسلام ذلیل و سر

۱- مقاله‌ای از آیت الله کریمی جهرمی در مجله صبح وصال ص ۴۱

۲- دعای افتتاح - مفاتیح الجنان.



افکنده خواهند بود. با تمام قدرت به دست امام زمان علیه السلام پایه گذاری خواهد شد (به امید آنروز).

این سیره در واقع همان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله است که قرآن کریم در مورد آن می فرماید:

محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم.  
(قرآن کریم) - سوره فتح آیه ۹.

محمد رسول خدا و کسانی که با او هستند بر علیه کافران شدید و با یکدیگر بسیار مهربانند. خصوصیت دیگر دولت کریمه امام زمان علیه السلام، انتقام از دشمنان خدا و برخورد با آنان است.

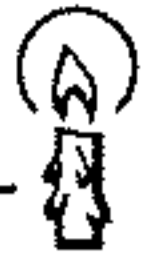
مولی علی علیه السلام در روایتی می فرماید:

البتة خدا مردی از فرزندانم را در آخر الزمان بر می انگیزد که خونهای [به ناحق ریخته شده] ما را طلب می کند<sup>(۱)</sup>

او منتقم حقیقی است و می آید تا ندای مظلومیت مادر را پاسخ دهد، مرحوم عاملی در روایتی نقل می کنند هنگامیکه زهراء مظلومه سلام الله علیها بین در و دیوار مجروح شدند... بدنبال علی علیه السلام بودند و ناله یا ابن الحسن سر داده و به فرزند برومندشان امام زمان علیه السلام استغاثه می جستند. آن امام عزیز روزی از ظالمین خواهد پرسید:

که شما از چه بهم پیوستید پهلوی مادر من بشکستید؟

۱- منتخب الاثر - آیت الله صافی ص ۲۹۹



- وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون  
ویژگی دیگری که در روش سیاست حکومتی آن حضرت وجود دارد، عدالت کامل و فراگیر است. عدالتی که تمام اعضاء جامعه بدون تفاوت از آن بهرمنند شده و کسی را بر دیگری تسلط و زورگوئی نخواهد بود و همه افراد در برابر حکومت حقه یکسانند. همچنین آرامش و امنیتی که در حکومت ایشان بر زمین پرتو خواهد افکند. همانگونه که حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خودشان فرموده‌اند: اِنِّی امانٌ لاهل الارض.

همانا من امان برای اهل زمین هستم.

مرحوم شیخ مفید رحمه الله تعالی علیه در کتاب شریف ارشاد از علی بن عقبه و او از پدرش نقل می‌کند آنگاه که حضرت ظهور می‌کنند به عدالت حکم کرده و ظلم و جور مرتفع می‌گردد تمامی راهها امن گشته و زمین تمام برکات خود را بیرون می‌ریزد و حق به‌حقدار خواهد رسید (۱).

از امام باقر علیه السلام نقل شده که: [امنیت در زمان حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اندازه‌ای زیاد است که] پیرزنی ضعیف و ناتوان می‌تواند در کمال امنیت از مشرق زمین به مغرب برود، بدون اینکه کسی او را آزار و اذیت کند (۲)

در کتاب اسعاف الراغبین ص ۱۴۰ چنین می‌خوانیم:

۱- منتخب الاثر - آیت الله صافی ص ۳۰۸

۲- ینابیع المودة - قندوزی ص ۴۲۳ - منتخب الاثر ص ۳۰۸



سلطنت حضرت، مغرب و مشرق زمین را فراگرفته و تمام گنجهای زمین برای حضرت ظاهر می‌شوند و در روی زمین خرابی باقی نمی‌ماند مگر آنکه به امر حضرت آباد می‌گردد<sup>(۱)</sup> مطالبی که در ارتباط با سیره سیاسی و حکومتی امام زمان علیه السلام بیان شد بخوبی روشنگر حکومتی فراگیر و مقتدر و بسیار مستحکم می‌باشد، حکومتی که واقعاً بوی حکومت جدّ اعلاش علی علیه السلام را می‌دهد، حکومتی که یاور ستمدیدگان و مستضعفان بوده و آنان در پناه سایه امن آن خواب راحتی خواهند داشت.

حال که تا حدّی با سیره آن حضرت آشنا شدیم باید خود را در آن مسیر قرار داده و حتی الامکان روح و جانمان را به روش و منش آن حضرت نزدیک کرده تا بتوانیم از آن وجود مقدس کام ولایت گرفته و از آن وجود سراسر نور بهره‌مند شویم. در واقع، نزدیک شدن بوسیله مطالعه و دقت پیرامون سیره و روش آن حضرت یکی از مهمترین وظایف ما شیعیان می‌باشد.

منشور امام زمان علیه السلام قرآن کریم است، عمل به قرآن کریم و شناخت آن و تفکر در آیات نورانی آن لحظه به لحظه به سیر صعودی ما به سوی آن منبع اصلی نور و قرآن ناطق می‌افزاید. همچنین دوری از گناه یکی از وسائل قرب به معصوم پاک

۱- منتخب الاثر - آیت الله صافی ص ۴۸۲



می باشد.

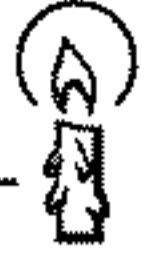
در توقیع شریفی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به مرحوم شیخ مفید رحمه الله تعالی علیه مرقوم فرمودند با چنین عبارت نورانی برخورد می کنیم:

- باید هر کسی از شما به آنچه که او را به محبت و دوستی ما نزدیک می سازد، عمل کند و از هر چه که او را به ناراحتی و خشم ما نزدیک می سازد اجتناب ورزد، زیرا که ظهور ما بصورت ناگهانی فرا می رسد، زمانی که توبه او را نفعی نخواهد بخشید، و ندامت و پشیمانی بر گناه، او را از عقاب و کیفر ما نجات نخواهد داد، خداوند به شما رشد را الهام فرماید و با رحمتش به شما لطف کرده و توفیق عطا فرماید<sup>(۱)</sup>.

کلام امام برای ما یک سرمشق کلی و روشنگر خط و مشی بسیار مهم و حساس است، باید این نکته حساس را مورد بررسی قرار داد که چه چیزی ما را از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دور می کند و چه مواردی باعث نزدیک شدن ما به یوسف فاطمه علیهما السلام خواهد بود؟

زهد در دنیا و عمل به قرآن و انجام اعمال صالحه باعث نزدیک شدن ما به امام زمان علیه السلام است. و بالعکس دنیا طلبی و غیبت و تهمت های ناروا، دروغ، شایعه و سایر گناهان دیگر باعث دوری

۱- احتجاج طبرسی - ج ۲ ص ۳۲۳



ماز ایشان خواهد بود.

امید آنکه بتوانیم علاوه بر شناخت سیره آن امام بزرگوار، با ترک معاصی و انجام دادن اعمال صالحه تا حدی خود را به آن حضرت نزدیک کنیم.

اللهم اجعلنا من انصاره و اعوانه، اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

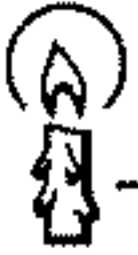
### به استقبال از حافظ

ای پادشاه خوبان داد از غم تنهایی  
مردم من از این هجران دانم که تو می آیی  
درهای رفیع فیض بگشا ز رخم جانا  
از بهر شکوفایی دانم که تو می آیی<sup>(۱)</sup>

### مهدی در قرآن

بدیهی است که در قرآن کریم به وجود مقدس ناموس الدهر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده باشد. ظهور و قیام آن حضرت آنقدر پر اهمیت است که در بعضی از تفاسیر از لحظه ظهور به ساعت که از اسامی قیامت است اشاره شده که ذیلاً به آن اشاره خواهد شد.

۱- از اشعار حاج علی اکبر لشگری در استقبال از حافظ



مرحوم علامه مجلسی (ره) - متوفی ۱۱۱۱ هـ ق - فصل مهمی را به آیات قرآن پیرامون آن حضرت اختصاص داده‌اند.

۱- از جمله ذیل آیه ۲۲ سوره الزاریات، در کتاب شریف بحارالانوار از ابن عباس نقل می‌کنند که ذیل آیه: و فی السماء رزقکم و ما توعدون - یعنی: روزی شما به آنچه به شما وعده می‌دهند در آسمان است - که مراد از آنچه به شما وعده می‌دهند خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است<sup>(۱)</sup>

۲- در روایتی از امام کاظم علیه السلام ذیل آیه ۲۰ سوره لقمان که می‌فرماید:

وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً (نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما کامل کرد) - مراد از نعمت ظاهر امام ظاهر است و مراد از نعمت باطن امام غایب است که از دیده مردم پنهان شود، گنجهای زمین بر روی ظاهر شده و هر دوری نزدیک گردد<sup>(۲)</sup>.

۳- ذیل آیه ۵۵ سوره نور، صفوان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که؛ امام صادق علیه السلام را دیدم که چنین دعا می‌کردند: خداوندا به وعده‌ای که بما دادی و فاکن که تو خلف وعده نمی‌کنی، پرسیدم، سرورم خداوند چه وعده‌ای داده است؟

فرمودند: در این آیه: نور - ۵۵

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي

۱- اثبات الهداة ج ۷ ص ۱۶۲ - بحارالانوار ج ۵۱ ص ۶۲

۲- اثبات الهداة ج ۷ ص ۱۶۳ فصل ۵۹



الارض

خداوند به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده کرده که حتماً آنان را بر روی زمین جانشین خود گرداند<sup>(۱)</sup>

۴- روایت شده که آیه ۵ سوره قصص را در حضور امام صادق علیه - السلام تلاوت کردند و ثریدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا غِي الْأَرْضِ أَنْ نَجْعَلَهُمُ الْأئِمَّةَ وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.

می خواهیم بر آنها که در زمین ناتوان شمرده شده‌اند منت نهاده و آنان را پیشوایان روی زمین قرار داده و وارث آن گردانیم.

۵- در تفسیر علی بن ابراهیم قمی ذیل آیه پنجم از سوره مبارکه ابراهیم می فرماید:

- و لقد ارسلنا موسى باياتنا ان اخرج قومك من الظلمات الى النور و ذكرهم بايام الله.

ذیل این آیه روایت شده که ایام الله سه روز است.

الف- روز قیام حضرت مهدی (عج) ب- روز مرگ. ج- روز قیامت<sup>(۲)</sup>

۶- مرحوم علامه مجلسی رحمة الله تعالى علیه از کتاب تفسیر علی بن ابراهیم قمی نقل می کنند که در روایتی از وجود مقدس امام صادق علیه السلام ذیل آیه: اقتربت الساعة.

فرمودند: مراد از ساعت روز قیام حضرت ولی عصر عجل الله

۱- اثبات الهداة - مرحوم شیخ حرّ عاملی ج ۷ ص ۱۶۳ - بحار الانوار ج ۵۱ ص ۶۴ و ۵۸

۲- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۴۵





تعالی فرجه الشریف است<sup>(۱)</sup>.

۷- آیه ۶۲ سوره نمل:

أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يُكَشِفُ السُّوءَ وَ يُجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ.

چه کسی دعای بیچارگان را به اجابت می‌رساند و رنج و اندوه آنان را بر طرف می‌سازند و شما مسلمین را جانشینان اهل زمین قرار می‌دهد؟

امام صادق علیه السلام ذیل این آیه فرمودند: که این آیه در مورد حضرت نازل شده به خدا قسم آن حضرت همان مضطری است که هنگامی که دو رکعت نماز در مقام بخواند و دعا کند خداوند پاسخ او را خواهد داد و رنج و اندوه را بر طرف کرده و او را جانشین خود بر روی زمین قرار خواهد داد<sup>(۲)</sup>.

۸- سوره صف آیه ۸

يُرِيدُونَ لِ يُطْفَئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمِّ نُورِهِ<sup>(۳)</sup>

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود ذیل این آیه شریفه از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که این نور بوسیله حضرت کامل شده و هرگاه ایشان برای یاری دین قیام کنند معبودی بجز خدا مورد پرستش قرار نخواهد گرفت<sup>(۴)</sup>. و این اشاره به همان کلامی

۱- بهار الانوار ج ۵۱ ص ۴۹

۲- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۴۸

۳- ترجمه آیه: می‌خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش کنند، البته خداوند نور خود را تمام کننده است.

۴- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۴۹



دارد که در وصف ایشان بیان شده که حضرت، زمین را پر از عدل و داد می‌کنند همانگونه که از ظلم و جور پر شده است<sup>(۱)</sup>.

۹- عن یحیی بن ابی القاسم قال: سئلت الصادق علیه السلام عن قول الله عزوجل: الم - ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين - الذين يؤمنون بالغيب (بقره آیات ۳-۱)

فقال: المتقون شیعة علی علیه السلام و اما الغیب فهو الحجة الغائب و شاهد ذلك قول الله تعالى: و يقولون لولا انزل علیه آية من ربه فقل انما الغیب لله فانظروا انی معکم من المنتظرین (یونس - ۲۰) (۲)

یحیی بن ابی القاسم نقل می‌کند: از امام صادق علیه الصلوة والسلام در مورد آیات اول تا سوم سوره بقره سؤال کردم حضرت فرمودند: متقین شیعیان علی علیه السلام هستند و غیب همان امام زمان عجل الله تعالی فرجه هستند و دلیل بر آن آیه ۲۰ [سوره یونس] است که این آیه را تلاوت فرمودند.

۱۰- عن ابی جعفر علیه السلام قال: کان یقرء: «بعثنا علیکم عباداً لنا اولی بأس شدید»

ثم قال: و هو القائم و اصحابه اولی بأس شدید<sup>(۳)</sup>.

امام باقر علیه السلام بعد از تلاوت آیه فوق، بیان فرمودند: مراد

۱- ادامه بیان حضرت بصورت جداگانه نیز روایت شده از جمله در بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۴۵.

۲- بحار الانوار - مرحوم مجلسی ج ۵۱ ص ۵۲ به نقل از کمال الدین صدوق.

۳- بحار الانوار - ج ۵۱ ص ۵۷ - به نقل از تفسیر عیاشی



از بندگان ما در آیه، وجود مقدس امام زمان علیه السلام و اصحاب ایشان است که صاحب قدرتی بسیار قوی هستند.

۱۱- عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام فی قوله: فاستبقوا الخیرات اینما تکنونوا یأتِ بکم الله جمیعا - بقره - ۱۴۸ - قال: نزلت فی القائم و اصحابه یجتمعون علی غیر میعاد<sup>(۱)</sup>.

امام صادق علیه السلام ذیل آیه فوق فرمودند این آیه در مورد حضرت و اصحاب ایشان است که بدون وعده همه در یک جا جمع می شوند.

۱۲- در تفسیر آیه (۳ سوره لیل) ... والنهار اذا تجلی: قسم به روز هنگامی که نورافشانی کند علی بن ابراهیم روایتی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود:

مراد از روز همان قائم آل محمد علیهم السلام است که هرگاه قیام کنند بر تمامی دولتهای باطل غلبه خواهند نمود<sup>(۲)</sup>.  
قال الباقر علیه السلام.

النهار هو القائم منّا اهل البیت علیهم السلام اذ اقام غلب دولة الباطل<sup>(۳)</sup>

داد از غم تنهایی

شـعـری از فـقیـه عـارـف مـرحـوم مـا مـحـسن فـیض

۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۵۸ - به نقل از غیبت نعمانی ص ۲۴۱

۲- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۴۹ حدیث ۲۰      ۳- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۴۹ حدیث ۲۰



کاشانی به استقبال از غزل حافظ  
ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی  
دل بی تو بجان آمد وقت است که بازآیی  
در آروزی رویت بنشسته به هر راهی  
صد زاهد و صد عابد سرگشته و سودایی  
مشتاقی و مهجوری، دور از تو چنانم کرد  
کز دست نخواهد شد پایان شکیبایی  
ای درد توام درمان در بستر ناکامی  
وی یاد توام مونس در گوشه تنهایی  
فکر خود و رأی خود در امر تو کی گنجد  
کفر است در این وادی خود بینی و خودرایی  
در دایره فرمان، ما نقطه تسلیمیم  
لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی  
گستاخی و پرگویی تا چند کنی ای فیض  
بگذر تو از این وادی تن ده به شکیبایی

# فصل چہارم



● پڑوہشی پیرامون نوآب اربعه

- منزلت نوآب اربعه

الف: عثمان ابن سعید عمروی (اسدی)

- ب: محمد ابن عثمان

- ج: حسین ابن روح نوبختی

- د: علی ابن محمد سمری

- توقیع حضرت

- آخرین کلام

## پژوهشی پیرامون نوآب اربعه

وجود مقدس حضرت بقیة الله الاعظم روحی له الفداء برای ارتباط با مردم در زمان غیبت صغری چهار نایب گرانمایه و جلیل القدر را برای پاسخگویی به مشکلات و شبهات معین فرمودند این بزرگواران عبارتند از:

الف) جناب ابو عمرو، عثمان بن سعید

ب) جناب محمد بن عثمان بن سعید

ج) جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

د) جناب علی بن محمد سمري

در کتب مختلفی که پیرامون شخصیت والای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته شده در مورد زندگانی این عزیزان مطالب کمی بیان شده و اغلب فقط به ذکر نام این بزرگواران و تعداد و محل دفن ایشان اشاره کرده‌اند.

در این مجال در صدد پژوهشی پیرامون زندگی ایشان خواهیم بود و به شرح احوال هر یک بطور جداگانه خواهیم پرداخت.

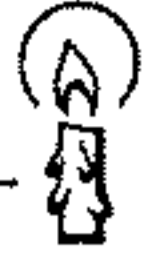
## منزلت نوآب اربعه:

مرحوم محدث قمی رحمة الله تعالی علیه در کتاب هدیه

الزائرین می‌فرمایند:

از جمله تکالیف زوار در ایام توقف در بلدة طيبة کاظمین، رفتن

به بغداد است.



به جهت زیارت چهار نایب خاصّ امام عصر صلوات الله علیه، که اگر هر یک از آنها در بلاد بعیده بودند، سزاوار بود که انسان منازل بعیده طی کند و رنج و تعب کشیده و به فیض زیارت آنان نائل گردد، زیرا در بین تمام اصحاب خاصّ ائمه علیهم السلام، کسی به بزرگی و جلالت قدر ایشان نمی رسد. [این بزرگواران] قریب به هفتاد سال به منصب سفارت و وساطت بین امام و رعیت (امام و شیعیان) فائز شدند، کرامات فراوانی بدست ایشان جاری گردید و بیان شده که بعضی از علماء قائل به عصمت ایشان شده اند<sup>(۱)</sup>.

\* \* \* \*

الف) عثمان بن سعید عمروی [اسدی].

این ثقة جلیل القدر از جمله بزرگانی بود که مورد وثوق کامل امام دهم و یازدهم و دوازدهم بودند، در واقع ایشان وکیل هر سه امام بودند، و این خود جلالتی بسیار بزرگ است که شخصی وکیل سه امام معصوم بوده باشد.

ایشان به جدّ بزرگوارشان جعفر عمروی از طایفه اسدی منسوب بودند، و به ظاهر به شغل روغن فروشی اشتغال داشتند، لذا در بعضی از نسخ به عنوان سمّان (روغن فروش) از ایشان یاد می شود و کنیه ایشان ابو جعفر بود.

۱- منتخب التواریخ - مرحوم محمد هاشم خراسانی ص ۵۵۱ به نقل از هدیه الزائرین.





انتخاب این شغل نیز به خاطر پوشش دادن و تقیہ و اخفاء مسئولیت خطیر سفارت، از دید دشمنان و جاسوسان دربار بود. شیعیان اموالی را کہ برای امام عکسری علیہ السلام می آورند، بہ ایشان دادہ و این بزرگوار آن اموال را در مال التجارۃ خود گذاشتہ و بہ خدمت آن امام ہمام می فرستادند.

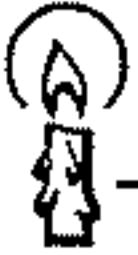
- احمد بن اسحاق قمی رحمۃ اللہ تعالی علیہ (از علماء شیعہ)

نقل می کند:

روزی خدمت امام ہادی علیہ السلام مشرف شدم، عرض کردم مولای من، مشکلی دارم کہ ہمیشہ برایم امکان ندارد خدمت شما مشرف شوم، در این صورت سخنِ چه کسی را بپذیرم و بہ امرِ چه کسی اعمال و تکالیفم را انجام دهم؟

فرمودند: این ابو عمرو مردی مورد اطمینان و امین من است. ہر چه بہ شما بگوید از جانب من است و آنچه بہ شما می رساند از جانب من است.

وقتی امام علی النقی (امام ہادی علیہ السلام) بہ شہادت رسیدند، خدمت امام عکسری علیہ السلام رسیدہ و آنچه بہ پدر بزرگوارشان عرضہ کردہ بودم خدمت ایشان نیز بیان داشتم ایشان فرمودند: این ابو عمرو مردی کاملاً مورد اطمینان و امانتدار است، او همانگونہ کہ مورد اطمینان پدرم بود، مورد اطمینان من نیز ہست. در حال حیات من و حتی بعد از وفاتم ہر چه بہ شما می گوید از جانب من است و آنچه بہ شما می رساند از جانب من



می‌رساند (۱).

با دقت در مضمون روایت می‌توان به خوبی دریافت که عثمان بن سعید از چه جلالت و منزلتی نزد امام معصوم برخوردار بوده، منزلت بزرگی که امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام چنین تعبیر رسا و بزرگی نسبت به این صحابی جلیل القدر بیان فرموده‌اند.

هر دو امام فرمودند: عثمان بن سعید مورد اطمینان کامل و امانتدار ماست. هرچه بگویند از جانب ما گفته و هر چه به شما می‌رساند از جانب ماست.

با این بیان کلیه اعمال او را صحه گذاشته و تأیید کردند، خوشا به حال شیعه‌ای که مورد اعتماد و اطمینان کامل از جانب سه امام معصوم باشد. واقعاً که زهی سعادت.

رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند.

از مرحوم مجلسی (ره) در بحارالانوار ذیل حدیث مذکور، بیان شده:

الشيعة مجتمعة على عدالته وثقته و امانته (۲).

شیعه بر عدالت و اطمینان و امانت‌داری عثمان بن سعید اجماع دارد.

همچنین در بحار روایت شده که جماعتی از اهل یمن به خدمت

۱- منتهی الآمال: مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) ج ۲ ص ۳۴۲ - به نقل از کفایة‌الموحیدین

۲- بحارالانوار ج ۵۱ ص ۳۴۶ - غیبت شیخ طوسی ص ۳۶۲



امام عسکری علیہ السلام مشرف شدند و اموالی را خدمت آن حضرت آورده بودند. امام به عثمان بن سعید فرمودند تو امین و وکیل مال خدایی برو اموالی را که آورده‌اند تحویل بگیر، اهل یمن به امام گفتند ای مولای ما، به خدا سوگند که عثمان بن سعید از شیعیان برگزیده‌توست.



آنچه که ما در منزلت مقام عثمان ابن سعید شنیده بودیم، افزون شد و دانستیم که او واقعاً در خصوص مال خدا مورد اطمینان شماست

امام فرمودند: بله کاملاً صحیح است، شاهد باشید که عثمان ابن سعید عمروی وکیل من است و پسرش محمد بن عثمان وکیل پسر مهدی است.<sup>(۱)</sup>

ایشان علی الظاهر در سال شصت هجری قمری وفات یافت و در بغداد مدفون هستند.

بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام به حسب ظاهر عثمان بن سعید مشغول جمیع امور ایشان یعنی تکفین و تحنیط و تقبیر بود و امام زمان صلوات الله علیه بعد از وفات پدر بزرگوارشان او را به منصب و کالت و نیابت ابقاء نمودند و پاسخهای امام در دوران غیبت صغری بوسیله او به ایشان می رسید و متصدی تمام امور مالی شیعیان بود.

همچنین به یمن و برکت وجود مقدس حضرت صاحب العصر و الزمان امور غریبه و اخبار از او مشاهده شد حتی اموالی را که می خواستند از بابت خمس و زکاة و یا نذورات به او بدهند و صف آنرا از حیث حلال و حرام و حتی مقدار آنرا قبل از آنکه به او تحویل دهند خبر می داد و تمام این موارد از جانب حجة الله الاعظم

۱- منتهی الامال - حاج شیخ عباس قمی (ره) ج ۲ ص ۳۴۲ به نقل از بحارالانوار.



صاحب العصر و الزمان به او اعلام می شد و او به مردم خبر می داد. سایر وکلاء حضرت نیز از چنین وصفی بر خوردار و از چنین حالات معنوی بهر مند بودند.

شاید بتوان گفت یکی از علل کراماتی که توسط نائبان خاص آن حضرت صورت می گرفت بدین علت بود که اکنون که ما از رسیدن به حضور ولی الله الاعظم محرومیم و از طرف نائبان خاصه اش با آن عزیز سفر کرده در ارتباط هستیم متوجه شویم و به دیده دل و جان ببینیم که اولاً «این عزیزان چقدر جلالت داشته و به شأن و منزلت آنان پی ببریم.

ثانیاً: خدشهای برای ما پیش نیاید که وجود مقدس امام معصوم علیه السلام اگر چه در میان ما نیست ولی ناظر بر اعمال و رفتار ماست. تا جائیکه حتی وصف و مقدار و نام و سایر مشخصاتی را که یک شیعه علاقمند به اهل بیت علیهم السلام دارد و چه موقع وارد شهر شده و چه مقدار مال را به چه جهت از چه کسانی به ایشان خواهد داد بیان کنند. این حالات علاوه بر اینکه از عظمت روحی نواب اربعه رحمة الله علیهم اجمعین خبر می داد، باعث دلگرمی بیش از پیش مردم، بالاخص شیعیان می شد. چون طبیعی است که دستگاه خلافت همانگونه که امام عسکری علیه السلام را تحت فشار قرار داده بود، فرزند برومندش را نیز در تنگنا می گذاشت. و بدیهی است در زمانی که غیبت صغری آغاز شده، بازار شایعه و طعن و استهزاء توسط دستگاه خلافت و معاندین گرم



شده و موجبات آزار روحی شیعیان را فراهم کنند.  
 لکن عظمت امام عصر علیه السلام و انتخاب چنین فقیهان  
 وارسته‌ای بر مصدر امور، و نظارت آن حضرت بر امور شیعیان  
 باعث دلگرمی آنان و خنثی سازی توطئه‌های معاندین می‌شد.

### ب) دوّمین وکیل حضرت، محمّد بن عثمان

محمّد بن عثمان فرزند وکیل اول، یعنی عثمان بن سعید بود، در  
 مورد جلالت پدرش که کاملاً بحث شد. و حتی در زمان امام  
 عسکری علیه السلام علاوه بر توثیق و تمجید امام از پدر  
 بزرگوارش او نیز تأیید و تمجید شد و امام عسکری طبق روایتی که  
 بیان شد به شیعیان خبر دادند که محمد بن عثمان از وکلای فرزندانم  
 مهدی است.

کنیه او ابوجعفر بود و نزدیک پنجاه سال منصب نیابت خاصّه  
 حضرت را به عهده داشت. و در سال ۳۰۵ هجری قمری وفات یافته  
 و در بغداد مدفون است.

هنگامیکه وفات عثمان بن سعید فرا رسید محمد بن عثمان از  
 حضرت حجت توقیعی برای تسلیت دریافت داشت و به جای پدر  
 گرامیش نائب خاص وجود مقدّس امام زمان علیه السلام شد.

طبق روایت مرحوم صدوق (ره) و بعضی از محدثین دیگر،  
 عبارت توقیع حضرت چنین بود:

إِنَّا اللَّهُ وَاَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ تَسْلِيمًا لَامِرَةً وَرِضًا بِقَضَائِهِ وَبِفِعْلِهِ،



عاش ابوک سعیدا و مات حمیداً فَرِحِمَهُ اللهُ وَ الْحَقُّهُ بِأَوْلِيَاءِهِ وَ مَوَالِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَلَمْ يَزَلْ فِي أَمْرِهِمْ سَاعِيّاً فِي مَا يُقَرِّبُهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِلَيْهِمْ نَضَّرَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَ أَقَالَهُ عَشْرَتَهُ وَ أَجْزَلَ اللَّهُ لَكَ الثَّوَابَ وَ أَحْسَنَ لَكَ الْعِزَاءَ وَ رُزِيَّتَ وَ رُزِينَا وَ أَوْحَشَكَ فِرَاقَهُ وَ أَوْحَشَنَا فَسْرَهُ اللَّهُ فِي مَنْقَلِبِهِ وَ كَانَ مِنْ كِمَالِ سَعَادَتِهِ أَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ وَ لَدّاً مِثْلَكَ يَخْلُقُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ يَقُومُ مَقَامَهُ بِأَمْرِهِ وَ يَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ وَ أَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَإِنَّ الْإِنْفَسَ طَيِّبَةً بِمَكَانِكَ وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيكَ وَ عِنْدَكَ وَ أَعَانِكَ وَ قَوَّاکَ وَ عَضَّدَكَ وَ وَفَّقَكَ وَ كَانَ لَكَ وَلِيّاً وَ حَافِظاً وَ رَاعِيّاً<sup>(۱)</sup>.

### ترجمہ:

بدرستی کہ ما برای خدائیم و بازگشت ما بسوی خداست کہ تسلیم نمودیم امر او را و راضی شدیم بہ قضاء او پدرت بہ سعادت و نیک بختی زندگی کرد و وفات نمود در حالتیکہ مورد ستایش و پسندیدہ بود، خدا او را رحمت کند و او را بہ اولیاء و دوستدارانش ملحق کند، او کہ ہمیشہ در امر ائمہ دین علیہم السلام، تلاش می کرد و در اموری کہ موجب تقرّب او بہ خدا و ائمہ دین بود [تلاش می نمود] خداوند روی او را تروتازہ کند و لغزشهای او را ببخشد و پاداشت و ثواب تو را بیشتر کند و صبر نیکو در مصیبت او بہ تو عطا نماید، تو مصیبت زدہ شدہ ای و ما نیز مصیبت زدہ

۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۴۸



شده‌ایم جدایی از پدرت، تو و ما را به وحشت انداخت.  
 پس خداوند او را به رحمت خود در آرامگاهش خوشحال کند  
 از کمال سعادت پدرت آنکه فرزندی چون تو را به او روزی فرموده  
 که خلیفه و قائم مقام او باشی به امر او و ترحم نمایی و طلب  
 آمرزش کنی از برای او و من خدا را شکر می‌گویم همانا قلب‌های  
 شیعیان نیکو و مسرور شده به خاطر جایگاه و منزلت تو و آنچه  
 خداوند در تو و نزد تو قرار داده، و خداوند متعال تو را یاری  
 فرموده و به تو توان بدهد و یاور تو بوده و به تو توفیق عطا نماید و  
 تو را حافظ و نگهبان باشد.

- علی بن احمد دلال قمی (ره) گفت: خدمت ابی جعفر محمد  
 بن عثمان رسیدم دیدم جلوی صورتشان تخته‌ای گذارده‌اند و آیات  
 قرآن را بر آن نقش می‌کنند و در اطرافش اسامی ائمه اطهار را  
 می‌نویسند، گفتم ای سید من این تخته چیست؟ گفت این مربوط به  
 قبر من است که بر آن تکیه کنم من هر روز داخل قبر شده و یک جزء  
 از قرآن را تلاوت می‌کنم، پس دست مرا گرفته و قبرش را به من نشان  
 داد. و گفت: چون فلان موقع شود من از دنیا می‌روم و در این قبر دفن  
 می‌شوم و این تخته هم با من خواهد بود. من آن تاریخی را که گفته  
 بود یادداشت کردم و منتظر بودم در آنروز این مطلب واقع خواهد  
 شد یا نه؟ که بالاخره در همان روزی که گفته بود دارفانی را وداع





گفت (۱).

در کتاب غیبت شیخ طوسی (ره) وارد شده که در آخر جمادی الاول سنه ۳۰۵ رحلت نمود و در بغداد نزدیک قبر والدهاش دفن شد و قبر شریفش نزدیک قبر شیخ عبدالقادر است و بقعه و صحنی دارد و در آنجا به شیخ خلانی معروف است.

در بحارالانوار از شیخ صدوق (ره) از محمد بن عثمان روایت کرده که فرمود:

والله انّ صاحب هذا الامر ليحضر الموسم كل سنة يري الناس و يعرفهم و يروونه ولا يعرفونه قال محمد بن عثمان رضي الله عنه و رأيت صلوات الله عليه متعلقا باستار الكعبة في المستجار و هو يقول اللهم انتقم بي من اعدائك (۲).

علامه مجلسی رحمه الله علیه در بحار از کتاب غیبت شیخ طوسی (ره) از جمعی از اصحاب روایت کرده که چون عثمان بن سعید وفات کرد توقیعی از جانب امام عصر عجل الله تعالی فرجه برای فرزندش محمد بن عثمان صادر شد.

و الابن و قاه الله لم يزل ثقتنا في حيوة الاب رضي الله عنه وارضاه و نضّر وجهه يجرى عندنا مجراه و يسدّ مسدّه و عن امرنا

۱- بحارالانوار ج ۵۱ ص ۳۴۹ به همین سند - احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۲۸۲ با سند دیگر و تغییر در عبارت.

۲- احتجاج مرحوم طبرسی ج ۲ ص ۲۸۲ - بحارالانوار ج ۵۱ ص ۳۵۰



يَأْمُرُ الْاِبْنَ و به يعملُ تَوَلِيَهُ اللهُ (۱).

بعد از وفات عثمان بن سعید خداوند فرزند او را نگهداری نماید که همیشه مورد اطمینان کامل و مورد اعتماد ما بود، در زمان زندگی پدرش رضی الله عنه من هم از او راضی بودم، خدا و جهش را تازه بدارد که پسرش مثل پدر اوست و نزد ما فرزندش جانشین اوست، هر چه بگوید طبق دستور ماست و به دستور ما عمل می نماید و خداوند یاور و (همراه) و پشتیبانش باشد.

مرحوم شیخ عباس قمی در سفینه ج ۱ ص ۲۲۸ می فرمایند:  
... و کان محمد رحمه الله شیخامتواضعاً فی بیت صغیر لیس له

غلمان

... محمد بن عثمان رحمة الله علیه پیرمردی متواضع در خانه ای کوچک و بدون نوکر (خادم) زندگی می کرد.  
در روایت دیگر از کلینی رحمة الله تعالی علیه نقل شده که تویعی به خط شریف حضرت صاحب الامر علیه الصلوة والسلام صادر شد که مرقوم فرموده بودند:

محمد بن عثمان که خدا از او و پدرش خوشنود گردد، معتمد من است نوشته او نوشته من است و دلائل بسیار و معجزات امام علیه السلام از برای شیعیان بدست ایشان جاری شده بود و در زمان نیابت و سفارت مرجع همه شیعیان بود. از ام کلثوم دختر محمد بن

۱- بحارالانوار ج ۵۱ ص ۳۴۹ - منتهی الآمال ص ۳۴۵ - غیبت شیخ طوسی ص ۳۶۲



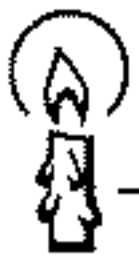
عثمان روایت شده که محمد بن عثمان چند جلد کتاب در فقه نوشته بود که تمام آنها را از امام حسن عسکری و صاحب الامر علیهما السلام و از پدر خود اخذ کرده بود که آن کتب را هنگام وفات خود به حسین بن روح تحویل داد.

### ج) حسین بن روح نوبختی رحمة الله تعالی

سومین نائب خاص امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی بود، در روایت است که جناب ابوالقاسم داناترین مردم بود و شیعه و اهل سنت از او به بزرگی یاد می‌کردند. او به خاطر جوّ بد زمان مجبور به تقیّه شدید بود حتی روزی به ایشان خبر دادند که غلام شما که در بانی می‌کند، معاویه را لعنت کرده او نیز غلام را از خدمت خود عزل نمود.

در ماه شعبان سنه ۳۲۶ دار فانی را وداع گفت، قبر شریفش در بغداد وسط بازار عطر فروشها در آخر کوچه است و در آنجا بقعه و صحن کوچکی دارد. حسین بن روح در زمان سفارت محمد بن عثمان از جانب او و به امر او متصدی بعضی از امور او بود و چند نفر از ثقات و مؤمنین و افراد مورد اطمینان برای محمد بن عثمان بودند و در کارها به او کمک می‌کردند از جمله حسین بن روح نیز که از نزدیکان محمد بن عثمان بود.

حسین بن روح به قدری اهل تقیّه و رعایت بود که مردم گمان نمی‌کردند بعد از وفات محمد بن عثمان، او جانشین وی گردد و



سایر اصحاب محمد بن عثمان را به او نزدیکتر می دانستند. حتی بعضی گمان می کردند که امر وکالت و سفارت بعد از محمد بن عثمان به جعفر بن احمد رحمة الله تعالی علیه که از اصحاب خوب محمد بن عثمان بود منتقل خواهد شد چون جعفر بن احمد به محمد بن عثمان بسیار نزدیک بود حتی در وقت احتضار محمد بن عثمان تمام طعام او از منزل جعفر بن احمد بود<sup>(۱)</sup> که این مطلب نیز حاکی از جلالت جعفر بن احمد و اعتماد محمد بن عثمان به او بود.

مرحوم مجلسی در بحار از کتاب غیبت شیخ طوسی روایت کرده که هنگام احتضار محمد بن عثمان بن سعید، یکی از یارانش یعنی جعفر بن احمد در بالای سر او نشسته بود و حسین بن روح در پائین پای ایشان نشسته بود.

محمد بن عثمان رو به جعفر بن احمد کرد و فرمود که من مأمور شده‌ام ابوالقاسم حسین بن روح را وصی و جانشین خود نموده و تمامی امور را به او واگذارم.

جعفر بن احمد وقتی این بیان را شنید، از جای خود برخاست و دست حسین بن روح را گرفته و بالای سر عثمان بن سعید نشانید و خودش پائین پای او نشست.

این مطلب نشان می دهد که این عالم جلیل القدر و صحابی

۱- منتهی الامال ج ۲ ص ۳۴۵



بزرگوار یعنی جعفر بن احمد چقدر وارسته و متقی و مطیع فرمان امام و نماینده او بود، در حالیکه ذره‌ای اختلاف و کدورت باعث سوء استفاده‌های معاندین قرار گرفته و چه بسا خط و مسیر ارتباطی مردم با امامت را به خطر می‌انداخت. این عمل حاکی از زمانشناسی و تقوای وی دارد.

و ما را به یاد فرمایش امام صادق علیه السلام می‌انداز که فرمودند:

العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس<sup>(۱)</sup>

کسی که زمان خود را بشناسد، اشتباهات به سویش حمله ور نخواهد شد.

مرحوم شیخ عباس قمی (ره) در منتهی الامال می‌فرماید:  
در روایت معتبره چنین ذکر شده که محمد بن عثمان بن سعید، بزرگان شیعه و مشایخ را جمع نمود و فرمود هرگاه که مرگم حادث شد امر وکالت با ابی القاسم حسین بن روح خواهد بود. من مأمورم که او را به جای خود معرفی کنم به او اعتماد کنید و در کارها به او مراجعه نمائید<sup>(۲)</sup>.

و در بعضی از نسخ توقیع مبارکی از جانب حجّة الله البالغة علیه السلام برای حسین بن روح صادر شده چنانکه طبق نقل بحارالانوار از جمعی ثقات چنین نقل شده<sup>(۳)</sup>

۱- کافی ج ۱ ص ۲۷ - وسائل ج ۱۸ - ابواب صفات قاضی ص ۱۱۳

۲- منتهی الامال ج ۲ ص ۲۴۴ - بحارالانوار ج ۵۱ ص ۳۵۶



نَعْرِفُهُ عَرَفَهُ اللَّهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَ رِضْوَانَهُ وَاسِعَدَهُ بِالتَّوْفِيقِ وَقَفْنَا عَلَى كِتَابِهِ وَ وَثِقْنَا عَلَى كِتَابِهِ بِمَا هُوَ عَلَيْهِ وَ أَنَّهُ عِنْدَنَا بِالْمَنْزِلَةِ وَ الْمَحَلِّ الَّذِينَ يَسُرَّانِهِ زَادَ اللَّهُ فِي إِحْسَانِهِ إِلَيْهِ أَنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

ما حسین بن روح را می شناسیم که خداوند او را بشناساسند و او را به طریقه خیر و رضای خود عالم گرداند. و او را با توفیق خود یاری فرماید. ما بر نوشته او مطلع شدیم و بر امانت و دینداری او مطلع گردیدیم. به او اعتماد و اطمینان داریم او نزد ما آنچنان مقام و منزلتی دارد که او را آن مقام و منزلت شادمان خواهد کرد. خداوند متعال بخشش خود را نسبت به او فراوان نماید او صاحب تمام نعمت هاست و بر همه چیز قادر است، و شکر خداوندی را سزاوار است که شریکی ندارد و صلوات و سلام خداوند به رسول او محمد و فرزندان او باد (صلی الله علیه و آله وسلم).

چنانکه ذکر شد ایشان بسیار تقیه می کرد و این به خاطر جو حاکم بر آن زمان بود در احوالاتش چنین بیان کرده اند که چنان تقیه می نمود و با مخالفین حُسن سلوک داشت، که هر یک از مذاهب اربعه او را از فرقه خود می دانست و به انتساب ایشان به طایفه خود افتخار می کردند<sup>(۱)</sup>.

این صفت کریمه انسان را به یاد شعری از عرفی شیرازی

۱- منتهی لامال ج ۲ ص ۳۴۵



می اندازد که می فرماید:

چنان با نیک و بد سر کن، که بعد از مردنت عُرفی  
مسلمانان به زمزم شوید و هندو بسوزانند

(د) علی بن محمد سَمَری (چهارمین نایب خاص صاحب الزمان  
علیه الاف التحیه و الثناء)

ابوالحسن علی بن محمد سمری بعد از حسین بن روح نوبختی  
به امر مبارک حضرت حجة وکیل امام شد ایشان در سنه ۳۲۹ در  
نیمه شعبان که مطابق با سال تناثر نجوم بود وفات یافت. در این  
سال بسیاری از علماء و مجتهدین و محدثین شیعه رحلت نمودند  
از جمله مرحوم کلینی صاحب کتاب کافی و علی بن بابویه قمی  
(پدر شیخ صدوق ره).

مدفن مبارکشان در وسط بازار حراجان نزدیک محراب در  
مسجد بزرگی که آنجاست آرمیده‌اند. شیخ طوسی (ره) از حسن بن  
احمد نقل کرده‌اند، که گفت: من در سنه فوت ابوالحسن علی بن  
محمد السمری در بغداد بودم، مقداری به فوتش مانده توییعی از  
ناحیه حجة بن الحسن عجل الله تعالی فرجه صادر شد که فرموده  
بودند:

### توقیع حضرت

بسم الله الرحمن الرحيم: یا علی بن محمد السمری اعظم الله  
اجراخوانک فیک فانک میت ما بینک و بین ستة ایام فاجمع امرک و



لا توضح الى احد فيقوم مقامك بعد وفاتك فقد وقعت الغيبة التامة فلا ظهور الا بعد اذن الله تعالى ذكره و ذلك بعد طول الامد و قسوة القلوب و امتلاء الارض جوراً و سيأتى من يدع المشاهدة الا فمن ادعى المشاهدة قبل خروج السفينى و الصيحة فهو كذاب مفتر و لاحول و لا قوة الا بالله العلى العظيم .

ای علی بن محمد سمری خداوند برادران دینی تو را در مصیبت تو اجر عظیم کرامت فرماید در اثناء این شش روز وفات می کنی (تا شش روز دیگر وفات می کنی) خود را آماده کن و به هیچکس برای نیابت و صیت نکن تا به جای تو بنشیند بدرتیکه غیبت کبری واقع شد و مرا ظهوری نخواهد بود مگر به اذن خدای تعالی و آن بعد از مدتی طولانی که دلها را قساوت فراگیرد و زمین پر از جور و ستم شود . به زودی افرادی می آیند که ادعای مشاهده مرا دارند. آگاه باشید هر کس ادعای مشاهده کند قبل از خروج سفینای و صیحة آسمانی او بسیار دروغگو و افترا زننده است و لاحول و لا قوة الا بالله العلى العظيم .

بعد از شش روز به عیادتش رفتیم و دیدیم که در بستر مرگ است، گفتیم وصی بعد از شما کیست؟ فرمودند: لله امر هو بالغه خدا را امری است که باید آنرا به اتمام برساند و از دنیا رحلت نمودند<sup>(۱)</sup>.

### آخرین کلام

آخرین کلام اینکه غیبت صغری که نوآب خاصه حضرت عهده

۱- منتخب التواریخ ص ۵۵۳ - منتهی الامال ج ۲ ص ۳۴۵.





دار ارتباط مردم و امام بودند در حدود هفتاد و چهار سال بطول انجامید. ایام سفارت عثمان بن سعید عمروی و محمد بن عثمان در حدود چهل و هشت سال بود.

و ایام سفارت شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و شیخ علی بن محمد سمیری در حدود بیست و شش سال بود. که جمعاً هفتاد و چهار سال بطول انجامید.

طبق نص صریح حضرت به علی بن محمد سمیری غیبت صغری پایان پذیرفت و ایام غیبت کبری شروع شد. و بنا به فرمایش حضرت، هر کس ادعای نیابت خاصه نماید کذاب و مفتری خواهد بود در دوران غیبت کبری مرجع دین و احکام شریعت به عهده علماء و فقهاء است که نایبان عام آن حضرت خواهند بود.

چنانکه در توقیع صادره از ناحیه مقدسه در پاسخ به مسائل عالم بزرگوار اسحق بن یعقوب که بوسیله محمد بن عثمان به خدمت حضرت رسید، در پاسخ فرمود:

وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ<sup>(۱)</sup>.

اما در حوادثی که روی خواهد داد به راویان احادیث ما مراجعه کنید که آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنان هستم.

و در روایت دیگر از باقر آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین چنین نقل شده:

۱- وسائل الشیعه ج ۱۸ - صفات قاضی - بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۸۱



انظروا الی من کان منکم قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فارضوا به حکماً فانی قد جعلته علیکم حاکماً فاذا حکم بحکمنا فلم یقبل منه فانما بحکم الله استخف و علینا رد و الراء علینا راء علی الله و هو فی حد الشکر بالله (۱).

نگاه کنید به کسی که از بین شما حدیث ما را روایت می کند و به حلال و حرام ما نظر دارد و احکام ما را می شناسد. بر حکومت او بر خود رضایت دهید که همانا من او را حاکم بر شما قرار داده ام پس هنگامیکه به حکم ما حکم کرد ولی شما حکم او را قبول نکردید، همانا حکم خدا را کوچک شمرده و بر ما دست زد زده اید و رد کننده ما رد کننده خداست و در حد شرک به خدای متعال است. در روایت دیگر از علی علیه السلام توسط امام حسین علیه السلام نقل شده که فرمودند:

مجاری الامور و الاحکام بیدالعلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه (۲).

محل جریان امور در دست علماء ربانی است که نسبت به حلال و حرام خدا امین باشند.

و روایات فراوان دیگری که در ابواب خاص فقهی و روایی مورد بررسی و استفاده فراوان است از جمله مقبوله عمر بن حنظله یا روایات دیگری که در مجلد هجدهم کتاب وسائل الشیعه - اثر

۱- وسائل الشیعه ب ۱۱ / صفات قاضی حدیث ۱ جلد ۱۸

۲- تحف العقول ص ۲۳۸ - بحار ج ۱۰۰ ص ۸۰ حدیث ۲۷



مرحوم شیخ حرّ عاملی و کتاب شریف جواهر الکلام مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

اما آنچه که از فرمایش معصومین علیهم السلام مستفاد است آنکه علماء اهل استنباط که حافظان علوم و اخبار اهل البیت علیهم السلام هستند بطور عام از جانب حضرات معصومین نیابت داشته و مکلفین باید به احکام صادره از جانب ایشان عمل کنند و در اخذ مسائل حلال و حرام و قطع منازعات آنچه را که می فرمایند بر مکلفین حجّت شرعی است و عموم مکلفین از باب الجاء و اضطرار به مراجعه به ایشان مکلف هستند.

جهت تفصیل و تحقیق بیشتر پیرامون این مبحث به کتب فوق الذکر و سایر کتب مفصل در علم فقه در باب قضا و ولایت فقیه مراجعه فرمائید.

۱ / جمادی الاول / ۱۴۲۴

۱۰ / ۴ / ۱۳۸۲ سه شنبه

درد شیدایی

مراکشته درد شیدایی

امان از این عشق و رسوایی

بیا ای درمان هر دردم

الهی دور سرت بگردم

# فصل پنجم

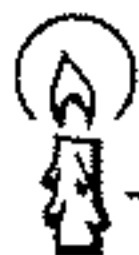


## ● وقایع دوران غیبت

- وضعیت امر به معروف
- فسادهای تربیتی
- ظهور فواحش و منکرات
- تجرّی در معاصی
- حالت ثروتمندان و فقرا
- احوال مؤمنان
- النَّوَادِرُ مِنَ الْأَخْبَارِ
- بَعْضُ الْعَلَائِمِ
- أَخْبَارُ الْمَلَأِجِمِ
- صفات مردم آخر الزمان
- اوصافی از آخر الزمان<sup>(۱)</sup>

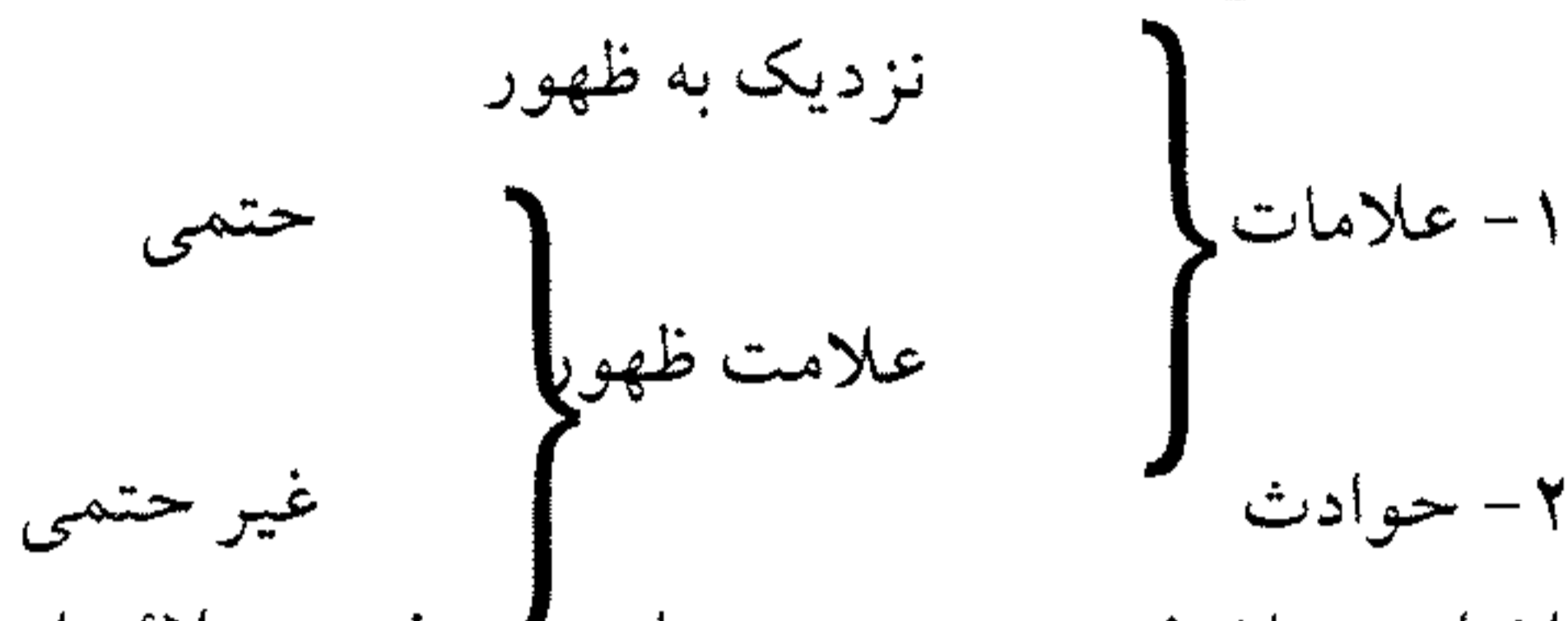
---

۱- این فصل در تاریخ ۸۲/۲/۲۵ در روزنامه جمهوری اسلامی توسط مؤلف بچاپ رسیده



## وقایع دوران غیبت

کلیه وقایع و حوادث، از ابتدای غیبت تا زمان ظهور پیش گویی شده که بر دو نوع است



علامت زمان غیبت، بر دو نوع است بعضی علائم است که مربوط به زمانهای نزدیک به ظهور است و چند سالی با ظهور فاصله است.

نوع دوم علامت ظهور است یعنی علائمی که مربوط به سال ظهور خواهد بود که بعضی حتماً واقع خواهند شد و بعضی احتمال وقوع دارند.

اما مراد از حوادث، عبارت از حوادثی است که در دوران غیبت اتفاق خواهد افتاد و دلیل بر زمان خاصی نیست، ممکن است حادثه‌ای مربوط به صد یا دویست سال یا پانصد سال قبل از غیبت باشد، و مقصود آنست که این امور بعد از غیبت اتفاق خواهند افتاد. علائم حتمیه که قبل از ظهور و یا در اوان ظهور واقع می‌شوند و تا این علائم واقع نشوند محال است که آن حضرت ظاهر گردند، بعضی علائم حتمیه را ده مورد دانسته‌اند که عبارتند از: خروج



دجال - خروج سفیانی - خروج یمانی<sup>(۱)</sup> - خروج سید حسنی -  
 قتل نفس زکیّه<sup>(۲)</sup> - صیحه آسمانی - فرورفتن لشکر سفیانی در  
 سرزمین بیداء - ظاهر شدن کف دست و یا صورت وسینه در  
 خورشید - خسوف و کسوف بی موقع<sup>(۳)</sup>.

### وضعیت امر به معروف

یکی از خصوصیات زمان غیبت ضایع کردن امر به معروف  
 است، در روایت وارد شده که مردم منکرات را ظاهر سازند، مردم  
 امر به منکر کنند، معروف‌ها منکر شود و منکرها معروف [تغییر  
 نظام ارزشی جامعه].

در تمام بلاد چیزی منکرتر از معروف، و آشنا تر از منکرات  
 نباشد. امر کننده به معروف ذیل باشد<sup>(۴)</sup>

### فسادهای تربیتی

تمام همّت مردم در شکم و شهوت ایشان است، پروا نمی‌کنند  
 که از کجا بخورند و با چه چیزی دفع شهوت کنند، در عین حال دنیا  
 نیز برای آنان اقبال نشان می‌دهد. خدای آنان، شکم آنهاست.

۱- مردی از یمن خروج نموده و مردم را به طرف حضرت مهدی علیه السلام دعوت می‌کند.

۲- فرزندی از آل محمد بنام محمد بن حسن که او را بین رکن و مقام می‌کشند.

۳- کلم الطیب - مرحوم آیت الله سید عبدالحسین طیب ص ۵۷۳

۴- مهدی منتظر - آیت الله حاج شیخ محمد جواد خراسانی



زنانشان قبله آنها و دینشان درهم و دینار است.  
مردان خود را به لباسهای زنانه آرایش کنند.  
مثال این قبیل مردم، چون گل خرزهره است که زیبا و خوشرنگ  
است ولی طعم تلخی دارد، سخن حکیمانه می گویند، کلام آنان پند  
و حکمت است ولی اعمالشان دردی است که دوا ندارد، گرگهایی  
هستند که لباس میش به تن دارند<sup>(۱)</sup>

### ظهور فواحش و منکرات<sup>(۲)</sup>

- شراب را حلال می شمردند، به نوشیدن مسکرات فخر  
می کنند و شراب را آشکارا می نوشند.  
- زنا: زنا شایع شود، مردم زنا را حلال می شمردند و آنرا دوست  
دارند، اولاد زنا بسیار شوند و زنان مدح خود را در زنا ببینند، زنان  
به مردان خود رشوه دهند تا آنان را به مجامعت با مردم رخصت  
دهد.

- لواط و مساحقه: زنان به زنان اکتفا کنند و مردان به مردان،  
مرد از پس خود و زن از جلوی خود معیشت کند. مردان را سرزنش  
کنند که چرا با زنان جمع می شوند و با مردان دفع شهوت نمی کنند.  
**غنا و موسیقی و رقص:**

غنا و آوازه را دوست دارند، رقص و طرب و غنا را حلال

۱- مهدی منتظر - آیت الله حاج شیخ محمد جواد خراسانی

۲- مهدی منتظر - اثر آیت الله حاج شیخ محمد جواد خراسانی (ره) ص ۱۴۶ (بطور خلاصه)





شمرند، زنان آوازه خوان و رقاصه آشکار شوند. آلات غنا و موسیقی در حرمین (مکه و مدینه) ظاهر شود.

### تجری در معاصی

- محارم خدا هتک شود، اعمال مجرمانه آشکارا و گناهان بزرگ برای اهل گناه آسان شود از هیچ چیز [حرامی] نمی گذرند و پروا نمی کنند.

دروغ را حلال شمارند، فاسق دروغ می گویند و دروغ او را ردّ نمی کنند.

### حالت ثروتمندان و فقرا

در اخباری که مربوط به خصوصیات غیبت است مواردی ذکر شده که مطالعه آن موارد باعث روشن بینی ما و درک وظیفه خطیری که به عهده داریم می باشد.

در خصوصیات غیبت بیان شده که مردم؛ مال و صاحب مال را بسیار بزرگ می دانند صاحبان مال و ثروت را بزرگ می شمارند.

مردم از افراد غنی متابعت می کنند، و در مجالسشان نیز از آنان پیروی می کنند.

ثروتمندان توشه فقیران را می دزدند

غنی به آنچه در دست اوست بخل می ورزد. و فقیر آخرت خود



را به دنیا می فروشد.

فقیران در بین مردم ذلیل و حقیر هستند.

هر کس که غنی است نزد مردم بسیار بلند مرتبه است و کسی که نا داراست، پست و کوچک (بی مقدار) محسوب می شود.

فقیران حقیر شمرده شده و مورد تحقیر قرار می گیرند.

ای وای بر فقیر، از آنچه بر او وارد شود، از ضرر و زیان و خواری، فقیران به آنچه که برای آنان حلال نیست دست آویز شوند. و چون اینگونه کنند به آنان فتنه هایی که نتوانند بر خود هموار کنند، روخواهد آورد<sup>(۱)</sup>.

- آشنایان در هنگام حاجت با یکدیگر خود را به ناشناسی می زنند.

- اگر با مردم همراهی کنی نسبت به تو شک می کنند، و اگر سخن بگوئی، تو را تکذیب می کنند اگر از آنان دورشوی غیبت تو را می کنند، کمک خواستن از آنان فضیحت و رسوایی است و عذرخواهی از آنان ذلت و خواری و درخواست کردن از آنان فقر حاضر است. آثار و نتایج این اعمال مشکلات فراوانی خواهد بود که بر اثر فساد و پلیدی های فردی و اجتماعی ایجاد می شود.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در بخشی از حدیث

حجة الوداع فرمودند:

۱- مهدی منتظر - اثر مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد جواد خراسانی ص ۱۴۳.



- ... در آن موقع لعنت بر شما نازل شده و صولت و جنگ شما در بین خودتان دائر شود و دین بجز حرفی بر سرزبانهای شما نباشد، وقتی این خصلتها در شما ظاهر شد منتظر باد سرخ یا مسخ و یا سنگ باران باشید<sup>(۱)</sup>

- رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:  
هرگاه خداوند بر امتی غضب کند و عذاب بر ایشان نازل نگردد، به جای آن نرخهای ایشان گران شود و عمرهایشان کوتاه گردد و تجارتشان سود ندهد، میوه‌های آنان نیکو نباشد و نهرهایشان کم آب باشد و باران از ایشان دریغ گردد و اشرار ایشان بر آنان مسلط شوند<sup>(۲)</sup>

- دروغگو را تصدیق، و خائن را امین خود می‌کنند.  
- از نظر فسادهای اجتماعی، جور و فساد بسیار شود.  
هرکس ظالم است عزیز، هر که ضعیف است نابود، و هر کس قوی است مالک همه چیز باشد.  
- مردم همچون گرگها اهل خونریزی هستند.  
- هرکس گرگ باشد قوی تر خواهد بود و گرنه گرگان او را می‌خورند.

- افعال مردم منکر و دلهایشان مختلف است.  
- مردم طرفدار کسی هستند که غلبه (قدرت) با اوست.

۱- مکارم الاخلاق ص ۴۴۹ - الزام الناصب ج ۲ ص ۱۵۰ - مهدی منتظر ص ۱۶۱

۲- بحار الانوار ج ۲۳ ص ۱۲۷ - تحف العقول ص ۵۵ - امالی صدوق ص ۶۷۸



- مردم درس باطل را به هم آموزش دهند.
- به افراد محتاج به خاطر خندیدن چیزی بدهند و به خاطر خدا بر آنها رحم نمی‌کنند.
- زنان فاسد زیاد شود
- کودکان بی حیا شوند، پیران بدکار، و زنان سبک و شوخ و شنگ.
- مردان خود را با لباس‌های زنان آرایش کنند چونان زنی که برای شوهر خود زینت می‌کند.
- طلاق بسیار شود [این مطلب مترتب بر فسادهای قبلی است، خاصه اینکه بسیاری از موارد قبلی با هم مرتبت هستند و بر هم تأثیر می‌گذارند].
- کلامشان فحش و عملشان وحشت انگیز و موجب تنفر است.
- پدر و مادر نزد فرزند از هر کس بدتر باشد و خوشحال می‌شود که کسی بر آنان افتراء می‌بندد.
- به پدر و مادر جفا کنند و به رفیقان نیکی.
- لذا پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به ابی ذر فرمودند: [در آخرالزمان] نگهداشتن دین همانند نگهداشتن آتش در کف دست است (۱)
- صادق آل محمد صلی الله علیه و آله فرمودند:

۱- مهدی منتظر تألیف آیت الله محمد جواد خراسانی (ره) ص ۱۷۵ - الزام الناصب ج ۲ ص ۱۵۰



نگهدارنده دین خود همانند کسی است که درخت پر خار را به دست خود بتراشد و خارهای آنرا با دست زائل کند<sup>(۱)</sup>

- در روایت دیگری از وجود مقدس حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم می خوانیم؛ زمانی بر مردم بیاید که دین برای دینداران سالم نماند مگر کسی که فرار کند و به دین خود از قریه‌ای به قریه‌ای و از کوهی به کوهی و از سوراخی به سوراخی فرار کند همانند روباهی که می ترسد.

یعنی وضعیت دینی مردم در اقصی نقاط عالم به قدری ضعیف است که باید همانند روباه فراری از بین جمع فرار کرده و به کوه و قریه‌ها پناه برد، همانند اصحاب کهف که از شدت بدیهایی که می دیدند و از خوف بت پرستان محارب با خدا به کوه پناهنده شده و در غار گرد هم می آمدند].

- از جمله مواردی که به صورت فهرست گونه مورد اشاره قرار می گیرد آنکه:

فقر و فلاکت بسیار شود، باران در غیر موقع خاص خود بیارد، باران فراوان ولی گیاه بسیار اندک است. بارانهای تند و سیل آسا بیارد، مرگ ناگهانی بسیار شود<sup>(۲)</sup> کفار بر پنج نهر مسلط شوند: سیحون، جیحون، فرات، نیل، دجله<sup>(۳)</sup> کافر خوشحال است از اینکه مؤمن در بلا و بیچارگی است و از اینکه فساد را در روی زمین

۱- کمال الدین ج ۲ ص ۳۴۶

۲- الزام الناصب ج ۲ ص ۱۲۵

۳- رک سابق.



مشاهده می‌کند.

امتهای مخالف، یکدیگر را دعوت کنند و با هم متحد شوند و بر مسلمین حمله کنند همانند هجوم آوردن جمعی از حیوانات بر یک کاسه (۱)

### احوال مؤمنان

- مؤمن غمگین و حقیر و ذلیل باشد.
- مؤمن تحقیر شود و فاسق توقیر. (مورد احترام قرار گیرد).
- صاحب مال، از مؤمن عزیزتر است.
- مردم اگر فرد نیکوکاری را ببینند، او را ردّ می‌کنند و اگر شخص سخن چینی را ببینند از او استقبال نمایند.
- مؤمن ساکت و خاموش باشد و کلامش مورد قبول قرار نمی‌گیرد (۲)
- عالم نزد مردم پست و بدکار بسیار مورد احترام باشد.
- صاحبان آیات و احادیث را تحقیر کنند و کسی که ایشان را دوست دارد حقیر می‌شمارند.
- علماء را بکشند، همانگونه که دزدان را می‌کشند.
- از علماء فرار کنند، همانگونه که گوسفندان از گرگ فرار می‌کند، پس هرگاه چنین کنند، خداوند آنان را به سه مورد مبتلا کند.

۱- مهدی منتظر - آیت الله محمد جواد خراسانی (ره) ص ۱۶۷ (باختصار)

۲- رک سابق.



الف) برکت را از اموال ایشان بردارد.  
 ب) سلطان جائز برایشان مسلط کند.  
 ج) از دنیا بی ایمان خواهند رفت (۱).

با دقت در مضامین فوق می توان تا حدودی فهمید که با اعمال و رفتاری که از خود در برابر پدر و مادر و اجتماع و کودکان و علماء و قرآن و... نشان می دهیم چقدر دل یوسف زهراء سلام الله علیها را خون می کنیم، امید آنکه همه ما مهدوی باشیم و مهدوی فکر کنیم.  
 اللهم بحق فاطمة و ابیها و بعلها و بنیها و سرّ المستودع فیها  
 اجعلنا من اعوانه و انصاره، قبل ظهوره و بعد ظهوره

### النوادر من الاخبار

نَتَّخِذُ تَرْجِيحاً لِسَانَ الْعَرَبِيِّ الْمُبِينِ فِي هَذَا الْفَصْلِ، إِمَّا لِسَهُولَةِ الْمَعْنَى أَوْ التَّكْرَارِ بَعْضَ فِقْرَاتِ الرِّوَايَاتِ فِي فِصُولِ السَّابِقَةِ  
 بیان الاثمه ج ۱ ص ۳۲۴ - روى بعض اهل العلم هذا الحديث و كان وارد من ايران قبل خمس سنوات او اكثر بعد ان سئل السيد الخوئی مدّ ظلّه عن اسمه و اسم ابیه فقال: أتى وجدت هذا الحديث فی كتب الغیبة.

روى احد الاثمة عليهم السلام، قال: إِنَّ مِنْ عِلَائِمِ الظُّهُورِ أَنْ أُخْرَجَ مَجْتَهِدٌ مَقْلَدٌ يَكُونُ فِي النِّجْفِ وَ بَعْدَهُ لَا يَكُونُ مَجْتَهِدٌ مَقْلَدٌ غَيْرَهُ هُوَ

۱- مهدی منتظر ص ۱۳۳



السيد ابوالقاسم بن سيد على اكبر الخوئي ..... بيان الاثمه ج ١ ص ٣٢٦ - قد ورد في الحديث عن ابي الحسن الرضا عليه السلام قال: حدّثنا ابي عن جدّي عن ابيه عليهم السلام انّ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: من رأى فقد رأى، لأنّ الشيطان لا يتمثل في صورتى ولا في صورة احد من اوصيائى ولا في صورة احد من شيعتهم و انّ الرؤيا الصادقة جزءٌ من سبعين جزءً من النبوة و في الحديث عنه عليه السلام: رأى المؤمن و رؤياه في آخر الزمان على ستين جزءً من اجزاء النبوة.

و المراد من آخر الزمان كما في المجمع زمان ظهور الصاحب عليه السلام و لما رأى الامام الصادق عليه السلام سئل عن علامة قريبة لظهور الامام الحجّة عليه السلام.

فقال له: الحاج السيّد ابوالقاسم الخوئي و كان هذا الرجل، لا يعرف السيّد الخوئي لانه لم يكن معروفاً في ذلك الوقت، فتعطل مدّة في النجف، يسئل عن السيد الخوئي حتى تعرف عليه و لا قاه في الحرم الشريف للامام امير المؤمنين عليه السلام. فقال له: انت السيّد ابوالقاسم الخوئي؟

فقال له: تفضّل ما تريد؟

قال: انى اكرر السؤال، لان السؤال له موضوعية. هل انت ذلك الرجل السيّد ابوالقاسم الخوئي؟

قال نعم. انا السيد ابوالقاسم الخوئي، فقصّ عليه الرؤيا.

وقاله له: انى رأيت ابوالقاسم الخوئي فدعى للامام بتعجيل الفرج





فجعل الامام وجود السيّد و رئاسته للحوزة العلمية في النجف من  
علائم الظهور الحجة عليه السلام .

- في الاخبار عن الافلق و انه السفينى الاول الذى يأتى من  
الشام.

نقلاً عن كتاب، كفاية المطلب. في العلائم الواردة في الشام و بيت  
المقدس:

قال: سئل النبى صلى الله عليه و آله و سلم في حجة الوداع متى  
الفرج لمهديكم الحجّة؟ فقال صلى الله عليه و آله: اذا قام الافلق قال  
و من الافلق؟ قال هو الابقع.

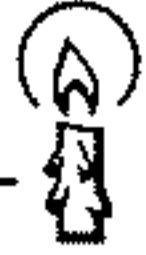
قيل و من الابقع؟ قال: الابرص.

قيل و من الابرص؟ قال: الاصهب.

قيل من الاصهب؟ قال: الابلق - قيل من الابلق؟ قال: صلى الله  
عليه و آله اتقى السفينى قبل از السفينى. سفينيان بايهما تنظر؟ قال  
صلى الله عليه و آله السفينى الذى يأتى من الشام ... ثم قال عليه  
السلام: اتق السفينى اى تحذر منه او استعمل التقيّة معه و مع  
اصحابه و اتباعه. - بيان الاثمه ج ۱ ص ۴۵۱.

در کتاب بیان الاثمه ذیل این روایت می فرمایند: سفینانی دو نفر  
است یکی از آنها از شام می آید و تنهاست و از شام به عراق می رود  
و در عراق حکومتی را تملک خواهد نمود. در اسمش حرف شین  
وجود دارد.

دومین نفر عثمان بن عنبسة العشوقى است که خروجش از علائم



حتمی ظهور است. که هرگز به تنهایی نمی آید بلکه به همراه سپاهی بزرگ به سوی عراق رفته و در آنجا ظلم و جور می کند و سپاهی که صد و سی هزار نفر جمعیت دارد.

به نقل از بیان الاثمه ج ۱ ص ۵۱۲ از الزام الناصب.

الاخبار عن ظهور المفقود من بين التل و خروج الاصفه و فتنة شهر زور و ظهور الشيخ الكردي و هجوم الغربيين على دول الخليج و الحجاز و البصرة و الشام و دخولهم الى ارض أرجون ای فرنسا.

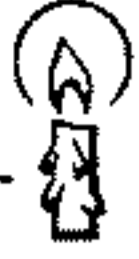
### بعضُ العلام

- كفاية الموحدين: للسيد اسماعيل النوري قدس سرّه، قال: اما علام الامام المهدي عليه السلام فهي عامّة و خاصّة. اما العلام الخاصه فهي مختصة به و منها يعلم الامام الحجة عليه السلام انه قدحان وقت ظهوره فيظهر.

الاولى - خروج سيفه من غمده و التكلم معه بلسان فصيح اخرج يا وليّ الله و قاتل اعداء الله بامرالله فلا يجوز لك التأخير و الجلوس.

الثانيه - علم الامام المطروح فانّ الله تعالى اذا علم المصلحة في ظهور الامام عليه السلام انتصب علمه المطروح بنفسه قائما و قال يا وليّ الله اظهر اما العلام العامة كثيرة... الاولى - خروج السفيناني الثانيه: خروج شعيب بن صالح من بلدة سمرقند.

الثالثه: خروج السيد الحسنی و اسمه حسن و بقتل هذا في مكة



عند الحجر الاسود و بعد قتله بخمسة ايام يظهر الامام عليه السلام  
.... خروج الشمس من المغرب و ربّما يراد بالشمس نفس الامام  
الحجّة عليه السلام .... خروج يمانى ..... ذبح السيد الهاشمى و  
..... (١)

### اخبار الملاحم

- عن ابى جعفر الباقر عليه السلام: قال يخرج شابّ من بنى  
هاشم بكفه اليمنى خال، و يأتى من خراسان برايات سود، بين يديه  
شعيب بن صالح، يقاتل اصحاب السفىانى فيهمهم. [منقولاً عن  
روضة الواعظين].

بيان: وصف هذا الخبر السيد الحسنى الخراسانى بانه شابّ من  
بنى هاشم بكفه اليمنى خال، و هو لذى يرفع الرايات السود، وقائده  
شعيب بن صالح التميمى، و هو يقاتل اصحاب السفىانى اما الثانى او  
الثالث و يهزمهم و فتح العراق (٢).

### فى الاخبار عن صفة اهل آخر الزمان.

مكيال المكارم فى صفة اهل آخر الزمان - قال النبى صلى الله  
عليه و آله وسلّم:

فيهم اخوان العلانية، اعداء السريرة، السنتهم احلى من العسل و

١- بيان الاثمة ج ١ ص ١٠٨ - اثر حاج شيخ محمد مهدي حفيد آية الله شيخ زين العابدين النجفى

٢- بيان الاثمة ص ٥٥٣ ج ٢



قلوبہم قلوب الذئاب، يلبسون جلد الضأن من اللين.  
و في احوالات آخر الزمان: أن العافية في آخر الزمان عشرة اجزاء:  
واحدة في الصمت و تسعة في اعتزال الناس.  
و في الحديث ... يأتي زمان من كان فيه ذئباً و الا اكلته الذئاب، و  
مزقته بانيابها المجازية بل الحقيقية<sup>(١)</sup>.

- في حديث امير المؤمنين عليه السلام ... منقولاً عن الزام

الناصب

... اذا وقع الموت في الفقهاء، و ضيعت امة محمد المصطفى  
الصلاة، و اتبعوا الشهوات، و قلت الامانات ... وجوههم وجوه  
الآدميين و قلوبهم قلوب الشياطين، فهم امر من الصبر، و انتن من  
الجيفة، و انجس من الكلب و اروغ من الثعلب، و اطمع من الاشهب،  
و الزق من الجرب، ان حدثهم كذبوك و ان امنتهم خانوك و ان وليت  
عنهم اغتابوك، و ان كان لك مال حسدوك، و ان بخلت عنهم  
بغضوك، و ان وضعتهم شتموك، سماعون للكذب، اكالون للسحت  
[اي كل ما لا يحل كسبه] يستحلون الزنا و الخمر و المقالات و الطرب  
و الغناء، كما يرون الخمر حلالاً مع انه محرم شرعاً بنص القرآن  
الكريم ... الغنى عندهم عزيز [غنى يعنى پولدارى و ثروت]

و الفقير بينهم ذليل حقير، و المؤمن ضعيف صغير ... و ترفع  
اصوات الفجار و يحبون الفساد و الغنا و الزنا، و تتزوج الامرئة

١- بيان الائمة ج ٢ ص ١٣٣



بالامرئة و تزفّ كما تزفّ العروس الى زوجها ... و تظهر دولة الصبيان في كلّ مكان، و يستحلّ الفتيان المغاني و شرب الخمر [مُغاني: جمعُ مُغني: هي المنازل المعدّة لمعصية الله] و تحجّ الناس على ثلاثة وجوه، الاغنياء للنزهة و الا و ساط للتجاره، و الفقراء للمسألة ... و تظهر دولة الاشرار في العالم ... و يضربون في المساجد العيدان و الزمر فلا ينكر عليهم احد ... و اولاد العلوج يكونون في ذلك الزمان الاكابر ... و تكثر اولاد الزنا ... و يرى الرجل من زوجته القبيح فلاينهاها و لا يردها عنه و يأخذ ما تأتي به من كدّ فرجها و من مفسد خدرها<sup>(۱)</sup>.

### اوصافی از آخر الزمان

قال الصادق عليه السلام:

العالم بزمانه لا تهجم عليه اللوابس

صادق آل محمد صلى الله عليه و آله فرمودند: کسی که علم به زمان خود داشته باشد اشتباهات به او حمله ور نخواهد شد.

زمانشناسی یکی از مهمترین مسائل در هر عصر و زمان است. شناخت زمان و مردم آخر الزمان از جمله فصول مهم در ارتباط با مسئله ظهور و وقایع قبل از آن می باشد.

بهتر آن است که از زلال حکمت اهل بیت عليهم السلام خوشه

۱- بیان الائمة ج ۲ ص ۱۵۴



چینی کرده و با توجه به بیانات معصومین علیهم السلام بدنبال درک وظیفه خود باشیم. که بهترین اعمال، عمل به وظیفه‌ای است که به عهده ما گذاشته شده است.

- نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در حدیثی به جابر بن عبدالله انصاری در ارتباط با علائم ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره می‌فرمایند:

جابر بن عبدالله نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد خصوصیات آخرالزمان فرمودند:  
 - ... قطعتم زکاتکم و الزکاة مغرمًا<sup>(۱)</sup>

[یکی از علائم آخرالزمان آنست که:] زکاة دادن متروک شود و آنرا ضرر و زیان تلقی کنند.  
 - و الکذب حدیثکم.

سخن عادی و همگانی شما دروغ است.  
 - و الغیبة فاکهتکم:

میوه و نقل مجالس شما غیبت باشد.  
 - و الحرام غنیمتکم:

آنچه بدست می‌آورید حرام باشد (بدست آوردن مال حرام را غنیمت بدانند)

- و لا یزحم کبیرکم صغیرکم:

۱- بحار الانوار - مرحوم علامه مجلسی (ره) ج ۵۲ ص ۲۶۲.



- در آن زمان بزرگان بر افراد کوچک رحم نمی‌کنند.
- وَلَا يُوقِّرُ صَغِيرُكُمْ كَبِيرُكُمْ:
- افراد کوچک نیز احترام بزرگان را نگه نمی‌دارند.
- وَ اطَاعَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ:
- مرد از همسر خود اطاعت کند
- وَ جَفَا جَارَهُ:
- در رابطه به همسایه جفا کنند.
- وَ قَطَعَ رَحِمَهُ:
- با ارحام و خویشاوندان قطع ارتباط کنند.
- وَقَلَّ حَيَاءُ الْأَصَاغِرِ:
- حیای بچه‌ها کم شود.
- وَ شَيَّدُوا الْبُنْيَانَ:
- ساختمانها را محکم بنا کنند.
- وَ شَهِدُوا بِالْهَوَى:
- شهادتشان از روی هوی و هوس باشد
- وَ يَسُبُّ الرَّجُلُ أَبَاهُ:
- مرد پدرش را لعنت کند.
- وَ يَحْسُدُ الرَّجُلُ أَخَاهُ:
- برادر نسبت به برادر حسد می‌ورزد.
- وَ يُعَامِلُ الشُّرَكَاءَ بِالْخِيَانَةِ:
- شرکاء در معاملاتشان به یکدیگر خیانت کنند.



- وَقَلَّ الْوَفَاءُ:

وفا بسیار کم گردد.

- وَ تَزَيَّنَ الرَّجَالُ بِثِيَابِ النِّسَاءِ!

مردان خود را به لباس زنان بیارانید. [این مطلب اکنون موجود است هر چند در زمان صدور این حدیث شریف چه بسا موجب تعجب بوده که چگونه یک مرد همانند زنان، خود را بیاراید و یا از البسه آنان استفاده کند]

- وَ سُلِبَ عَنْهُنَّ قِنَاعُ الْحَيَاءِ:

پرده حیا از زنها برداشته شود.

- وَ شَغَلُوا بِالْدُّنْيَا عَنِ الْآخِرَةِ:

از آخرت غفت کنند و تمام توجه خود را به دنیا معطوف دارند.

- وَقَلَّ الْوَرَعُ:

ورع و پرهیزکاری کم شود.

- وَ كَثُرَ الطَّمَعُ:

طمع زیاد شود.

- وَ اصْبَحَ الْمُؤْمِنُ ذَلِيلًا وَ الْمُنَافِقُ عَزِيزًا.

بندگان خدا و مؤمنین در جامعه ذلیل و منافقین در میان مردم

عزیز و محترم باشند

- وَ بَلَغَ الْمُؤْمِنُ عَنْهُمْ كُلِّ هَوَانٍ<sup>(۱)</sup>.

۱- بحار الانوار - مرحوم علامه مجلسی (ره) ج ۵۲ ص ۲۶۲ - جامع الاخبار ص ۱۴۰





انواع خواریها درباره مؤمن و اهل ایمان اعمال شود.  
 - فَعِنْدَ ذَٰلِكَ تَرَىٰ وُجُوهُهُمْ وُجُوهُ ٱلْأَدْمِيِّينَ وَ قُلُوبُهُمْ قُلُوبَ الشَّيَاطِينِ (۱)

در این هنگام می بینی که صورت این مردم چهره آدمی است اما قلبهای آنان دلهای شیاطین است.

- كَلَامُهُمْ أَحْلَىٰ مِنَ الْعَسَلِ وَ قُلُوبُهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْحَنْظَلِ فَهُمْ ذِئَابٌ وَ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ...

سخنان آنان از عسل شیرینتر، اما دلهایشان از زهر کشنده تلخ تر است. اینان گرگهای درنده‌ای هستند که به لباس آدمیان در آمده‌اند (۲)

[به نظر می رسد که فرازهای شیوا و رسای احادیث اصلاً نیازی به تفسیر و توضیح و مثال ندارد لذا به همان صورت بکر و برگفته از زلال بیکران اهل البیت علیهم السلام مورد استفاده قرار گرفته]  
 - در حدیث دیگری نیز وجود مقدس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: (۳)

- يَأْتِي عَلَىٰ أُمَّتِي زَمَانٌ تَكْثُرُ فِيهِ ٱلْأَرَءَاءُ  
 زمانی بر امت من بیاید که مردم دارای آراء مختلف خواهند شد.

۱- مجمع الزوائد ج ۷ ص ۳۲۶ - اثر نورالدین هیثمی - در فصل نوا در همین کتاب نیز احادیث مشابهی ذکر شده - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۶۲.

۲- نشانه‌های شگفت آور آخرالزمان - محمد جواد مَهری ص ۴۹

۳- نوائب الدهور ج ۱ ص ۱۷۰ - اثر آیت الله میرجهانی رحمه الله علیه.



- وَ يَتَّخِذُوا الْقُرْآنَ مِزَامِيرَ وَيُوضَعُ عَلَى الْأَحَانِ الْأَغَانِي يُقْرَأُ بِغَيْرِ خَشْيَةٍ.

و قرآن را با آواز و مزامیر و به صورت غنا می خوانند، بدون آنکه از خداوند ترسی داشته باشند.

- فَعِنْدَ ذَلِكَ تَهْتَشُّ النَّفُوسُ إِلَى طَيْبِ الْأَلْحَانِ.

در چنین زمانی ترانه‌ها و سازها و آواز، آدمیان را به طرب می آورد چنانکه نفس‌هایشان گویی در طرب می آید.

- وَ تَكْتَفِي الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ.

مردها به مردها اکتفا می کنند و زنان به زنان.

- وَ يَتَّخِذُونَ ضَرْبَ الْقَصَبِ فِيهَا بَيْنَهُمْ فَلَا يُنْكِرُهُ مَنْكِرٌ بَلْ يَتَرَاضُونَ بِهِ وَ هُوَ مِنْ إِحْدَى الْكِبَائِرِ الْخَفِيَةِ فَوَيْلٌ لَهُمْ دِيَانِ يَوْمَ الدِّينِ لَا تَنَالُهُمْ شَفَاعَتِي فَمَنْ رَضِيَ بِذَلِكَ مِنْهُمْ وَ لَمْ يَنْهَهُمْ نَدِمَ بِذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَنَا مِنْهُ بَرِيءٌ

ساز و آواز در میان آنان رواج می یابد و در مجامع خودشان از آن استفاده می کنند و کسی آنها را نهی نمی کند بلکه تشویق می کنند با اینکه یکی از گناهان کبیره است که کبیره بودنش بر آنان پوشیده است. پس وای بر آنان از جزا دهنده روز رستاخیز شفاعت من به آنان نخواهد رسید و کسی که راضی به اعمال آنها باشد و آنان را از این عمل نهی نکند نیز در روز قیامت پشیمان شود و من از او بیزارم.

- نزال بن سبرة نقل می کند که حضرت امیرالبلغاء و الفصحاء یعنی اسدالله الغالب علی بن ابیطالب علیه الصلوة و السلام در حال ایراد



خطبه بودند، پس از حمد و ثنای الهی فرمودند:  
 «سلونی قبل أن تَفْقِدونی» یکی از یاران حضرت بنام صعصعة بن  
 صوحان برخاست و عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین دجال چه موقع  
 خروج می کند؟

حضرت فرمودند: برای خروج دجال علائمی است که یکی بعد  
 از دیگری واقع خواهد شد.

... صَعَصَعَه عرضه داشت یا امیرالمؤمنین بفرمائید: حضرت  
 فرمود، علائمی را که می گویم به خاطر بسیار و بدانکه علائم خروج  
 دجال به شرح ذیل است<sup>(۱)</sup>:

... استحلُّوا الكِذْبَ: زمانیکه دروغ گفتن را حلال می شمردند.

- و أَخَذُوا الرِّشَا:

رشوه خواری در میان مردم رواج پیدا می کند.

- و بَاعُوا الدِّينَ بالدُّنْيَا:

دین را به دنیا می فروشند یعنی برای دست یافتن به دنیا و

نعمت های زودگذر آن از ارتکاب هیچ گناهی باک ندارد.

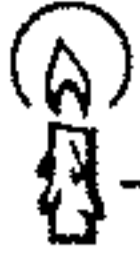
- و استعملُوا السُّفَهَاءَ:

نادانان و مردم کم عقل را برکارها می گمارند.

- وَ شَاوَرُوا النِّسَاءَ:

زنان را در کارهای اجتماعی و شخصی طرف مشورت قرار

۱- بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۹۳ باب ۲۵



می دهند.

- وَظَهَرَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ

شهادت مردم در محاکم شهادت به ناحق است.

- وَقَوْلُ الْبُهْتَانِ:

تهمت و بهتان در مردم رواج می یابد.

- ... وَ شَارَكَ النِّسَاءُ مِنْ أَجْلِهنَّ فِي التَّجَارَةِ حِرْصاً عَلَى الدُّنْيَا.

زنان به همراه مردانشان به خاطر حرص به دنیا درکار تجارت

شرکت می کنند.

- ... تَشَبَّهَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ

زنان شبیه مردان می شوند و مردان از نظر لباس و قیافه شباهت به

زنها پیدا می کنند<sup>(۱)</sup>

در حدیث دیگری از وجود مقدس صادق آل محمد علیه السلام

چنین روایت شده :

- ... كَانَ صَاحِبُ الْمَالِ أَعَزَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ

زمانی که ثروتمند در میان مردم از صاحب ایمان عزیزتر است.

- ... وَرَأَيْتَ الْمَلَاحِي قَدْ ظَهَرَتْ يُمَرُّبِهَا لَا يَمْنَعُهَا أَحَدٌ وَ لَا يَجْتَرِي

أَحَدٌ عَلَى مَنَعِهَا.

دیدم که گناهان در اجتماع آشکار می شود و مردم آنها را

می بینند و کسی هم منع نمی کند و جرئت بر منع آنها در میان

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۹۳ - منتخب الاثر آیت الله صافی گلپایگانی ص ۴۲۷ - خرائج راوندی



نیست.

- ... رَأَيْتَ النَّاسَ مَعَ مَنْ غَلَبَ.

وقتی که دیدی مردم طرفدار آن کسی هستند که قدرتمند است و قدرت در دست اوست.

- ... وَرَأَيْتَ طَالِبَ الْحَلَالِ يُذَمُّ وَ يُعَيَّرُ وَ طَالِبَ الْحَرَامِ يُمَدَّحُ

وقتی دیدی که طالب مال حلال را سرزنش و دوستدار حرام را تمجید و تکریم می کنند.

- ... وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَتَكَلَّمُ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ وَ يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَقُولُ هَذَا عَنْكَ مَوْضُوعٌ.

وقتی دیدی به کسانی که حق می گویند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، گفته می شود: این موضوع ربطی به شما ندارد.

- وَ رَأَيْتَ الْخَلْقَ وَ الْمَجَالِسَ لَا يُتَابِعُونَ إِلَّا الْأَغْنِيَاءَ (۱)

و دیدی که در میان مردم و محافل عمومی، تنها نسبت به اغنیا و ثروتمندان احترام می شود.

از این دسته روایات، و روایاتی که در کتب ملاحم و فتن و ابواب خاص آن در مورد علائم الظهور و یا علائم آخرالزمان بیان شده بسیار است. و اینکه به بعضی از روایات اشاره شد حتی به علت طولانی بودن بعضی از احادیث مذکوره قسمتهایی از آن گزینش و مورد بهره برداری قرار گرفت.

۱- بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۵۷ - روضه کافی - اثر مرحوم کلینی ص ۱۱۸ - نشانه های شگفت آور آخرالزمان - محمد جواد مهری ص ۵۶



اما آنچه که در این مقال بدنبال آن هستیم شناختن بعضی از علائمی است که توسط ائمه هدی علیهم السلام مورد اشاره قرار گرفته است. در واقع فرازهای متعدد این احادیث درسهایی برای سازندگی و آمادگی ماست. اگر ما منتظر وجود یوسف زهراء سلام الله علیه هستیم باید بدانیم که آن بزرگوار از چه اخلاق و رفتاری برخوردار بوده و در واقع چه دیدگاهی دارد، ضمن اینکه اگر عاشق هستیم خود را به آنچه معشوق علاقمند است بیاراییم در واقع شناخت آنچه که حضرت بقية الله ارواحنا فداه از آن خوشحال می شوند یکی از وظائف اصلی همه عاشقان است.

بدیهی است که با استفاده از احادیث اهل بیت علیهم السلام که تنها نسخه شفابخشی است که برای سازندگی ما بیان شده می توانیم خود را به حضرت و آنچه که آن عزیز نسبت به آن خرسند و خوشحال هستند نزدیکتر کرده و تا حدی که می توانیم خود را به ایشان نزدیکتر کنیم.

مگر نه آنکه باید عاشق بوی معشوق بدهد؟!

حال اگر در بعضی احادیث به لفظ آخرالزمان برخورد می کنیم و چه بسا به عنوان سؤال د ر ذهن خود می پروریم که آیا الان آخرالزمان است یا نه؟ و یا سؤالاتی از این قبیل که چه بسا برای هر شخصی که مقداری مطالعه در احوالات آخرالزمان داشته باشد پیش آمده و در حالیکه بعضی از علائم و در واقع بسیاری از علائم نیز به خوبی مشهود است، چه بسا این سؤالات پیش بیاید البته باید گفت:



اینکه آخرالزمان است یا نه؟! و یا اینکه ما در آخرالزمان واقع شده‌ایم یا نه؟ مهم نیست بطور کلی باید گفت ما باید به وظیفه خود عمل کنیم و مهم آنست که اعمال ما مطابق رضایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، و در یک عبارت؛ اعمال ما مورد تأیید آن امام بزرگوار باشد.

اگر چنین شد زهی سعادت که اعمال ما مورد رضایت ولی الله الاعظم باشد. چه در آخر الزمان واقع شده باشیم یا نه؟ منظور اینکه تطابق اعمال ما با رضایت ایشان مهم است و عمده رضایت ایشان از ماست. هر چند در آخرالزمان هم نباشیم.

البته طبق بیان علماء بزرگوار و علائمی که یکی پس از دیگری مطابق النعل بالنعل بر اساس روایات ائمه هدی علیهم السلام مشاهده می‌شود این حس را در ما قوی‌تر نموده و امیدواریم که در آستانه ظهور آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست بوده باشیم. ای طبیب دردمندان خسرو خوبان کجایی

ای شفافبخش دل مجروح بیماران کجایی  
ظلم و جور و جهل و کین یکباره عالم را گرفته

ظالمان جولان دهنده ای مصلح دوران کجایی  
دشمنان شاد و عزیزان خوار و قرآن مانده بی کس

یا معز الاولیاء ای حامی قرآن کجایی  
چون بیایی خاک پایت سرمه چشم نمایم

رُخ نهم بر مقدمت ای روح بخش جان کجایی





# فصل ششم



● ساحل امن

- آمار با ما سخن می گوید

- ابا صالح هدایتگر گمگشتگان (۱)

## مثنیٰ تراثا و خیراک

یا ابنَ الحسنِ روحی فِدائک

## ساحل امن

در قرن کنونی که از لحاظ پیشرفتهای علمی و صنعتی بشر به حد بسیار بالائی رسیده تا جایی که اکنون می تواند بیماری های گوناگون را شناخته و برای آن داروی خاصی را اختراع کرده و بیماری هایی را که تا دیروز به قدری برای بشر دهشتناک بود که حتی نام آن نیز باعث فرار کردن مردم از اطراف آن بیمار می شد را اکنون به آسانی درمان کند. اکنون وسایل و ابزار صنعتی که کاربرد آنها در ساخت و تولید وسایل دیگر در جهت آسایش و آرامش بشر اختراع شده، خارج از شمارش است.

بشری که حتی برای روشن کردن ده متر جلوتر خود وسیله ای نداشت، هرگز نمی توانست تصور کند که اکنون پیشرفت صنعت برق که از اختراع یک لامپ ساده شروع شده بود اکنون چه تحولی یافته است. انقلاب انفورماتیک در جهان و تحولات روز افزون آن با سرعت غیر قابل تصویری در حال صعود است. حتی می توان گفت، پیشرفت پله به پله را نپذیرفت و گاهی با اختراع یک ریز پردازنده کوچک می بینیم که چندین پله از نردبان ترقی را می پیماید.

بشر برای حفظ آرامش خود، دست به اختراعی زد که باعث سلب آسایش خود و دیگران شد حتی کلاهکهای هسته ای خطرناکی که هر یک قدرت تخریب چندین برابر زمین را دارند. آنهم در چنین عصری که دلهره در ذات نهفته است، خواه ناخواه مبارزه با تاریکی ها و زشتی های زندگی باید از طریق صحیح و



اصولی صورت گیرد. تا زندگی سالم و سعادت‌مندانه هر فرد تضمین گردد. فهمیدن بسیاری از اسرار طبیعت به ما در راه شناخت هر چه بیشتر خداوندی که خالق آنهاست بیشتر کمک می‌کند یا اینکه ما فقط به عنوان یک نردبان با آنها برخورد می‌کنیم؟ با توجه به اختراعات عالمگیر در زمینه‌های هوا و فضا آیا بشر در ساحل امن آرمیده است؟ آیا اکنون بشر از آرامش نسبی برخوردار است؟

«دنیای امروز با ضعف جهات ایمانی و اخلاقی به صورت ماشین بدون ترمزی در آمده که غیر مطمئن به راه خود ادامه می‌دهد و مردم جهان عمری را با نگرانی و اضطراب طی می‌کنند. هر لحظه خائفند از اینکه جهان بر لب پرتگاهی برسد و زمامداران فرمان آتش دهند و قدرت علمی بشر، جهان را به آتش و خون کشد و ظرف چند ساعت [یا ثانیه] کره زمین را ویران نماید»<sup>(۱)</sup>.

### آمار با ما سخن می‌گوید

- از آغاز قرن بیستم تا کنون بیش از یک میلیارد نفر دست به خودکشی زده‌اند و جوانان بیش از دیگران خودکشی می‌کنند<sup>(۲)</sup>.
- یک چهارم مردم اسکاندیناوی، یک سوم مردم فرانسه، دو پنجم مردم شوروی و نیمی از مردم آمریکا گرفتار بیماری بی

۱- کتاب کودک - مرحوم حجة الاسلام فلسفی ص ۲۲۲

۲- مجله اطلاعات هفتگی تاریخ ۱۳۴۸/۸/۹



خوابی در اثر نگرانی هستند<sup>(۱)</sup>.

- تلفات نظامی آمریکا در میدانهای جنگ جهانی دوم سیصد هزار نظامی بود، ولی در همان مدت دو میلیون آمریکایی بر اثر بیماری قلبی تلف شدند که نیمی از این تعداد به سبب نگرانی بوده است<sup>(۲)</sup>

- در آلمان روزانه یک میلیون قرص خواب آور مصرف می شود<sup>(۳)</sup>.

این آمار مربوط به سالها قبل است، باید از خود پرسیم اکنون وضعیت روحی و روانی مردم دنیا چگونه است؟ آیا بشر نسبت به ده سال قبل از آرامش روانی بیشتری برخوردار است یا باید گفت؟!...

براستی چرا بشر با وجود قدرت صنعت و تکنولوژی نتوانسته است زندگی آرامی برای خود به ارمغان بیاورد و در ساحل امن و آسایش زندگی کند؟ مگر اینهمه پیشرفتهای علمی و صنعتی به خاطر آرامش و آسایش روحی و جسمی بشر نیست؟! با اندکی تأمل می توان فهمید که بشر کنونی در کنار همه اختراعات و اکتشافاتش از اصل مهمی دور است و آن دوری او را لحظه به لحظه بیمار و بیمارتر می کند.

یکی از روانشناسان معاصر و استاد کرسی روانشناسی بنام

۲- آئین زندگی ص ۵۷

۱- مجله دانشمند ۱۳۴۹/۹/۱

۳- مجله اطلاعات بانوان تاریخ ۱۳۴۸/۳/۳۱



پرفسور کارل یونگ چنین می گوید:

«بیماری قرن ما بیماری مذهبی است در اثر تکنولوژی و جمود تعالیم و کوتاه نظری و تعصب، بشر قرن بیستم لامذهب شده و سرگشته در جستجوی روح خود است و تا مذهبی نیابد آسایشی ندارد. بی مذهبی حتماً باعث پوچی و بی معنا شدن زندگی می شود، داشتن مذهب و آرمان، به زندگی مفهوم و معنا می بخشد، آنکس که با شهامت در راه خودشناسی گام گذاشت، به خداشناسی می رسد و در مرحله آخر به تکامل نفس و فردیت خود و اصل می گردد»<sup>(۱)</sup>.

- بدیهی است که بدون مذهب و ایمان واقعی آرامش بوجود نخواهد آمد، قرآن کریم در این زمینه تعبیری بسیار لطیف دارد و می فرماید:

- و من اعرض عن ذکری فانَّ له معیشتاً ضنکاً و نحشرة یوم القیامة اعمی.

هر که از یاد خدا غفلت ورزد و از ایمان و دین روی برتابد، حتماً زندگی او تنگ و رنج آور و درد آلود و ناگوار خواهد بود، و روز قیامت کور محشور خواهد شد.

«نگرانی در تفکر بسیاری از صاحب نظران علم روانشناسی بزرگترین بیماری قرن شناخته شده، برخی بیان می کنند که نگرانی

۱- کیهان شماره ۸۱۹۶ مصاحبه دکتر احمد اردوبادی با کارل یونگ.



سرچشمه تمام یا اغلب بیماری‌های روحی و جسمی می‌باشد، سوءهاضمه، زخم معده، زخم اثنی عشر، سرطاناتها، ناراحتی‌های قلبی، بیخوابی، سردردها، فلج، ورم و درد مفاصل رماتیسم و حتی دندان درد و کرم خوردگی دندان و یک سوم از امراض پوستی ناشی از نگرانی‌ها و دلواپسی‌ها و هیجانات روحی است<sup>(۱)</sup>.

متأسفانه پیشرفت علم و تکنولوژی و وسائل رفاه و آسایش به جای آنکه انسانها را سعادتمند کند، فرسوده و نگران و بسیار مضطرب نموده است.

بدیهی است که نسل نگران و مضطرب امروز بدنبال گمگشته‌ای است تا در پناه آن دمی بیاساید و راحتی را تجربه کند.

راحتی واقعی در خودروی مدل بالا و یا دستگاههای مختلف سرگرمی و رایانه‌ای نیست یا راحتی و آرامش در پول و ثروت و خوردن غذاهای چرب و نرم خلاصه نمی‌شود.

چه بسیارند افرادی که حاضرند همه اینها را بدهند ولی بتوانند وقتی سر بر بستر نهادند راحت بخوابند، واقعاً آن ساحل امن کجاست و کدامین کشتی نجات می‌تواند ما را به آن ساحل برساند؟ متأسفانه بسیاری از جوامع چون بدنبال گمگشته حقیقی که عبارت از ایمان به خدای یکتا و اطاعت فرامین اوست، نمی‌گردند لذا سعی می‌کند با وسائط مختلفی برای خود سرگرمی‌هایی ایجاد

۱- بی پناهی عصر حاضر - جزوه مؤسسه در راه حق از قم.



کنند تا شاید برای لحظاتی آرام گیرند. متأسفانه به الكل و مواد مخدر و قرص‌های مسکن و خواب آور رو آورده و در صورت نبود ساختار عقیدتی و یا سست شدن آن به دامن خود کشی پناهنده می‌شود.

قرآن کریم می‌فرماید: **أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ** (۱)

آگاه باشید که آرامش دلها و اطمینان خاطر تنها در سایه یاد خداست.

بر اساس روایات وارده از ائمه معصومین علیهم السلام امام زمان علیه السلام خلیفه خداست و در واقع از جانب خدای منان بهترین ساحل امن برای بشر خواهند بود همانند اجداد طاهرینشان بنا به فرموده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله.

مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من ركبها نجی و من تخلف عنها غرق. (۲)

مثال اهل بیت من همانند کشتی نوح است، هر کس که بدان سوار شد نجات یافته و هر کس از آن جا مانده و به آن کشتی پشت نماید غرق خواهد شد.

در روایت دیگری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

**ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة**

به درستی که حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است.





لذا بہترین کشتی برای نجات ما، وجود مقدس اہل بیت عصمت و طہارت بودہ و امن و آسودہ ترین ساحلہا، ساحلی است کہ آن کشتی لنگر می اندزاد.

لذا در سلام بہ امام زمان عجل اللہ تعالی فرجہ الشریف خطاب بہ ایشان می گوئیم:

السلام علیک یا خلیفۃ الرحمن ... السلام علیک یا صاحب الزمان  
الامان الامان الامان.

سلام بر تو ای جانشین خداوند ... سلام بر تو ای صاحب الزمان  
ما را امان بدہ ما را امان بدہ ما را امان بدہ.

و در روایات دیگری از آن وجود مقدس بہ کھف حصین یعنی غاری بسیار امن و مستحکم یاد شدہ و در دعای شریفہ ندبہ در فراق آن وجود نازنین نالہ سر می دھیم.

- أَيْنَ السَّبَبِ الْمَتَّصِلِ بَيْنِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ

آن علت اتصال بین زمین و آسمان کجاست؟

و وجود مقدس حضرت حجة بن الحسن المہدی عجل اللہ تعالی فرجہ الشریف می فرمایند:

- اِنِّي اَمَانٌ لِّاَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ اَمَانٌ لِّاَهْلِ السَّمَاءِ (۱).

من امان برای اہل زمین ہستم همانگونہ کہ ستارگان امان برای اہل آسمانند.

۱- بحار الانوار ج ۷۸ ص ۳۸۰ حدیث ۱



صد البته کسی که همواره از یک قدرت بی پایان غیبی کمک می‌گیرد و خود را وابسته به خداوند متعال می‌داند و او را یاور خود می‌پندارد خدایی که قادر و تواناست، خدایی که آگاه از غیبت است، خدایی که قدرت مطلق بوده و بیده ملکوت کل شیء.

خدایی که برای بشر پناهگاهی مستحکم ایجاد کرده و در پرتو ایمان به او و به ائمه طاهرینش همانند پاره‌ای آهن محکم و مستحکم خواهد بود.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

مؤمن از پاره‌های آهن محک‌تر است، چون پاره‌های آهن در آتش تغییر می‌یابد اما مؤمن اگر کشته شود و دوباره زنده و بازگشته گردد، قلبش تغییر نمی‌کند و همواره ثابت و پایدار است<sup>(۱)</sup>.

چنین شخصی با این پشتوانه مستحکم هرگز نمی‌لرزد، کسیکه برای خود قرارگاه فکری و پناهگاه معنوی و مطمئن و آرمان مقدسی ندارد و مثل یک پرکاه در فضائی بی‌منتها دستخوش تغییر و تبدل بوده و حوادث فراوان و طوفانهای سهمگین و چه بسا نسیم او را از جا کنده و به هر سویی پرتاب می‌کند.

راستی کدام دسته سزاوار آرامش روحی و امنیت خاطر است؟  
- قرآن کریم با بهترین بیان به این پرسش، پاسخ می‌دهد در سوره مبارکه انعام آیات ۸۲ و ۸۳ چنین می‌فرماید:

۱- بحار الانوار ج ۶۴ ص ۳۰۳



فایّ الفریقین احقُّ بالآ من ان کنتم تعلمون - الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن و هم مهتدون  
 - کدامیک از این دو دسته سزاوار آرامش و امنیت حقیقی هستند؟ آنان که به خداوند گرویده و ایمان خود را به ستم (و شرک) نیامیخته‌اند، تنها برای آنان آسایش روحی است و آنان هدایت یافتگانند.

بدیهی است که شیعه‌ای که معتقد است لحظه به لحظه زندگی ما تحت نظر و عنایت خدا و ائمه معصومین علیهم السلام است چه غم دارد و چرا اطمینان و استحکام در روش زندگی را سر لوحه اعمال خود قرار ندهد چگونه طوفانها او را از جا برکنده و به این سو و آنسو پرتاب کند و به درودیوار بزند.

بزرگترین تکیه گاه و ساحل امن و آسایش همانا جوار قرب حضرت حق و حضرات ائمه علیهم السلام است.

رَمَلِیَه نقل می‌کند که در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام سخت بیمار شدم تا آنکه روز جمعه قدری احساس سبکی کردم، باخودم گفتم بهتر از هر چیز آنست که آبی به سرور روی خود زده و پشت سر امیرالمؤمنین علیه السلام نماز بخوانم، وضو گرفته به مسجد رفتم، وقتی که حضرت بالای منبر رفتند، حالم دوباره بد شده بود وقتی که ایشان از مسجد برگشتند من هم به همراه ایشان رفتم، فرمودند: ای رمیله، دیدم که به خودت می‌پیچیدی! گفتم: بله و جریان بیماری خودم را با ایشان در میان گذاشتم و از انگیزه

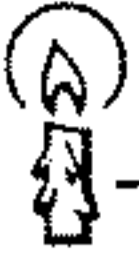


حضورم در نماز با آن حضرت صحبت کردم. ایشان فرمودند:  
 یا رمیله، لیس من مؤمن یمرض الا مَرَضُنَا بِمَرَضِهِ و لا یَحْزُنُ الا  
 حزننا بِحُزْنِهِ و لا یدعوا الا اَمَنَّا لدَعَائِهِ و لا یسکُتُ الا دعونا له  
 ای رمیله، هیچ مؤمنی بیمار نمی شود مگر آنکه ما هم به خاطر  
 بیماری او بیمار شویم، و غمگین نمی شود مگر آنکه ما نیز در غم او  
 اندوهگین می شویم و دعایی نمی کند مگر آنکه به دعایش آمین  
 بگوئیم و سکوت نمی کند مگر اینکه ما برایش دعا می کنیم.  
 رمیله می گوید: پرسیدم که یا امیرالمؤمنین فدایتان شوم. آیا این  
 مطلب مربوط به افرادی است که بسیار به شما نزدیکند؟ دیگران که  
 در اطراف و اکناف پراکنده اند چطور؟  
 حضرت فرمودند:

- یا رمیله، لیس یغیب عنا مؤمن فی شرق الارض و لا فی غربها.  
 ای رمیله، هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین از ما غائب  
 نیست. (۱)

واقعاً آیا اهل البیت علیهم السلام مستحکمترین پناهگاه  
 نیستند؟!

کسی که چنین پناهگاهی دارد آیا به غیر ایشان پناهنده خواهد  
 شد؟ آیا با چنین پناهگاه مستحکمی جایی برای اعتیاد و  
 بیماری های روحی و روانی و قرصهای کذا و کذا وجود خواهد



داشت؟

بر اساس قواعد روانشناسی کسی که فاقد پشتوانه و تکیه گاه است به هر تکیه گاه و مأمنی سر می زند تا شاید بتواند تکیه گاهی را برای خود دست و پا کند حتی بعضی که فاقد پشتوانه و تکیه گاه هستند به خاطر آرامش خود تکیه گاه و مأمنی را برای خود می تراشند، در صورتی که اصلاً چنین تکیه گاهی وجود خارجی ندارد به خاطر مانور تبلیغی از تکیه گاه فرضی خود بدفاع می پردازند.

وقتی به رفتار بعضی از کودکان می نگریم، خواهیم دید بعضی از آنان به خاطر نداشتن آنچه آنها دوست دارند دروغ گفته و حتی با زیرکی خاصی آنها پردازش می کنند.

غرض از این بحث آنست که؛ وقتی افرادی که فاقد دستگیره مستحکم و تکیه گاه واقعی هستند، سعی می کنند تکیه گاهی از شرق یا غرب را بواقع یا به دروغ به عنوان تکیه گاه خود معرفی کنند.

چرا ما که از بزرگترین و مستحکمترین تکیه گاه برخورداریم آنها را به دیگران معرفی نکرده و خود در پناهِش آرام نگیریم؟!

چرا امامی را که لحظه به لحظه به دعاگویی ما مشغول است و آنی از یاد ما غافل نیست را فراموش می کنیم در توقیعی که وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیخ مفید رحمة الله تعالی علیه مرقوم فرموده اند، چنین می خوانیم:

– فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ ... إِنَّا غَيْرُ



مُهْمَلِينَ لِمَرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ. (۱)

ما به آنچه به شما می‌گذرد و تمام اخباری که برایتان اتفاق می‌افتد احاطه علمی داریم و هیچکدام از خبرهای شما بر ما پوشیده نیست... ما نسبت به رعایت احوال شما کوتاهی نکرده و یاد شما را فراموش نمی‌کنیم.

بی‌پناهی عصر حاضر ناشی از غفلت‌هایی است که در شناخت خدا و پیشوایان معصوم داریم. اکنون بسیاری از پزشکان و روانشناسان، فلاسفه و حتی سیاستمداران کمبود این غفلت را گوشزد می‌کنند جامعه‌ای که از یک پشتوانه معنوی برخوردار باشد جامعه‌ای پر انگیزه بوده و به راحتی تن به شکست نخواهد داد.

دکتر پول ارنست آدولف، متخصص جراحی عمومی و طب در دانشگاه پنسیلوانیا می‌نویسد:

... مهمترین عامل شفای مریض، ویتامینها، دارو، معدنیها و جراحی و... نیست. بلکه امید و ایمان می‌باشد من به این نکته پی بردم که از این پس باید جسم مریض را با بکار بردن وسایل طبی و جراحی و روح وی را با تقویت ایمانش نسبت به خدا معالجه کرد. ثابت شده که اگر ایمان و توسل به خدا در معالجات منظور شود و از عوامل معالجه محسوب گردد، نتایج درخشانی بدست می‌آید (۲).

دنیا در تب و التهاب دوری از خدا و معصومین واقعاً می‌سوزد و

۱- احتجاج طبرسی - ج ۲ ص ۳۲۳

۲- بی‌پناهی عصر حاضر - مؤسسه در راه حق ص ۱۲



افرادی که به جبل ولایت تمسک جسته‌اند در صورتی که قدر این نعمت را بدانند در بهترین پناهگاه بسر برده و در ذیل عنایت ایشان است که به حیات طیبه رسیده و از هر نوع نگرانی و ناامیدی و اضطراب که بیماری عمومی عصر ماست بدور خواهند بود.

امید آنکه همه ما ذیل عنایات ائمه هدی علیهم السلام بالاخص حضرت ولی الله الاعظم، کشف حصین الهی و عین الله فی خلقه از مستمسکین به جبل ولایت ایشان که همان جبل الله است دست نیاز آویخته و در ساحل امن ولایت معصومین علیهم السلام زندگی بدور از هر اضطراب و نگرانی و ناامیدی را ادامه دهیم.

### ابا صالح هدایتگر گمگشتگان

شاید این سوال برای شما نیز پیش آمده باشد که کنیه مبارک حضرت یعنی ابا صالح چه معنا و مفهومی دارد؟ مرحوم خاتم المحدثین حاج میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ هـ) در کتاب شریف نجم الثاقب در شمار اسماء والقاب و کنیه‌های آن حضرت صد و هشتاد نام را از کتب آسمانی و قرآنی و روایات نقل می‌فرمایند:

در کتاب مزبور که مرحوم محدث نوری به دستور میرزای شیرازی (متوفای ۱۳۱۲) در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوازده باب و در مدت سه ماه تألیف نمودند مرحوم نوری می‌فرمایند: یکی از کنیه‌های معروف آن حضرت در میان عرب‌های بلدی و بدوی و بادیه نشین ابا صالح است آنان در دست



نوشته‌های خود آن جناب را پیوسته با این نام می‌خواندند شعرا و ادبا در قصاید و مدایح خود آنرا ذکر می‌کنند و از بعضی حوادث و جرایاناتی که در آینده نقل خواهیم نمود معلوم می‌شود که این نام توسل به آن در گذشته به هنگام حیرت و گم کردن راه در میان شیعیان شایع و رایج بوده است<sup>(۱)</sup>

مرحوم محدث نوری در اواخر کتاب نجم الثاقب در همین مورد روایتی از کتاب شریف محاسن از ابو بصیر و او از امام صادق علیه السلام روایتی بدین مضمون بیان می‌کند.

...اگر در بیابان متحیر شدی و مسیر خود را گم کردی بگو یا اباصالح ارشدنا الی الطریق و بعد به عنوان نمونه به دو واقعه که در مورد افرادی که در راه حج گم شده بودند اشاره می‌کنند که به خاطر توسل به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و استمداد از آن بزرگوار به نام اباصالح مسیر خود را پیدا کرده‌اند. در لحظاتی که مقصد را گم کرده بودند و سرگشته و حیران به دنبال راه می‌گشتند صدای دلنوازی گوش آنان را نوازش داده و به آنان می‌فرماید: راه صحیح در سمت راست شماست.

این ندای دلنشین چنان قاطع و مؤثر بود که هر نوع یاس و نا

۱-۱) نجم الثاقب - ص ۳۱ چاپ اسلامیة همچنین از مقاله حجه الاسلام محمد صادق نجمی در ویژه نامه صبح وصال ویژه نامه سال ۱۴۱۸ هـ ق ص ۶۹ استفاده شده است.





امیدی را بر طرف نموده و گمشدگان با امید کامل و بی تردید حرکت کردند. حتی یکی از آن دو حادثه در مورد محمد ابن خالد برقی پدر صاحب کتاب محاسن یعنی مرحوم احمد ابن محمد ابن خالد برقی است.

مرحوم محدث نوری در پایان نتیجه میگیرند که مجموع این وقایع نشانگر آنست که در گذشته و در طول تاریخ در میان شیعیان اهل البیت علیهم السلام و پیروان خاندان عصمت، این نام شریف یعنی ابا صالح به وجود مقدس بقیه الله الاعظم و حجت غائب حق اطلاق میگرددیده و این نام مبارک یکی از اسامی معروف آن حضرت در میان ارادتمندان و منتظرانش بوده است.

...اینکه در روایت ابو بصیر آمده است که اگر راه را گم کردی و در بیابانی متحیر شدی و از رسیدن به مقصودت فروماندی مولا و امام خود (ابا صالح) را صدا کن و به دامن بقیه الله الاعظم دست تو سل بزن در این روایت منظور از تحیر و گم گشتن، تنهامعنای اصطلاحی و متعارف آن نیست که کسی در بیابان گم گشته و از حضرت استمداد بجوید تا دست عنایت آن حضرت او را از گمگشتگی و حیرانی و بیچارگی نجات دهد بلکه معنایی عام و وسیعتر است و در واقع امام صادق علیه السلام آن معنای گسترده را به صورت کنایه و در قالب این مثال بیان فرموده‌اند و در واقع برای تقریب ذهن به یکی از مصادیق آن اشاره نموده‌اند و گم شدن اقوام و ملل در وادی پر اضطراب و خوفناک افکار و اندیشه‌های سهمگین را به گم شدن



در بیابان تشبیه نموده و راه نجات از این مهلکه را به معارف اهل بیت علیهم السلام معرفی نموده‌اند. (۱)

هدایت یکی از مهمترین و بدیهی‌ترین اهداف انبیاء و اولیاء الهی است که حتی به نظر می‌رسد این مطلب نیازی به استدلال نیز ندارد، چون به قدری بدیهی است که لازم نیست به استدلالهای عقلی و فکری پردازیم.

جای تردید نیست که خدای منان این جهان را بر مبنای علت و معلول بنا نهاده و در هدایت بشر و حتی شناساندن خودش، انبیاء و ائمه هدی علیهم السلام را واسطه قرار داده است.

در قرآن کریم میفرماید:

جعلناهم ائمه یهدون بامرنا (۲)

ایشان را امامانی قرار دادیم که به امر ما هدایت میکنند

علی علیه السلام در نهج البلاغه میفرماید:

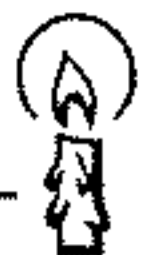
- بنا اهتدیتم فی الظلماء (۳)

تنها به خاطر ما اهل البیت از الحاد و بی دینی نجات یافتید  
از این تعبیر بلکه صدها تعبیر دیگر نیز به راحتی میتوان فهمید  
که ائمه هدی علیهم السلام همه هادی و مهدی هستند و هدایتگر هر  
گمگشته‌ای در بیابان و صحرا یا وادی دهشتناک اضطراب و ناامنی

۱- (۱) نجم الثاقب - مرحوم نوری (ره) ص ۴۲۱ - با اندکی تغییر.

۲ - سوره انبیاء - ۷۲

۳ - نهج البلاغه فیض السلام خطبه ۴ ص ۵۵



در طوفانهای زندگی بوده و هستند. ائمه هدی علیهم السلام هدایت کنندگان بشرند، شاید این سؤال پیش بیاید که آیا روشی برای استفاده از درک فیوضات آنان وجود دارد؟

آیا راهی هست که ابواب ملکوت به روی ما نیز باز شده و بتوانیم صدای دلنشین یا رخ دلربای آن وجود مطهر را درک نموده و یا از محضر فیضش بهره‌های معنوی بجوییم؟  
چه خوش است صوت قرآن

زتو دلربا شنیدن

به رخت نظاره کردن

سخن خدا شنیدن

یگانه نسخه شفا بخش آنرا ائمه معصومین بیان داشته‌اند به عنوان نمونه به ذکر روایاتی اشاره خواهیم داشت قال الصادق علیه السلام:

لولا ان الشیاطین یحومون حول قلوب بنی آدم لراوا ملکوت السماوت و الارض. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر شیاطین پیرامون قلب بنی آدم رشد نکنند حتا آنها عظمت و ملکوت آسمان و زمین را خواهند دید.

قال رسول الله صلی الله علیه و اله: اگر کلام بیجا و بیهوده از شما

۱ - تفسیر المیزان - علامه طباطبایی (ره) - ج ۵ ص ۲۹۲



صادر نشود و در قلب و فکرتان آمیختگی از باطل نباشد، حتماً آنچه را که من می بینم، شما هم می بینید، و آنچه را که من می شنوم شما هم خواهید شنید.

می توان با تمرین و ممارست و رعایت تقوی از عنایات حضرت بهره برد. و اگر چنین امری امکان نداشت، اصلاً مورد اشاره قرار نمی گرفت، پس با دستورات حیاتبخش ائمه هدی علیهم السلام می توان به عالی ترین درجات معنوی رسید و از خرمین علوم بیکرانیشان بهره ها جست به عنوان نمونه سلمان فارسی به مقامی نائل آمد که پیامبر صلی الله علیه و اله در شان او فرمودند: السلامان منا اهل البیت و به قول شاعر پارسی زبان  
رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند

بنگر که تا چه حد است طیران آدمیت  
اکنون که طوفانها سهمگین گناه و رذائل اخلاقی باعث فاصله گرفتن ما از مسیر حق و حقیقت می گردد و ظلمت و تاریکی گناه مشعلهای کوچک هدایت را که در جای جای عالم سوسو میزند یکی پس از دیگری خاموش می کند، اکنون که سرابهای رنگارنگ زندگی سعی در جلب نظر افرادی می کند که زندگی این دنیا را بر زندگی جاوید اخروی ترجیح می دهند، آیا وقت آن نرسیده که از خود بپرسیم که چه باید کرد؟ و چه شیوه ای را باید دنبال نمود؟  
آیا وقت آن نرسیده که به سراغ ابواب ایمان و امناء الرحمن و



محال معرفه الله برویم. (۱)

لذا امام صادق علیه السلام فرمودند:

- طوبی لمن تمسک امرنا فی غیبه قائمنا یزع قلبه بالهدایه (۲)  
خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما به فرمان ما چنگ  
زند و قلب هدایت شده‌اش به طرف باطل متمایل نشود.  
ما وظیفه داریم که بنا به سفارش معصومین در زمان غیبت خود  
را با تفکر و منش زیبای ایشان بالاخص وجود مقدس امام زمان  
عجل الله تعالی فرجه هماهنگ کرده و همواره دعای به آن سرور را  
در سرلوحه اعمال خود قرار دهیم، خاصه دعای معرفت که در  
تعقیبات نمازهای یومیه نیز وارد شده که دعایی با مضمین بسیار  
عالی است و علماء فراوانی در کتب معتبره آنرا ذکر کرده و به  
مداومت بر آن دستور فرموده‌اند. دعای معرفت را مرحوم شیخ  
صدوق رحمه الله تعالی علیه در کتاب کمال الدین و تمام النعمه ج  
۲ ص ۲۱ و مرحوم شیخ الطایفه در کتاب مصباح المتعجد ص ۲۶۹  
و مرحوم مجلسی در بحار الانوار ج ۹۵ ص ۳۲۷ نقل فرموده‌اند که  
امام صادق علیه السلام در خصوص غیبت حضرت صاحب الزمان  
(عجل الله تعالی فرجه) به زراره فرمودند: ای زراره اگر زمان غیبت  
را درک کردی بر این دعا مداومت داشته باش.

اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبیک

۱ - اشاره به فقراتی از زیارت جامعه کبیره (مفاتیح الجنان)

۲ - بحار الانوار - مرحوم علامه مجلسی ج ۵۲ ص ۱۲۳



اللهم عرفني رسولك فانك ان لم تعرفني رسولك لم اعرف  
حجتك اللهم عرفني حجتك فانك ان لم تعرفني حجتك ظلمت  
عن دینی.

خداوندا خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من  
نشناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت خداوندا رسولت را به من  
بشناسان که اگر به من معرفی نکنی حجت تو را نخواهم شناخت  
خداوندا حجتت را به من بشناسان که اگر به من نشناسانی از دین  
منحرف خواهم شد

این دعای شریف از ادعیه عظیم القدری است که اسرار آن از  
عقول ما خارج است. با اندکی تأمل در مضامین این دعا میتوان  
فهمید که امام‌شناسی مقدمه پیامبرشناسی و خداشناسی است و  
کسی که از این مقدمه حساس بهره‌ای نبرد در واقع طعم شیرین  
پیامبرشناسی و خداشناسی را هم نچشیده. این دعا از دو طریق  
روایی دیگر نیز از وجود مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه  
الشریف روایت شده که بحث فنی آن در این مقال نمی‌گنجد.

خدایا ما نیز گمگشته طریقیم در این دنیای وانفسا از گردابهای  
سهمگین گناه و تزویر و ریا به امامان (ابا صالح) پناه میبریم که  
خاتم الاوصیا و آخرین باقیمانده از جانب توست:

یا ابا صالح ارشدنا الی الطریق



«یا ابا صالح»

ابا صالح التماس دعا هر کجا رفتی یاد ما هم باش  
نجف رفتی، کاظمین رفتی، کربلا رفتی یاد ما هم باش  
مدینه رفتی به پابوس قبر مخفی مادرت زهرا  
به دیدار قبر مادر از کوچه‌ها رفتی یاد ما هم باش  
زیارت نامه که می‌خوانی بر مزار آن تربت خاموش  
به دیدار قبر بی شمع مجتبی رفتی یاد ما هم باش  
بغل کردی قبر مادر را جای ما هم او را زیارت کن  
به دیدار نینوا رفتی، کربلا رفتی یاد ما هم باش  
نماز حاجت که می‌خوانی از برای فرج مسجد کوفه  
شدی محرم در مناسک حج یا منی رفتی یاد ما هم باش  
دعا کردی از برای فرج التماس دعا یاد ما هم کن  
به هر جا رفتی برو مهدی هر کجا رفتی یاد ما هم باش  
شاعر - گمنام - یکی از عاشقان امام زمان (عج)

# فصل هفتم





## ● نظارت بر اعمال

- تحقیقی در قرآن کریم
- کلامی از علی علیه السلام
- مراحل شهادت

## نظارت بر اعمال

یکی از مهمتری اعتقادات شیعه، مسئله نظارت امام معصوم علیه السلام است، شیعه معتقد است که در هر عصر و زمانی یکی از حضرات معصومین علیهم السلام شاهد و ناظر بر اعمال ما هستند. وجود مقدس امام هادی علیه الصلوة و السلام در زیارت جامعه کبیره بدین مهم تصریح فرموده‌اند و بحق می‌توان گفت که این زیارت شریفه یک دائرة المعارف امام‌شناسی است. در فرازی از زیارت شریفه جامعه می‌فرمایند: ... و شُهَدَاءَ عَلِي خَلْقِهِ

یعنی شما ائمه علیهم السلام حجت‌های خداوند متعال بر خلقش هستید.

در فرهنگ گرانسنگ قرآن نیز از وجود مقدس صلی الله علیه وآله به عنوان گواه بر مردم یاد شده.

## تحقیقی در قرآن کریم

خداوند متعال در سوره مبارکه بقره - آیه ۱۴۳ می‌فرماید:  
- وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ  
يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا  
(همانگونه که قبله شما یک قبله میانه است) شما را نیز امت  
میانه‌ای قرار دادیم تا گواه بر مردم باشید و پیامبر هم گواه بر شما -



-سماعة نقل می کند که از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه: فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا (۱) ترجمه آیه: حال آنان چگونه است آنروز که برای هرامتی گواهی بر اعمالشان می خواهیم و تو را گواه اینها قرار دادیم.

امام صادق علیه السلام در جواب من فرمودند:

نزلت فی امة محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاصة، فی کل قرن منهم امامٌ منا شاهدٌ علیهم و محمدٌ صلی الله علیه و آله شاهد علینا. (۲)

این آیه فقط در شأن امت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده و در هر قرنی امامی از ما اهل بیت گواه خداوند بر مردم می باشد و پیامبر صلی الله علیه و آله گواه خداوند بر ماست. همچنین امام باقر علیه السلام در روایتی به سند صحیح فرمودند:

ما ائمه، امت میانه هستیم و ما گواهان خداوند بر خلقش و حجت های او در روی زمین هستیم. (۳)

بطور کلی با توجه به آیات و روایات شیعه این مطلب با ثبات رسید که ائمه هدی علیهم السلام همچون رسول گرامی اسلام صلی

۱- نساء ۴۱ پ

۲- کافی کتاب الحجۃ ص ۱۹۰ حدیث اول

۳- کافی کتاب الحجۃ ص ۱۹۰ حدیث ۴



الله علیه و آله شاهد بر اعمال و رفتار ما هستند. و در این مطلب نه تنها شیعیان بر اساس قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام اعتقاد راسخ دارند، حتی اهل سنت نیز بر این مطلب اذعان نموده‌اند.

- روی ابوالقاسم حسکانی فی شواهد التنزیل عن سلیم بن قیس عن علی علیه السلام:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى، أَيُّنَا عَنِي بِقَوْلِهِ: لِيَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلِيٍّ النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولَ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا - بقره ۱۴۳ فرسول الله شاهد علينا و نحن شهداء الله على خلقه و حججه في أرضه. (۱)

ابولقاسم حسکانی از علماء اهل سنت در کتاب شواهد التنزیل از علی علیه السلام حدیثی را نقل می‌کند که ذیل آیه ۱۴۳ سوره بقره فرمودند مراد از شاهدان ما اهل بیت هستیم، رسول خدا شاهد بر ما و ما شاهدان خداوند بر خلقش هستیم و حجتهای او در روی زمین. نکته قابل توجه آن است که مسئله عرضه اعمال به خدمت وجود مقدس حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای اثر تربیتی فوق العاده‌ای است.

شیعه عاشقی که می‌داند محبوبش هر لحظه او را از زیر نظر دارد و بر اعمال و رفتار او نظارت می‌نماید سعی می‌کند که در نحوه عملکرد خود دقت بیشتری داشته باشد.

- امام باقر علیه السلام فرمودند:

۱- تأویل الآيات الظاهرة - سيد علي حسيني الاسترآبادي (از علماء نیمه دوم قرن دهم) به نقل از شواهد التنزیل ج ۱ ص ۹۲



إِنَّ الْأَعْمَالَ تَعْرُضُ عَلَى نَبِيِّكُمْ عَشِيَّةَ الْخَمِيسِ فَلَيْسَتْ أَحَدَكُمْ أَنْ تَعْرُضَ عَلَى نَبِيِّهِ الْعَمَلَ الْقَبِيحَ. (۱)

تمامی اعمال شما بر پیامبرتان هر شب پنجشنبه عرضه می شود پس باید از اینکه عمل زشتی از شما بر پیامبر عرضه شود خجالت زده باشید.

- قال الرضا عليه الاف التحية والثناء.

وَ اللَّهُ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتَعْرُضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ. (۲)

وجود مقدس امام هشتم علیه السلام فرمودند:

به خدا سوگند که اعمال شما هر شب و روز بر من عرضه می شود.

البته مسئله عرضه اعمال در روایات به بیانهای متفاوتی وارد شده و بعضی از روایات روز پنجشنبه را روز عرضه اعمال بر پیامبر یا یکی از معصومین صلوات الله عليهم اجمعین می دانند بعضی دیگر هر روز صبح و عصر و در بعضی روز و شب را به عنوان وقت عرضه اعمال بیان داشته اند.

اما آنچه که مسلم است اینکه اعمال ما بر اساس روایات به معصومین و اکنون به وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه عرضه می شود و همانند گزارشی که کارمندان در ابتدای روز یا در پایان ساعت کاری و حتی هفتگی و ماهانه به ریاست شرکت یا هر

۱- ینابیع المعاجز - سید هاشم البحرانی ص ۱۰۱ - بحار الانوار ج ۲۳ ص ۳۴۳

۲- ینابیع المعاجز - سید هاشم البحرانی ص ۱۰۰



مؤسسه دیگری تقدیم می‌کنند، اعمال ما نیز مورد دقت قرار می‌گیرد. و در این زمان میان آن ذوات مقدسه نسبت به مؤمنان عنایتی ویژه و توجه خاص دارند.

لذا در زیارت روز جمعه خطاب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ناله سر می‌دهیم که:

... السلام عليك يا عينَ الله في خلقه (۱)

درود و سلام بر چشم خدا در بین مخلوقاتش

### کلامی از علی علیه السلام

در روایت وارد شده که شخصی بنام رمیله نقل می‌کند در زمان امیر المؤمنین علیه السلام سخت بیمار شدم تا آنکه روز جمعه قدری احساس سبکی کردم، با خودم گفتم بهتر است آبی به صورت زده و به امامت امیر المؤمنین علیه السلام نماز بخوانم، به مسجد رفتم هنگامی که حضرت بالای منبر می‌رفتند دو مرتبه حالم بد شد، هنگام بازگشت علی علیه السلام از مسجد به محله قصر تشریف بردند و من نیز ایشان را همراهی کرده و با ایشان به آن محله رفتم.

امیر المؤمنین علیه السلام به من فرمودند:

ای رمیله، دیدم از درد به خودت می‌پیچیدی!

گفتم: بله یا امیر المؤمنین و جریان بیماری خود را برای ایشان

۱- مفاتیح الجنان - مرحوم حاج شیخ عباس قمی - دعای روز جمعه روز حضرت صاحب الزمان (ع) ص ۵۹



تعریف کردم و از انگیزه حضور در نماز با آن حضرت سخن گفتم. حضرت فرمودند: یا رمیله لیس من مؤمن یمرض الّا مرضنا بمرضه و لایحزن الّا حزنا بحزنیه و لا یدعوا الّا امننا لدعائه و لا یسکت الّا و عوناله.

ای رمیله هیچ مؤمنی بیمار نمی‌شود مگر اینکه ما هم به خاطر بیماری او بیمار می‌شویم هیچ مؤمنی غمگین نمی‌شود مگر آنکه ما هم در غم او غمگین می‌شویم، و ناراحت نمی‌شود مگر آنکه ما هم در غم او غمگین می‌شویم و هیچ دعایی نمی‌کند مگر آنکه به دعای او آمین می‌گوئیم و سکوت نمی‌کند مگر آنکه ما برایش دعا می‌کنیم. عرضه داشتم یا امیر المؤمنین فدایت کردم این مطلب مربوط به کسانی است که با شما در این مکان هستند؟ اما کسانی که در اطراف و اکناف زمین زندگی می‌کنند چگونه؟

فرمودند: یا رمیله، لیس یغیب عنا مؤمنٌ فی شرق الارض و لافی غربها.

-ای رمیله هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین از ما غایب نیست. (۱)

نکته مهمی که ذیل این روایت قابل ذکر است آنکه این حدیث و احادیثی از این قبیل باید در باور انسان جای گرفته و بدان وجدان پیدا کنیم. در واقع این حقیقت فراگیر را با تمام وجود احساس کنیم.

۱- بصائر الدرجات ج ۱ باب ۱۶ ص ۲۸۰

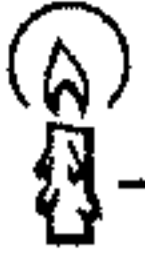


در این صورت غیبت برای ما به منزله مشاهده خواهد شد. و همواره خود را در محضر آن ولی الهی احساس خواهیم کرد. امام سجاد علیه السلام به ابو خالد کابلی می فرمایند:  
یا ابا خالد، انّ اهل زمان غیبتہ القائلین با مامتہ و المنتظرین لظهوره افضل من اهل کلّ زمانٍ، لانّ الله تبارک و تعالی اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفة ما صارت به الغیبة عندهم بمنزلة المشاهدة. (۱)

- امام سجاد علیه السلام به ابا خالد کابلی می فرمایند:  
ای ابا خالد همانا مردم در زمان غیبت او که اعتقاد به امامتش دارند و در انتظار ظهورش هستند از مردم همه زمانها بهترند، زیرا خدای تبارک و تعالی چنان عقل و فهم و معرفتی به آنها عنایت فرموده که غیبت برای آنها به منزله دیدن حضوری شده است.  
دقت در مضمون روایت فوق مطالب عمیقی از زلال حکمت اهل بیت علیهم السلام را بر ما روشن می دارد، شیعه معتقد و عاشق دلباخته امام زمان می تواند به مرحله ای از فهم و درک عالی برسد که غیبت برای او به منزله مشاهده حضوری و در خدمت امام زمان روحی له الفداء بوده باشد. یعنی در عالیترین رتبه های امام شناسی به مرحله ای نائل گردد که گویا در حضور امام بسر می برد همانگونه که ذکر شد وجدان به این مطلب و رسیدن به این مقصد، بسیار مهم

۱- کمال الدین - باب ۳۱ حدیث ۲ اثر مرحوم صدوق متوفی (۳۸۱ هـ ق)





است یعنی واقعاً امام را ناظر بر اعمال و رفتار خود بدانیم و از اعمال زشتی که مورد مشاهده او قرار می‌گیرد خجالت زده باشیم. وجود مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در توفیق مبارکشان خطاب به شیخ مفید رحمه الله تعالی علیه می‌فرمایند:

فانّا نحیط علماً با بانباتکم و لا یعزب عنّا شیء من اخبارکم... انّا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم. (۱)

ما به آنچه به شما می‌گذرد احاطه علمی داریم و هیچیک از خبرهای شما از ما پوشیده نیست... ما نسبت به رعایت حال شما اهمال نمی‌کنیم و یاد کردن شما را فراموش نمی‌کنیم.

-ابو بصیر نقل می‌کند که با حضرت باقر علیه السلام داخل مسجد شدم در حالیکه مردم آمد و شد می‌کردند حضرت به من فرمودند از مردم سؤال کن که آیا مرا می‌بینند؟

هر کس از آنجا ردّ می‌شد از او می‌پرسیدم آیا ابوجعفر علیه السلام را ندیدی؟ می‌گفت:

نه، در حالیکه ایشان در کنار من ایستاده بودند.

تا اینکه ابوهارون نابینا (مکفوف) وارد شد، حضرت فرمودند:

از این پرس، گفتم آیا ابوجعفر علیه السلام را ندیدی؟

گفت مگر نه همین است که اینجا ایستاده؟ گفتم: از کجا دانستی؟

گفت: چطور ندانم در حالیکه او نوری درخشنده و تابناک

۱- احتجاج طبرسی (ره) ج ۲ ص ۳۲۳



است؟

ابو بصیر می‌گوید شنیدم که آن حضرت به مردی از اهل افریقا می‌فرمودند:

- حال راشد چطور است؟

پاسخ داد: او زنده و با عقیده صحیح است، او را ترک می‌گفتم در حالیکه به شما سلام می‌رساند

حضرت فرمودند: خدا او را رحمت کند.

گفت: مگر او به رحمت خدا رفته است؟

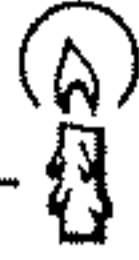
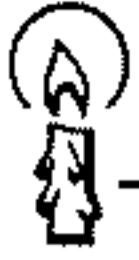
- فرمودند: بله، پرسید چه موقع؟ حضرت فرمودند: دو روز پس از خارج شدن تو آن مرد گفت به خدا قسم که او بیمار نبوده و هیچگونه ناراحتی نداشت.

ابو بصیر می‌گوید: من پرسیدم، آن مرد که بود؟ حضرت پاسخ دادند: یکی از افراد معتقد به ولایت و از دوستان ما بود.

و فرمودند: اگر فکر می‌کنید که ما نسبت به شما دیدگانی بینا و گوشه‌ایی شنوا نداریم بد تصور کرده‌اید.

به خدا قسم که هیچیک از اعمال شما بر ما مخفی نیست، پس همه ما را حاضر بدانید و خود را به کارهای خوب عادت دهید و از اهل خیر باشید تا بدان شناخته شوید که من فرزندان شیعیان خود را به آن سفارش می‌کنم. (۱)

۱ - خرائج مرحوم راوندی ص ۹۲ به نقل از مقاله حجة الاسلام و المسلمین علی اسماعیلی با عنوان عرض اعمال ویژه‌نامه صبح وصال - شعبان ۱۴۱۸ هـ ق - صفحه



## «مراحل شهادت»

خداوند متعال عالم الغیب و الشهادة است، او شاهد و ناظر بر اعمال ماست و به پنهان و آشکار ما اطلاع دارد. در قرآن کریم می فرماید: و الله علی کل شیء شهید.

و شاهد چون در محلی حضور پیدا کرده و تحمل شهادت نموده، شهید نامیده می شود در واقع شهادت دارای دو مرحله است.

الف) مرحله تحمل شهادت

ب) مرحله اِواء.

بدین معنا که فردی را که بناست به مطلبی شهادت بدهد باید به متن آن موضوع وارد باشد و آن موضوع را به چشم خود مشاهده نموده باشد که این مرحله را مرحله تحمل شهادت می گویند تا هنگامی که بیاید و نزد قاضی رسیده و اِواء شهادت کند.

در مورد افراد عادی باید گفت که به ظاهر مطلبی شهادت می دهند و بر اساس حجیت ظواهر شهادت آنان بر اساس قوانین مشروعه قضا مورد قبول است یعنی چیزی را که دیده اند شهادت می دهند.

افراد عادی هرگز نمی توانند از واقع مطلب و به عبارت دیگر کنه مطلب اطلاع پیدا کنند.

به بیان دیگر باید گفت شهادت یک مفهوم کلی است که دارای مراتبی است و برترین مرتبه آنرا فقط خداوند و ذوات مقدسه معصوم علیهم السلام درک می کنند این مطلب نیز حکمتی دارد که



با دقت در آن می توان به مطالب نابی رسید.

اگر خداوند متعال و معصومین علیهم السلام شاهد بر اعمال ما هستند (به عنوان عالی ترین مرحله تحمل و درک شهادت) بدان جهت است که مظهر ستار العیوبی بوده و هرگز گنه مطلب و مافی الضمیر افراد را به دیگری بازگو نخواهند نمود.

بسیاری از افرادی که به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می رسیدند چه بسا پیامبر و تعالیم آسمانی اسلام را قبول نداشتند و در باطن منافقانی بودند که در لباس مسلمین و متدینین خدمت پیامبر رسیده و چه بسا خیلی هم اظهار مسلمانی نموده و حتی پیامبر با آنان همسفره می شدند، در صورتی که از ضمیر آنان با خبر بودند و از آنچه در قلب آنان می گذشت اطلاع کافی داشتند، برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله با ابوسفیان بعد از اسلام آوردن، برخورد با یک فرد عادی مسلمان بود، همینطور برخورد با ولید و یا بسیاری از افرادی که بعداً معلوم شد که در قلب سیاهشان چه می گذشت؟

پس اگر معصوم از جانب خدا از قلب مردم و اعمال و رفتار آنان مطلع باشد باکی نیست چون، مظهر ستر الهی بوده و هرگز موجبات خجلت و بی آبرویی دیگران را فراهم نخواهد آورد.

ضمن آنکه هرگز چنین درکی به دیگران تفویض نشده و احدی از چنین ادراکی معادل معصوم برخوردار نخواهد بود. اما اطلاع معصوم از احوال و اعمال ما دارای فوایدی بسیار مهم است.



الف) اگر امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف از اعمال و رفتار ما مطلع باشند در مصائب و مشکلات زندگی با دست غیبی خود مشکل گشای ما خواهند بود و بطور مستقیم و یا غیر مستقیم به یاری ما خواهند شتافت که در این مورد مطالب فراوانی در کتب مفصله از جمله نجم الثاقب مرحوم آیت الله نوری رحمة الله تعالى علیه همچنین دار السلام مرحوم آیت الله شیخ محمود میثمی عراقی (ره) و کتب دیگر که در مورد عنایات امام عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف به شیعیان و درماندگان می باشد، وارد شده در این کتب مشاهده می کنیم که حضرات معصومین علیهم السلام افرادی از سایر ملل را نیز مورد عنایت ویژه قرار داده اند.

ب) اطلاع آن حضرت از امور خیر و اعمال نیک باعث جلب رضایت ایشان شده و حتماً با دعای خیرشان باعث تأیید بیش از پیش اعمال و رفتار نیک خواهند بود. بسیاری از تشرفات نقل شده نیز حاکی از این مورد است.

ج) بطور کلی بررسی هفتگی یا روزانه باعث دقت بیشتر ما شده و از طریقی دارای اثر تربیتی بسیار مثبتی خواهد بود اگر بدانیم اعمال ما مورد دقت آن امام بزرگوار خواهد بود حتماً سعی خواهیم داشت عملی مطابق رضایت معصوم را در پرونده اعمال ثبت کنیم. خاصه اینکه دعای خیرش برای ما از هر چیز مهمتر است و باعث توفیق بیش از پیش ما خواهد شد

- وجود مقدس حضرت حجة بن الحسن عجل الله تعالى فرجه در توقیعی به مرحوم شیخ مفید (ره) فرمودند:



-... انا غير مهملين لمراعاتكم و لا نا سين لذكرکم (۱)  
 همانا در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از  
 خاطر نمی‌بریم  
 امید آنکه تمام اعمال ما مورد رضایت آن حضرت بوده و لحظه  
 به لحظه در جلب رضایتش بکوشیم که رضایت امام برترین توفیق  
 برای هر سالک و پوینده راه حق خواهد بود.  
 در پایان به عنوان ختامة مسک به فرازی از فرمایش علی علیه  
 السلام خطاب به رمیله اشاره می‌کنیم و آن کلام نورانی را آویزه  
 گوش خود کرده و با تأمل در آن اعمال خود را مورد دقت و بررسی  
 قرار خواهیم داد.

که علی علیه السلام خطاب به رمیله فرمودند...

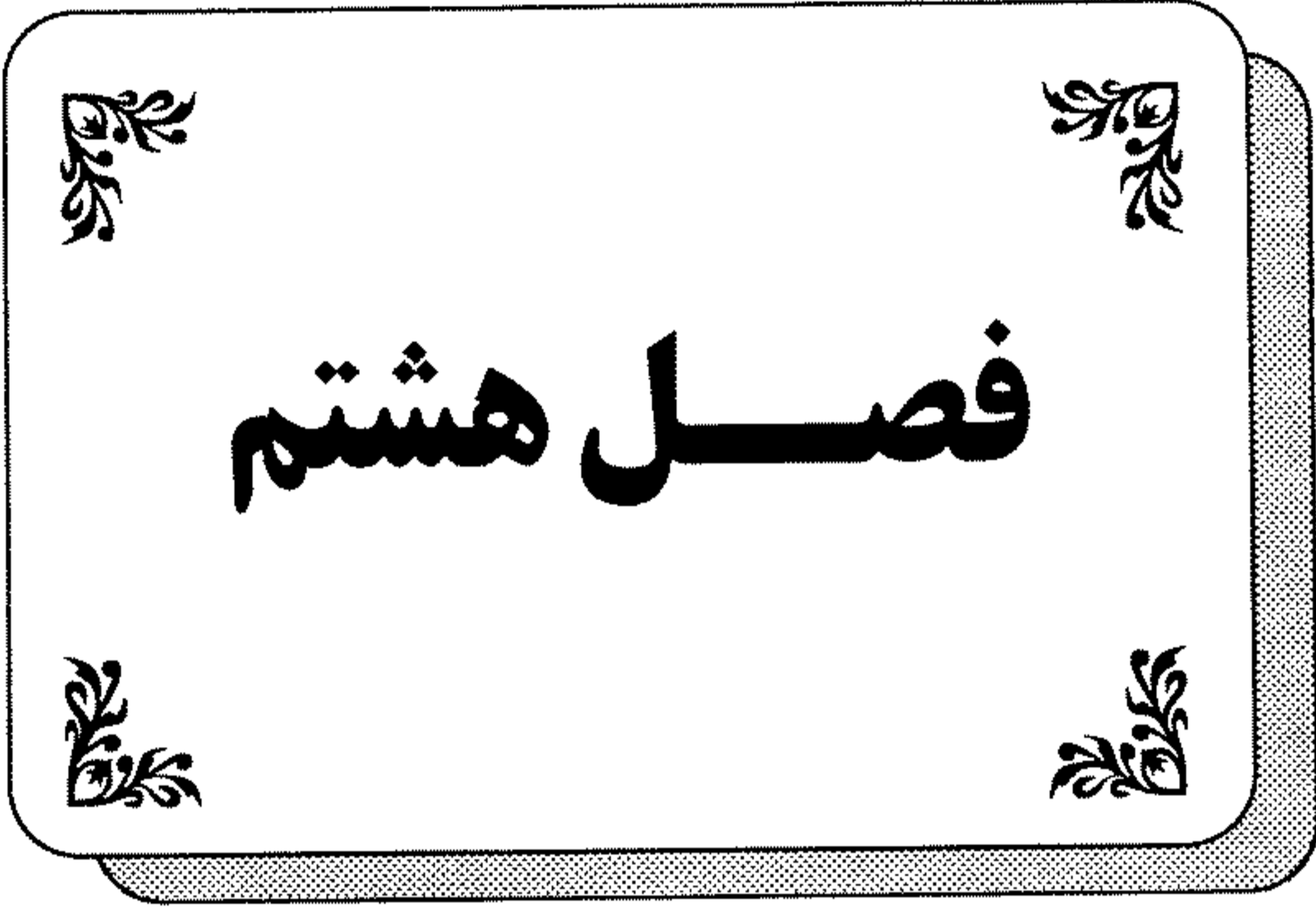
-... یا رمیلة لیس من مؤمن یمرض الا مرضنا بمرضه و لا یحزن الا  
 حزنا بحزنه و لا یدعوا الا امانا لدُعائه و لا یسکت الا دعوناله  
 -... یا رمیله لیس ینیب عنا مؤمن فی شرق الارض و لا فی  
 غربها. (۲)



یوسف گمگشته باز آید زکنعان غم مخور  
 کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور  
 دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نگشت  
 دائماً یکسان نگردد چرخ دوران غم مخور

۱- بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۷۵ - احتیاج ج ۲ ص ۳۲۳

۲- بصائر الدرجات - محمد بن الحسن الصفار ص ۲۸۰



# فصل هشتم

آنچه خوبان همه دارند تو یکجا داری  
- پیراهن ابراهیم خلیل علیه السلام  
- عصای حضرت موسی علیه السلام  
- انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام  
- تابوت سکینه  
- یاران مهدی (عج)

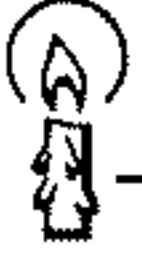


جان می‌دهم از حسرت دیدار تو چون صبح  
باشد که خورشید درخشان بدرآیی  
چندان چو صبا بر تو گمارم دم همت  
کز غنچه چو گل خرم و خندان به در آیی  
در تیره شب هجر تو جانم به لب آمد  
وقت است که همچون مه تابان به در آیی  
بر رهگذرت بسته‌ام از دیده دو صد جوی  
تا بلکه تو چون سرو خرامان به در آیی  
حافظ مکن اندیشه که آن یوسف مه رو  
باز آید و از کلبهٔ احزان به در آیی

### « آنچه خوبان همه دارند، تو یکجا داری »

بر اساس اخبار و روایات حضرت حجة الله البالغه عجل الله  
تعالی فرجه الشریف به هنگام ظهور پیراهن ابراهیم خلیل علیه  
السلام، عصای حضرت موسی علیه السلام و انگشتر حضرت  
سلیمان علیه السلام و تابوت سکینه را همراه خود دارند.  
شاید این سؤال به ذهن بیاید که آیا موارد مذکور خاصیت  
منحصر به فردی دارند، یا آنکه به عنوان سمبل و نشانه همراه ایشان  
است؟

شکی نیست که تمام این موارد، نشانگر شناخت آن حضرت



برای کسانی است که قادر به شناخت ایشان نیستند، لیکن با اندکی دقت در روایات و آیات قرآنی و تفاسیری که ائمه هدی علیهم السلام، ذیل آیاتی از قرآن بیان فرموده‌اند، علت خاصی دنبال شده است.

به بیان دیگر همراهی این موارد با ایشان علاوه بر نشانه بودن، به خاطر خاصیت منحصر به فرد آنان نیز هست. که اینک به بیان هر یک خواهیم پرداخت.

### «پیراهن ابراهیم خلیل علیه السلام»

این پیراهن، لباسی بهشتی است، مرحوم طبرسی (ره) در تفسیر گرانسنگ مجمع البیان می‌فرمایند:

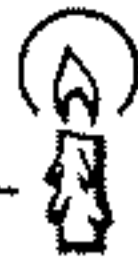
این پیراهن، پیراهنی بهشتی و بی نهایت خوشبو و شفا بخش است، که بویش از فرسنگها راه به مشام می‌رسد، چنانچه حضرت یعقوب علیه السلام بوی همین پیراهن را از هشتاد فرسنگ راه استشمام نموده است. (۱)

این پیراهن یک پیراهن معمولی نیست بلکه پیراهنی معجزه آساست

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمودند:

می‌دانی پیراهن یوسف چه بود؟

۱- تفسیر مجمع البیان ج ۵ ص ۲۶۲



گفت: نه

حضرت فرمودند: وقتی آتش برای سوزاندن ابراهیم علیه السلام افروختند جبرئیل آمد و این پیراهن را آورد و بر او پوشانید و تا آنرا پوشیده بود گرما و سرما در وی اثر نمی کرد.

چون وفات او نزدیک شد آنرا در جلدی پیچیده و به اسحاق آویخت و اسحاق نیز به یعقوب و چون یوسف متولد شد یعقوب آنرا به یوسف آویخت (احتمال می رود این پیراهن بسیار نازک بوده باشد که جمع شده آن در جلدی قرار گرفته و به دیگری تحویل داده شود)

هنگامیکه آن بلاها به یوسف رسید آن جلد، در بازوی او بود و موقعی که یوسف در مصر آن پیراهن را از میان آن جلد بیرون آورد، یعقوب در کنعان بوی آن را استشمام کرد و گفت:

إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يَوْسُفَ لَوْلَا أَن تَفَنِّدُونَ (۱)

همانا من بوی یوسف را استشمام می کنم اگر مرا کم خرد ندانید. مفضل در ادامه روایت می گوید: پرسیدم قربانت گردم بعد از یوسف این پیراهن به چه کسی رسید؟

فرمودند: به اهلش رسید و هنگامیکه قائم ما قیام می کند با او خواهد بود (۲)

۱- سوره یوسف آیه ۹۴

۲- بحار الانوار - علامه مجلسی (ره) ج ۵۲ ص ۳۲۷ - خصائص المهدی - محمد راجی



بدیهی است، اینکه امام فرمودند این پیراهن به اهلش رسیده، پیامبران بعدی تا حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و پس از ایشان، یکایک ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و در حالیکه مفضل با امام صادق علیه السلام صحبت می کند این پیراهن نزد ایشان است. چون:

از یعقوب بن شعیب روایت شده که امام صادق علیه السلام به من

فرمودند می خواهی پیراهن قائم را که در آن پیراهن قیام می کند به تونشان دهم؟

عرضه داشت بله می خواهم آنرا بینم.

امام دستور فرمودند جعبه ای آوردند، حضرت درب آنرا گشوده و یک پیراهن کرباس از داخل جعبه بیرون آوردند و آنرا باز کردند، و دیدم آستین چپ آن خون آلود است.

حضرت فرمودند: این پیراهن پیامبر است، روزی که دندان مبارکشان را شکستند این پیراهن را به تن داشتند و قائم ما نیز در روز ظهورش این پیراهن را به تن می کند.

یعقوب بن شعیب می گوید: من آن خون خشکیده را بوسیدم و آنرا به صورت خود مالیدم و بعد حضرت پیراهن را پیچیده و برداشتند. (۱)

۱- خصائص المهدی - محمد راجی ص ۳۰۱ (با اندکی تغییر) - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۵۵



این پیراھن از ویژگیهای خاصی برخوردار است. علاوه بر بوی خوش، پیراھن بهشتی است که المهدی طاووس اهل الجنة، در ضمن جنبه عایق بودن و شفا بخش بودن آنست که نکته بسیار حائز اهمیتی است.

قرآن کریم می فرماید: یعقوب در فراق یوسف دیدگان خود را از دست داده و نابینا شد.

- وَأَبْيَضْتُ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ (۱)

یعنی: دیدگانش از غم و اندوه سفید شد.

این پیراھن در واقع وسیله‌ای برای شفای چشمان نابینای یعقوب بود که بنا به نقل مرحوم طبرسی (ره) در مجمع البیان، شش سال نابینا بود و هنگامیکه یوسف خود را به برادران معرفی کرد و از حال پدر جو یا شد.

گفتند: پدر، چشمانش را از دست داد که یوسف فرمود:

- اذھبی بقمیصی هذا فالقوہ علی وجه ابی یأت بصیرا

این پیراھن مرا ببرید و بر صورت پدرم بیاندازید که بینا می شود. با حرکت قافله از جانب مصر به طرف کنعان، یعقوب فرمود که بوی یوسف را استشمام می کنم اگر به من نسبت بی عقلی ندهید (۲)  
این در حالی بود که فاصله سرزمین مصر تا کنعان بنا بر نقل مجمع البیان هشتاد فرسنگ راه بود.

۱- سورة یوسف آیات ۸۴ و ۹۳

۲- مضمون آیه قرآن سورة یوسف آیه ۹۴



فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقِيَهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَأَرْتَدَّ بِصِيرًا (۱)  
چون بشیر آمد پیراهن را به صورت یعقوب علیه السلام افکند. و  
او بلافاصله بینا شد.

و بنا به نقل قرآن کریم فرمود:

أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۲)

آیا به شما نگفتم من از خداوند چیزهایی سراغ دارم که شما  
نمی دانید؟!

ذیل این آیه این نکته ضروری می نماید که عیناً از کتاب  
خصائص المهدی ذیل همین بحث بیان می شود.

(باید خطاب به بعضی عرض کنیم) شما که این آیات را در قرآن  
می خوانید، و آنرا قبول داشته و می پذیرید، چگونه به خود اجازه  
می دهید و می گوئید: شفا خواستن از تربت پاک و مطهر امام حسین  
علیه السلام شرک است.

جایی که پیراهن یوسف شفا بخش است، چگونه می شود که  
تربت پاک اباعبدالله الحسین علیه الصلوة و السلام که آغشته به  
خون مطهر آن حضرت است شفا بخش نباشد؟! (۳)

«عصای حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام»

در بعضی از روایات وارد شده که هنگام ظهور آن حضرت،

۱- سورة یوسف آیه ۹۶ ۲- یوسف ۹۶

۳- خصائص المهدی (عج) - محمد راجی ص ۳۰۳



عصای موسی علیه السلام نیز همراه ایشان است.  
مرحوم علامه مجلسی (ره) در بحار الانوار از امام باقر علیه  
السلام روایت می‌کند

- عن محمد ابن الفيض، عن محمد ابن علی علیه السلام قال: كان  
عصی موسی علیه السلام لآدم، فصارت الی شعيب، ثم صارت الی  
موسی بن عمران علیه السلام و انّها لعندنا، و انّ عهدی بها آنفاً و هی  
خضراء کهیثتها حین انتزعت من شجرها، و انّها لتنطق اذا استنطقت،  
اعدت لقائنا لیضع کما کان موسی یصنع بها، و انّها لتروع و تلقف  
مایاً فکون و تصنع کما تؤمر، و انّها حیث اقبلت تلقت ما یأ فکون  
تفتح لها شفتان (خ ل: شعبتان) احد یهما فی الارض و الاخری فی  
السقف و بینهما اربعون ذراعاً، و تلقف ما یأ فکون بلسانها. (۱)

عصای موسی اول در دست آدم بود، و بعد به دست شعيب  
رسید و سرانجام به دست موسی بن عمران و اکنون در دست  
ماست. و اکنون در دست من است و سبزا است همانند روزی که از  
درخت بریده شده، هر گاه با این عصا سخن بگوئیم، صحبت  
می‌کند این عصا برای قائم ما آماده شد که همچون موسی بن عمران  
آنرا بکار می‌برد! این عصا اهل باطل را می‌ترساند و هر چه بیاندازند  
می‌بلعد و آنچه حجت خدا فرمان دهد اطاعت می‌کند و هر گاه به  
طرف او رو کنی او به جانب تو بر می‌گردد هر چه به طرفش

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۱۸ حدیث ۱۹ - کافی ج ۱ ص ۲۳۱ - کمال الدین  
ج ۲ ص ۳۹۱



بیاندازند می بلعد دو دهان باز می کند (در بعضی از نسخه ها وارد شده به دو شعبه می شود) که یکی روی زمین و دیگری تا سقف است که بین آن دو لب (یا دو شعبه) چهل ذرع است، و هر چه به طرفش بیاندازند با زبان خواهد بلعید.

در قرآن کریم به بزرگی این عصا اشاره شده که این عصا به اذن خداوند متعال اژدها شد و آنچه که جادوگران از ریسمانها و چوبها به شکل مار در آورده بودند را بلعید و با چشمان دهشتناک خود متوجه کاخ فرعون شد، این اژدها با دیده غضب آلود و صدای دهشتناکی که داشت به دربار فرعون حمله کرد، فرعون بی هوش شد و از ترس خود را خراب کرد...<sup>(۱)</sup>

بر اساس نقل کتاب خصائص المهدی، این حمله سبب شد که تلفات عصای موسی بیشتر شود و تماشاچیان که از اطراف و اکناف به دستور فرعون جمع شده بودند فرار کنند. در حین فرار، هزاران نفر زیر دست و پا لگد مال شدند که بنابه نقل ناسخ التواریخ<sup>(۲)</sup> تعداد مقتولین هشتصد هزار و بنابر نقل کتاب روضة الصفا<sup>(۳)</sup> تعداد کشتگان ششصد هزار نفر بوده است.

از هشتاد هزار جادوگر، هفت هزار و از میان هفت هزار نفر، هفتاد نفر فرعون برای مصاف با موسی علیه السلام انتخاب کرده بود، این

۱- کودک نیل ص ۱۳۸ - بحار الانوار ج ۳ ص ۱۵۰ - خصائص المهدی

ص ۳۰۵ ۲- جزء اول هبوط ص ۳۷۵

۳- روضة الصفا ج ۱ ص ۲۶۶





هفتاد نفر، هیئت رئیسه خود را انتخاب کردند، هیئت رئیسه اینان که دو نفر برادر کهنه کار بودند بر سر قبر پدر خود آمده و روح او را احضار کرده و گفتند این ساحران جدید بدون لشگر و اسلحه فرعون را تحت شکنجه و فشار قرار داده‌اند، این دو برادر فقط عصای کوچکی دارند که به زمین می‌اندازند، و این عصا آثار شگفت‌انگیزی از خود نشان می‌دهد که همه را مات و مبهوت می‌کند!

روح پدر گفت: اگر عصای آنان فقط در بیداری اثر می‌کند آنان جادوگرند و می‌توانید بر آنها پیروز گردید، و اگر در حال خواب نیز اثر دارد مامور خدا هستید و هرگز نمی‌توانید با آنان مبارزه کنید. وقتی موسی و هارون خوابیده بودند این دو برادر آمدند تا عصا را امتحان کنند عصا به شکل مار شد و به آنان حمله کرد، لذا آن دو برادر فهمیدند که سحر نیست و معجزه است<sup>(۱)</sup>

صد البته فقط این عصا برای فتح عالم و سرنگونی کاخ فرعونیان جهان بدست امام زمان عجل الله تعالی فرجه کافی است.

### «انگشتر حضرت سلیمان»

دیگر از ویژگیهای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آنست که در هنگام ظهور انگشتر حضرت سلیمان را بدست دارند.

۱- خصائص المهدی ص ۳۰۶ - بحار الانوار ج ۱۳ ص ۱۶۸ - کودک نیل ص



- خواص انگشتر سلیمان

یکی از خواص مهم انگشتر سلیمان آن بود که کافران و مؤمنان را می‌شناخت در واقع تماس این انگشتری با مردم، ماهیت آنان را بروشنی هویدا می‌ساخت و همانند سنگ محک زنی که عیار طلا را روشن می‌کرد، مؤمن یا کافر بودن هر کس را نشان می‌داد.

علی علیه السلام می‌فرماید:

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) از سمت صفا ظاهر می‌شود. در حالیکه انگشتر سلیمان و عصای موسی علیه السلام با اوست.

- قال الصادق علیه السلام

جعل الله عزوجل ملك سليمان عليه السلام في خاتمه فکان اذا لبسه حضرته الجن و الانس و الشیاطین و جمیع الطیر و الوحش و اطاعوه.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

خواص انگشتر سلیمان که خداوند سبحان پادشاهی سلیمان را در انگشترش قرار داده این بود، که هرگاه آن انگشتر را در دست می‌کرد جمیع جنّ و انس و شیاطین و مرغان هوا و وحشیان صحرا نزد او حاضر می‌شدند و از او اطاعت می‌کردند.<sup>(۱)</sup>

در روایتی از وجود مقدس علی علیه السلام می‌خوانیم.

تَضَعُ الخاتمَ علی وجه کلّ مؤمن فیطبع فیهِ، هذا مؤمنٌ حقاً و

۱- بحار الانوار ج ۱۴ ص ۹۹



تَضَعُهُ عَلِيٌّ وَجْهَ كُلِّ كَافِرٍ فَيَكْتُبُ فِيهِ هَذَا كَافِرٌ حَقًّا حَتَّى أَنْ الْمَوْمِنَ  
لِيُنَادِيَ: طُوبَى لَكَ يَا مَوْمِنٌ وَ دَدْتُ أَنْيَ الْيَوْمَ مِثْلَكَ فَافُوزَ فَوْزًا.<sup>(۱)</sup>

یعنی: امام زمان علیه السلام هر گاه انگشتر را بر روی هر کافری بگذارند نوشته می شود این حقیقتاً کافر است، تا جایی که مؤمن صدا می زند ای کافر وای بر تو، و کافر داد میزند ای مؤمن خوشا به حالت دوست داشتم من هم امروز مثل تو بودم تا به چنین سعادتت برسم.

در بعضی از روایات نیز از علی علیه السلام به دابة الارض تعبیر شده که به هنگام ظهور بر می گردند (رجعت می کنند)، از جمله در نهج البلاغه علی علیه السلام از خود به دابة الارض تعبیر فرموده اند. ولی در این حدیث، علی علیه السلام از علامات ظهور سخن می گویند و نمی فرمایند مراد از دابة الارض منم، و العلم عند الله

### «- تابوت سکینه»

بر اساس روایات تابوت سکینه یابه عبارت دیگر صندوق عهد در اختیار آن حضرت است و هنگام ظهور به همراه ایشان است. ابن عباس می گوید:

تابوت همان صندوقی بود که مادر موسی او را در آن گذاشت و به دریا افکند و وقتی که بوسیله عمال فرعون از دریا گرفته شد و موسی

۱- بحار الانوار علامه مجلسی ج ۵۲ ص ۱۶۴ قسمتی از روایت ۲۶



را از آن بیرون آوردند، همچنان در دستگاه فرعون نگهداری می شد و سپس به دست بنی اسرائیل افتاد، بنی اسرائیل این صندوق خاطره انگیز را محترم می شمردند، و به آن تبرک می جستند.

موسی در واپسین روزهای عمر خود الواح مقدس که احکام خدا بر آن نوشته بود به ضمیمه زره خود و یادگارهای دیگری را در آن نهاد و به وصی خویش «یوشع بن نون» سپرده، و به این ترتیب اهمیت این صندوق در نظر بنی اسرائیل بیشتر شد، لذا در جنگهایی که بین آنان و دشمنان واقع می شد، آنرا به همراه خود می بردند و این تابوت اثر روانی و معنوی خاصی در آنها می گذارد لذا گفته اند تا زمانی که این صندوق خاطره انگیز با آن محتویات مقدس در میان آنان بود، با سر بلندی زندگی می کردند، ولی تدریجاً مبانی دینی آنها ضعیف شد و دشمنان بر آنها چیره شدند و آن صندوق را گرفتند. (۱)

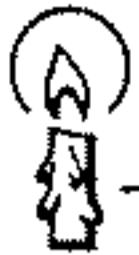
-رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند:

إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَسْتَخْرِجُ تَابُوتَ السَّكِينَةِ مِنْ غَارِ انْطَاكِيَةِ وَ أَسْفَارَ التَّوَارَةِ مِنْ جَبَلِ بِالشَّامِ يُحَاجُّ بِهَا الْيَهُودَ فَيُسَلِّمُ كَثِيرٌ مِنْهُمْ. (۲)

بدیهی است هنگامیکه یهودیان و مسیحیان با توجه به وعده هایی که در دینشان به آنان داده شده به حقانیت اسلام و رهبری مصلح کل ایمان آورده و مسلمان خواهند شد.

۱- تفسیر نمونه ج ۲ ص ۱۷۴ - خصائص المهدی ص ۳۰۹

۲- منتخب الاثر - آیت الله صافی گلپایگانی ص ۳۰۹



یهودیان با دیدن تابوت سکینه و اوصافی که از آن می‌دانند و مسیحیان با دیدن عیسی در پشت سر امام زمان (عج) در حال نماز به اسلام مشرف شده و به حکومت واحد جهانی به رهبری مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایمان خواهند آورد.

«مسترهاکس» در کتاب قاموس مقدس درباره آن سخنها گفته و پاره‌ای از الواح و احکام عشره را جزء محتویات این تابوت دانسته است.

-خواص تابوت سکینه:

از خواص منحصر به فرد تابوت سکینه آنست که آنرا به هر شهری بفرستند تمام شهر را طعمه حریق می‌سازد و به هر کشوری آنرا ارسال کنند، از جغرافیای جهان محو خواهد نمود.

بدین صورت خدای مٔان مهدی عجل الله تعالی فرجه را با عصای موسی و تابوت سکینه مجهز ساخته که دیگر تسلیحات قرن حاضر در برابر آن هرگز قادر به واکنش نخواهند بود.<sup>(۱)</sup>

بر اساس بعضی از روایات اسب و شتر و دُلْدُل و براق و پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله و همچنین اسلحه‌های آن حضرت و مصحف مخصوص امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز نزد آن حضرت است.<sup>(۲)</sup>

۱- خصائص المهدی - محمد راجی ص ۳۱۰ - روزگار رهایی ج ۱ ص ۵۲۰  
 ۲- بحار الانوار ج ۵۳ ص ۳۶ - امام زمان امید شایستگان اثر محمد محمدی اشتهاردی



لازم به ذکر است که علی علیه السلام فرمودند اصحاب مهدی همه جوانند و پیر در آنها یافت نمی شود جز همانند سرمه در چشم و نمک در غذا و کمترین چیز در غذا نمک است.<sup>(۱)</sup>

### یاران مهدی (عج)

یاران مهدی افراد خاصی هستند که در بعضی از روایات به آنان اشاره شده این یاران به قدری مخلص و مقرب درگاه الهی هستند که هر چه را اراده کنند انجام خواهد شد. و در واقع سیصد و سیزده نفر یاران خاص آن حضرت از ویژگیهای خاصی برخوردارند.

نکته جالب توجه اینکه در وصف یاران حضرت واژه‌هایی چون اوتاد - عصائب و ابدال، نجباء و رفقاء و اعاجم ذکر شده اوتاد: بر اساس روایات سی نفر هستند که همواره در خدمت امام می باشند و هر کدام از دنیا برود شخص شایسته دیگری جای گزین او خواهد شد.<sup>(۲)</sup> اوتاد جمع وَتَد به معنای میخ است که کنایه از استواری آنان است.

عصائب: یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه در عراق هستند که به هنگام ظهور خود را به مکه می رسانند عصائب جمع عُصْبَه به معنای جوانمردان رشید و نیرومند است.

ابدال: که یاران آن حضرت در شام هستند هنگام ظهور خود را به

۱- اثبات الهداة ج ۷ ص ۳۷

۲- غیبت شیخ طوسی ص ۱۰۲



مکه می‌رسانند. آنان جمعی از صالحان هستند که همواره در زمین هستند که هرگاه یکی فوت کرد خداوند شخص صالح دیگری جای آن می‌گمارد این افراد چهل و یا هفتاد نفر هستند که در شام و یا سی نفر در جای دیگر<sup>(۱)</sup>

نجبا: یاران مهدی (عج) از مصر هستند - و در بعضی روایات از کوفه هستند. (بحار ۵۲) نجبا جمع نجیب به معنی افراد پاک سرشت است.

رفقا: یاران مهدی (عج) از کوفه هستند که خود را از کوفه به مکه می‌رسانند.

اعاجم: یاران حضرت از غیر ممالک عربی هستند.

از خصوصیات اصحاب آن حضرت اینکه هرگز از چیزی نمی‌ترسند و به تعبیر قرآن کریم لا یخافون لومة لائم - که در تفاسیر به یاران حضرت تعبیر شده.

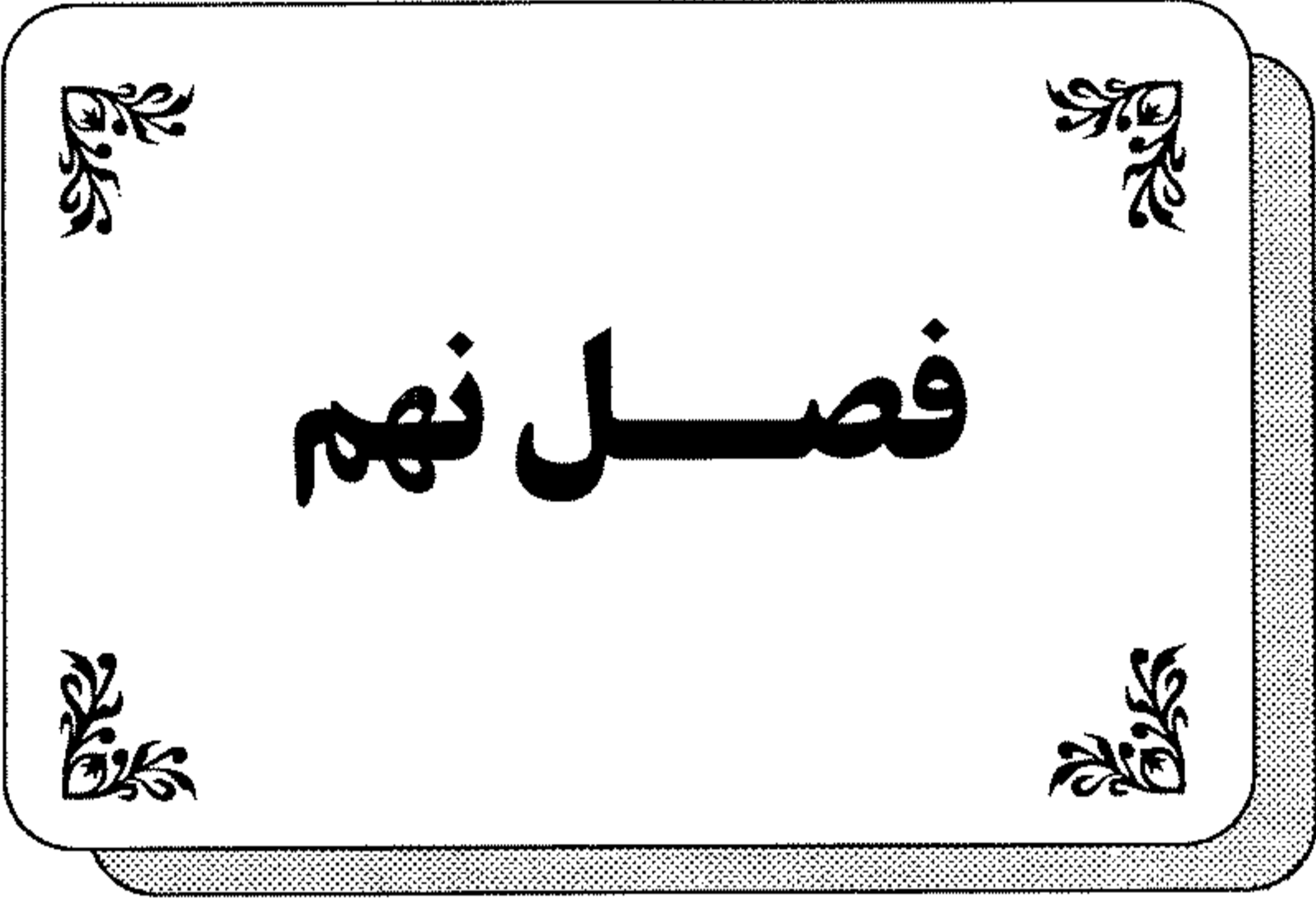
در روایتی از فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام صفات زیبایی از یاران مهدی (عج) بیان شده از جمله اینکه؛ اگر به کوهها حمله کنند آنها را از جا در می‌آورند. هیچ شهری مقصد پرچمهای آنان واقع نمی‌شود مگر آنکه ویرانش می‌کنند... کاملاً مطیع امام خود هستند، شب زنده‌دارند... خدا ترس و در آرزوی شهادتند شعارشان یا لثارات الحسین است و...<sup>(۲)</sup>

۱- مجمع البحرین ماده بدل - امام زمان امید شایستگان - اثر محمد محمدی  
اشتهاردی  
۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۷ به صورت خلاصه



گویی اگر ز لطف جوابم چه می شود؟  
آیی اگر شبی توبه خوابم چه می شود؟  
من سائل همیشگی درگه توام  
گر باز هم دهی تو جوابم چه می شود؟  
دانم که بی لیاقتم اما بیاوری  
از یاورانان ار به حسابم چه می شود؟  
از اشعار ملتجی





فصل نهم

● طرحی برای فردا<sup>(۱)</sup>

برنامه‌های هفتگانه

۱- حکومت عادلانه

۲- رفع ظلم و جور

۳- امنیت راهها

۴- شکوفایی طبیعت

۵- سپردن امور، بدست اهل خبره

۶- حاکمیت اسلام

۷- گرایش قبلی به اسلام

- تفاوت بین اسلام و ایمان

- محورهای کلی حکومت جهانی مهدی (عج)

---

۱- این فصل توسط مؤلف در تاریخ ۸۲/۵/۹ با همین عنوان چاپ شده.

## طرحی برای فردا

مرحوم علامه مجلسی رحمة الله تعالى عليه (متوفی ۱۱۱۱ هـ ق) در کتاب شریف بحار الانوار از امام صادق علیه السلام روایت می‌کنند.

إذا قام القائم حکم بالعدل و ارتفع فی ایامه الجور و امننت به السُّبُل و اخرجت الارض برکاتها و ردّ کل حقّ الی اهله و لم یبق اهل دین حتی یظهر الاسلام و یعرفوا بالایمان<sup>(۱)</sup>  
امام صادق علیه السلام فرمودند:

زمانیکه حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه ظهور کنند به عدالت حکم می‌کنند و کسی نمی‌تواند به دیگری جور و ستم روا دارد، راهها به وسیله او امن می‌گردد، زمین برکاتش را برای استفاده مردم خارج می‌کند و امور را به دست اهلس می‌سپارد و هیچ دینی غیر از دین اسلام باقی نمی‌ماند و همه به اسلام گرایش پیدا می‌کنند.

## برنامه‌های هفتگانه

در این حدیث هفت خصوصیت برای ظهور حضرت بقیّة الله الاعظم بیان شده و ما نیز برای تحقّق بخشیدن به این آرمان مقدس باید جامعه را در حدّ توان آماده کنیم و یک کلاس بزرگ تربیتی را

---

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۸ - کشف الغمه ج ۲ ص ۴۶۵ - این روایت در کشف الغمه از امام صادق علیه السلام روایت نشده و در بحار به نقل از علی بن عتبه از پدرش روایت شده.



در سطح خانواده و دوستان و محله و اجتماع پیاده کنیم، تا انشاءالله موجبات ظهور موفور السرور حضرت حجة بن الحسن را فراهم کنیم و هر یک به اندازه درک و توان خود ایفاء وظیفه نمائیم، و آلا به درگاه حضرت باری تعالی و پیشگاه مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مسئول و بی پاسخ خواهیم بود به راستی، اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه از ما پرسند، که برای ظهور من چه کرده‌ای؟!

چه پاسخ خواهیم داد؟!

بر اساس روایت مذکور، هفت برنامه کلی در ظهور حضرت، پیش بینی شده.

### ۱- حکومت عادلانه:

همانگونه که در روایت بیان شد؛ اذا قام القائم حکم بالعدل در حکومت عادله آن حضرت، اغنیا بر فقرا فخر نمی‌فرشند و آنان را به خاطر مطامع خود به بند نمی‌کشند و...

### ۲- رفع ظلم و جور: (وارتفع فی ایامه الجور)

نقطه مقابل عدل، عبارت از ظلم است. و جور نقطه مقابل قسط است. و تفاوت بین عدل و قسط در آنست که در عدالت، آنچه منظور است آنست که حق دیگری گرفته نشود، ولی قسط آنست که تبعیض از میان برچیده شود و بین افراد اجتماع هیچگونه تبعیضی وجود نداشته باشد.

با دقت بیشتر در مضمون این دو واژه می‌توان گفت که ظلم،



چیزی را به نفع خود گرفتن است. و جور، حق کسی را به دیگری دادن است. به عنوان مثال: اگر خانه همسایه را به زور از او گرفته و برای خود تصاحب کنیم، ظلم به او نموده‌ایم ولی اگر خانه او را گرفته و به دیگری بدهیم، این جور است.

در مقابل اگر خانه همسایه را به نفع خود تصاحب نکنیم، عدل است. و اگر علاوه بر اینکه خودمان خانه را از او نگرفتیم، به نفع دیگری هم تصاحب ننمودیم، این حالت را قسط می‌گویند.

پس: قسط عبارت از عدم تبعیض و عدل و عبارت از عدم ظلم است.

### ۳- امنیت راهها:

چنانچه در روایت فرمودند: امنٌ به السَّبیل، یعنی راهها بوسیله ایشان امنیت پیدا می‌کند و کسی متعرض دیگری نشده و موجبات آزار و اذیت و غارت او را فراهم نمی‌آورد.

در این فراز به یکی از مهمترین نعمتهای اجتماعی اشاره شده که عبارت از امنیت است که برای هر جامعه‌ای از مهمترین سرفصلهای اجتماعی بشمار می‌رود.

طبیعی است در یک محیط امن، رشد فکری و علمی و اقتصادی جامعه نیز شکوفا شده و سرفصلهای جدیدی را برای مردم آن دوران خواهد گشود.

### ۴- شکوفایی طبیعت:

(و اخرجت الارض برکاتها)، زمین به خاطر ظهور برترین ولی



خدا تمامی برکاتش را خارج می‌کند.

این فراز از روایت، به شکوفائی اقتصادی در زمان ظهور اشاره دارد، که علاوه بر پیشرفتهای علمی، جامعه اسلامی از نظر اقتصادی نیز در برترین موقعیتها قرار می‌گیرد.

برکات زمینی، اعم از پیشرفتهای کشاورزی و کشف معادن و سایر نیروهای نهفته زمین که از دیده ما مخفی است و یا دانش فعلی بشر از درک آن عاجز است.

#### ۵- سپردن امور، بدست اهل خبره:

که در روایت مذکور فرمودند: ردّ کل حقّ الی اهله یعنی کارها را به دست اهلش می‌سپارند. این فراز را می‌توان به دو صورت معنا کرد.

الف) در حکومت عادلّه مهدی عجل الله تعالی فرجه کارها بدست کاردان افتاده و رابطه‌ها بر ظابطه‌ها مقدّم نخواهد بود.

ب) حقّ به حقدار می‌رسد و هر کس که به او ظلمی روا شود، می‌تواند حقّش را بطور کامل استیفا کند.

#### ۶- حاکمیت اسلام:

بدیهی است که در دوران حکومت منتقم آل الله عجل الله تعالی فرجه الشریف و آخرین وصی حقّ، همه به اسلام گرایش پیدا می‌کنند.

چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:



انَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (۱)

همانا تنها دین مقبول، نزد خداوند، اسلام است.

لذا در فرازی از حدیث مذکور می‌فرمایند: ولم یبق اهل دین

حتى یظهر الاسلام

یعنی: هیچ دینی باقی نمی‌ماند و پیروان همهٔ ادیان، به دین اسلام

گرایش پیدا می‌کنند. و اگر هم به دین خود بمانند به حاکمیت اسلام

گردن خواهند نهاد.

و به عبارت دیگر بنا به فرمایش رسول خدا (ص): الاسلام اعلی

ولا یعلی علیه.

اسلام از تمام ادیان برتر است و هیچ دینی بر آن برتری ندارد.

۷- گرایش قلبی به اسلام:

در فراز دیگری از حدیث مذکور، می‌فرمایند:

-و یعترفوا بالایمان.

همه به دین اسلام ایمان آورده و بدان اعتراف می‌کنند.

این فراز نیز می‌تواند به دو معنا مورد دقت قرار گیرد.

الف): تمام مردم تابع مکتب اهل البیت علیهم السلام می‌شوند و

در واقع علاوه بر اسلام، ایمان به ولایت ائمه علیهم السلام نیز

خواهند داشت.

ب): علاوه بر اینکه مردم به ظاهر ایمان دارند، در باطن مؤمن



### تفاوت بین اسلام و ایمان

در بیان فرق بین اسلام و ایمان، طبق آنچه از آیات و روایات استفاده می‌گردد، اسلام عبارت از دینی است که اگر شخصی اظهار اسلام نماید، جان و مال و ذبیحه‌اش حلال است.

لیکن ایمان موجب نجات در قیامت است. در بعضی از روایات وارد شده که اسلام همانند مسجد الحرام و ایمان همانند کعبه است. و احتمال دارد که این بیان اشاره به این آیه از قرآن باشد:

قالت الا عراب آمنّا قل لم تؤمنوا و لكن قولوا اسلمنا و لمّا یدخل الایمان فی قلوبکم. (۱)

ای پیامبر اعرابی که نزد تو می‌آیند می‌گویند ما ایمان آورده‌ایم به آنها بگو شما ایمان نیاورده‌اید بلکه بگوئید ما اسلام آورده‌ایم و ایمان هنوز در قلبهای شما داخل نشده.

با توجه به مضمون آیه فوق، بخوبی می‌توان فهمید که بین اسلام و ایمان آوردن تفاوت است.

**محورهای کلی حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه**

با توجه به روایات رئوس کلی و برنامه‌های محوری آن حضرت

۱-سوره حجرات آیه ۱۴





را می توان در چهار مورد خلاصه کرد.

۱- اصلاح عقائد

۲- تکامل عقول

۳- عدل و داد

۴- اصلاح اخلاق

(الف) در توضیح مورد اول یعنی اصلاح اعتقادات، در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله، وارد شده:

ما علی ظهر الارض بیت حجر و مدرّ الا ادخله الله کلمة الاسلام<sup>(۱)</sup>

در تمام زمین، در خانه های سنگی و گلی و سیاه چادرها جایی باقی نمی ماند جز آنکه کلمه لا اله الا الله در آنها طنین انداز خواهد بود و شرک بطور کلی برچیده خواهد شد.

(ب) دومین محور، تکامل عقول است.

در روایات فراوانی وارد شده که اگر علم هفتاد و دو حرف باشد تا زمان حضرت بیش از دو حرف ان درک نشده است و دانشمندان به آن نرسیده اند. بدیهی است که با ظهور مهدی صلوات الله علیه تکامل و جهش علمی بسیار بزرگی حاصل خواهد شد.

- قال الصادق علیه الاف التحية و الثناء

۱- تفسیر قرطبی ج ۱۲ ص ۳۰۰ - به نقل از رسول الله صلی الله علیه و آله



اذا قام قائمنا وضع يده على رثوس العباد فجمع بها عقولهم و  
كملت بها احلامهم. (۱)

امام صادق عليه السلام فرمودند:

هنگامیکه حضرت قیام کنند، دست مبارکشان را بر سربندگان  
گذارده و اندیشه‌ها و افکار آنان کامل می‌شود.

شاید مراد از روایت آن باشد که، حضرت دست مبارکشان را بر  
سربندگان می‌گذارند و باعث تکمیل عقول ایشان می‌شوند و در  
واقع معنای ظاهری آن مراد باشد، و احتمال می‌رود که مردم تحت  
تربیت و زیر سایه آن حضرت به تکامل فکری و عقلی خواهند  
رسید.

### ج) عدل و داد،

سومین محوری است که در قیام آن حضرت مورد نظر است.

امام صادق عليه السلام فرمودند:

هرگاه که قائم ما قیام کنند، در ایام او جور مرتفع می‌شود و به  
عدل و داد حکم خواهند کرد و در روایتی دیگر می‌فرمایند:  
- به خدا قسم که عدالت او در درون خانه‌ها خواهد رفت،  
همانگونه که سرما و گرما داخل آن می‌شود. (۲)

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۸

۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۶۲ باب ۲ - غیب نعمانی ص ۲۰۰



د) محور چهارم، اصلاح اخلاق

با دقت در روایات و احوالات آخر الزمان به روایتی برخورد می‌کنیم که می‌فرمایند: قبل از قیام حضرت حجّت صلوات الله علیه، انحرافات اخلاقی مثل زنا، سرقت، رشوه خواری، کم‌فروشی و شراب خواری و ریختن خون به ناحق بسیار زیاد است.

در حالیکه قیام حجّت بر حق خدا به خاطر از بین بردن نظام ارزشی حاکم بر جهان در آن دوران در تمام نقاط عالم است و در واقع قیام آن حضرت یک نظام ارزشی بوده و انقلابی است برای تحقق بخشیدن به آرمانهای اسلامی.

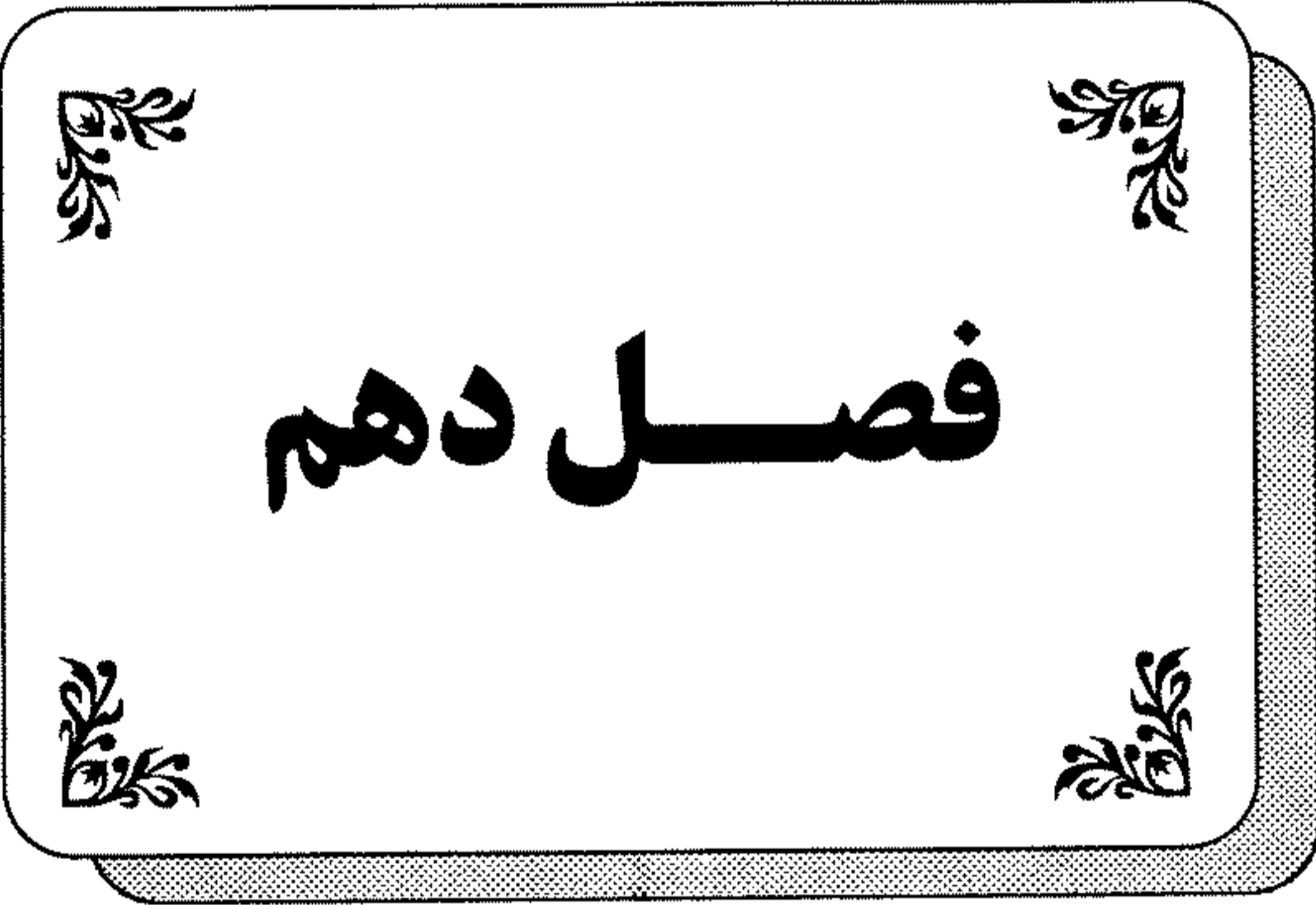
طبیعی است که چنین نظامی، نیازمند ارتش و نیرویی بسیار وسیع است. چنانکه در زیارت آل یس وارد شده.

-واجعلنی من شیعتہ و اتباعہ و انصارہ

خدایا مرا از پیروان و یاوران و کمک‌کنندگان به آن حضرت قرار بده.

در بعضی از روایات علاوه بر موارد فوق، اضافه می‌فرمایند: واجعلنی... من المجاهدین بین یدیه.

ما نیز اگر بخواهیم از عمل‌کنندگان به این مضامین باشیم و از اعوان و انصار حضرت بوده و مهدی فاطمه را یاری دهیم باید در چهار محوری که بیان شد تلاشی بی وقفه داشته باشیم تا بتوانیم خود را به خط فکری مهدی (عجل الله تعالی فرجه) و مهدی باوران نزدیک نموده و به وظیفه خود عمل کنیم و این امر بدون خود سازی میسر نخواهد شد.



# فصل دهم

## ● سخنی پیرامون رجعت

- رجعت از دیدگاه علماء
- جفا به حق اهل بیت علیهم السلام
- آیا رجعت اختیاریست؟
- قرآن و مسئله رجعت
- اصحاف کهف
- رجعت‌های زیبا
- رجعت ائمه هدی علیهم السلام
- رجعت امام حسین علیه السلام
- برخی از افرادی که صریحاً در روایات از رجعت آنان توسط ائمه تصریح شده

### «سخنی پیرامون رجعت»

رجعت در لغت به معنای بازگشت است و در اصطلاح عبارت از بازگشت بعضی از مؤمنان خالص و برخی از منافقان فاجر به این جهان قبل از قیامت است.

برخی از مؤمنان خالص که تمام عمر آرزوی درک دولت حقّه را در دل می‌پروراندند، باز میگردند تا به آرزوی خود برسند و حکومت عدالت گستر ولی الله الاعظم را ببینند و برخی از منافقان فاجر که در تمام عمر تلاش می‌کردند که از پیشرفت حق جلوگیری کنند، و در برابر حق صف آرای می‌گردند، باز می‌گردند تا به سزای اعمال خویش برسند.<sup>(۱)</sup>

رجعت از ضروریات مذهب شیعه است و اکابر علماء امامیه همچون شیخ صدوق شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طبرسی، سید بن طاوس و علامه مجلسی رحمة الله تعالی علیهم و بسیاری دیگر از علماء در مورد رجعت ادعای اجماع نموده‌اند و بسیاری از محدثین شیعه در این موضوع کتابهای جداگانه نوشته‌اند.

مرحوم صدوق رحمة الله تعالی علیه در کتاب من لا یحضره الفقیه از امام صادق علیه السلام روایت می‌کنند که فرمود:  
کسیکه ایمان به رجعت ما نداشته باشد از ما نیست.

فرمان رجعت همانند فرمان ظهور، از طرف خداوند قادر متعال



صادر می شود. در دولت امام عصر عجل الله تعالی فرجه دوستان اهل البیت رجعت می کنند تا با چشم خود ببینند که از دشمنان آنان چگونه انتقام گرفته می شود.

آنان که یک عمر برای محسن فاطمه اشک ریخته اند شاهد دست انتقام الهی باشند که چگونه از دشمنان فاطمه انتقام خون محسن مظلوم را می گیرد و همه خونهای به ناحق ریخته شده در راستای تاریخ را از ستم پیشگان می گیرد.

رجعت، دورنمای رستاخیز را در سراسر جهان به نمایش می گذارد چون رجعت رستاخیز کوچکی است که هزاران انسانی را که قرنهای پیش در زیر خاکها مدفون شده اند با یک فرمان، جان می بخشد و در محکمه عدل الهی پیش از رستاخیز عمومی شرکت می کنند.

نمونه این آماده سازی را می توان در مورد غیبت حضرت نیز مشاهده نمود، بر اساس بعضی از روایات امام دهم و یازدهم بعضی از موارد که به پاسخ سؤال کنندگان می پرداختند از پشت پرده با آنان صحبت می کردند تا کم کم مردم به ندیدن امام عادت کنند. و خود بخود برای غیبت خاتم الاوصیاء آماده شوند.



### «رجعت از دیدگاه علماء»

مرحوم علامہ مجلسی (ره) می فرمایند:

- چگونه ممکن است شخص با ایمانی که حقانیت اهل البیت علیہم السلام را باور کرده، در مورد رجعت تردید کند، در صورتی که نزدیک به دویست حدیث صریح از ائمه اهل بیت علیہم السلام بطور متواتر به دست ما رسیده و بیش از چهل نفر از بزرگان شیعه همچون شیخ طوسی، شیخ مفید، سید مرتضی علم الهدی، شیخ صدوق و کلینی و امثال ایشان مطالب فراوانی را در آثار گرانقدر خود گردآوری نموده‌اند.

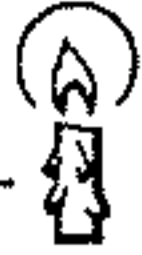
و در پایان می فرمایند: اگر احادیث رجعت متواتر نباشد، دیگر در هیچ موردی نمی توان ادعای تواتر نمود... من تصور می کنم که هر کس در مورد رجعت تردید کند، در مورد ائمه اهل البیت شک نموده است. (۱)

مرحوم طبرسی در تفسیر گرانقدر تبیان در مورد بحث رجعت می فرماید:

از ائمه بطور متواتر روایت شده که خداوند به هنگام قیام مهدی (عج) گروهی از دوستان و شیعیان آن حضرت را که قبلاً دیده از جهان فرو بسته‌اند، بر می گرداند تا او را یاری کنند و به پاداش نصرت او نائل شوند و حکومت پیروزمند او را ببینند و مسرور شوند و گروهی از دشمنان او را نیز بر می گرداند تا از آنان انتقام

۱- بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۲۲ و ۱۲۳ - رجعت اثر محمد خادمی شیرازی ص ۱۴۰





گرفته شود و به قتل، مجازات گردند و از مشاهده شکوه و عظمت او دچار خواری و زبونی شوند. (۱)

مرحوم شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ هـ ق) در تفسیر تبیان با آیات فراوانی بر اثبات رجعت استدلال نموده‌اند و در برخی از احادیث رجعت ادعای تواتر نموده‌اند (۲)

مرحوم شیخ حرعاملی (متوفی ۱۱۰۴ هـ ق) با بیانهای فراوانی اثبات کرده‌اند که احادیث رجعت متواتر بوده و هرگز جای تأویل و تردید ندارند. (۳)

... و با وجود احادیث متواتر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام یقین پیدا می‌کنیم که معصوم علیه السلام در این اجماع داخل است به خصوص که از حضرت صاحب الزمان (عج) نیز در این زمینه توقیعی صادر شده (۴)

با دقت در مضمون کلام شیخ حرعاملی (ره) به خوبی می‌فهمیم که ادعای اجماع علماء شیعه بر این مطلب بسیار بجا و حساب شده است خاصه اینکه در اصطلاح فنی، اجماع دخولی است و ما از دخول معصوم علیه السلام در بین اجماع‌کنندگان خبر داریم، به خاطر توقیع شریف امام عصر (عج) و همچنین مضامین ادعیه و زیاراتی که از لسان ائمه علیهم السلام بیان شده از جمله در زیارت جامعه کبیره از لسان مبارک امام هادی علیه السلام

۱- مجمع البیان ج ۷ ص ۲۳۴ - تفسیر صافی مرحوم فیض ج ۴ ص ۷۶

۲- بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۲۷

۳- الايقاظ ص ۳۱ (الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعة)

۴- الايقاظ ص ۳۳ - شیخ حرعاملی



در فرازی می خوانیم:

مَعْتَرَفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِأَيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ  
مَرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ. (۱)

من به شما ائمه، ایمان دارم، بازگشت شما را باور دارم، رجعت  
شما را تصدیق می کنم، منتظر امر شما هستم، و چشم به راه دولت  
حقه شما هستم.

در فرازی دیگر می فرمایند:

و نصرتی لكم معده، حتی یحیی الله تعالی دینه بکم و یردکم فی  
ایامه...

تا روزیکه خداوند به وسیله شما دینش را احیاء کند، و شما را  
در آن روزگار برگرداند

- و در فراز دیگر می خوانیم:

و یحشر فی زمرتکم و یکر فی رجعتکم .  
خداوند مرا از کسانی قرار دهد... که در زمره شما محشور  
می شوند و در رجعت شما باز می گردند.

و در فرازی از زیارت امام حسین علیه السلام که ابوبصیر از امام  
صادق علیه السلام روایت می کند، چنین ناله سر می دهیم که:

إِنِّي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِرَجْعَتِكُمْ لَا أَنْكَرُ لِلَّهِ قَدْرَةً... (۲)

من رجعت شما را باور دارم و هرگز قدرت خدا را انکار  
نمی کنم.

۱- زیارت جامعه کبیره - مفاتیح الجنان

۲- کامل الزیارات ص ۲۱۸ - بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۱۶۹



- در زیارت وارث از امام صادق علیه السلام در فرازی چنین می خوانیم .

اَنتی بکم مؤمن و بایابکم موقن. (۱)

من به شما ایمان دارم و بازگشت شما را یقین دارم .

- همچنین در زیارت اربعین می خوانیم:

اَنتی بکم مؤمن و بایابکم موقن. و در زیارت قمر بنی هاشم علیه السلام می خوانیم:

اَنتی بکم و بایابکم من المؤمنین (کامل الزیارات ص ۲۵۷)

و در زیارت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه در روز نیمه

شعبان می خوانیم:

وَأَنْ يُجْعَلَ لِي كَرَّةٌ فِي ظَهْرِكَ فِي أَيَّامِكَ (۲)

و در زیارت سرداب مقدس می فرمایند:

- فَا بَعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ، طَاهِرًا مِنْ حَضْرَتِي، مُؤْتَرِّرًا كَفْنِي (۳)

و در زیارت آل یس که در پاسخ نامه محمد بن حمیری از ناحیه

مقدسه می خوانیم:

- وَأَنْ رَجَعْتُمْ حَقُّ لَارِيبٍ فِيهَا.

و به همین گونه در زیارت رجبیه (۴) . و زیارت وداع امام حسین

علیه السلام (۵) و دعای عهد که امام صادق علیه السلام آنرا تعلیم

۱- مصباح کفعمی ص ۵۰۲ - بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۲۰۰

۲- بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۱۸

۳- بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۰۳ - کلمة الامام المهدي ص ۴۹۰

۴- مصباح شیخ طوسی ص ۷۵۶ ۵- کامل الزیارات ص ۲۵۳



فرمودند نیز به رجعت اشاره شده است<sup>(۱)</sup> البته این بحث خیلی به درازا کشید مطلب در مورد اجماع علماء پیرامون رجعت بود و بیان شد این اجماع حجت است چون حاوی قول معصوم علیه السلام است طبق توقیع شریف و ادعیه‌ای که ائمه هدی علیهم السلام در آن به مسئله رجعت اشاره کرده‌اند.

و همانطور که بیان شد شیخ حر عاملی رحمة الله تعالی علیه می‌فرمایند: ثبوت رجعت از ضروریات مذهب شیعه است و تمام علماء معروف و مؤلفین مشهور، آنرا از ضروریات مذهب دانسته‌اند.

سپس می‌فرمایند: یکی از شواهد ضروری بودن اعتقاد به صحت رجعت، تعبیری است که در کتاب سلیم بن قیس بیان شده، [لازم به ذکر است که این کتاب از معتبرترین کتب شیعه بوده و در واقع اولین کتابی است که در زمان علی علیه السلام بدست شیعیان نوشته شد ضمن اینکه چهار امام معصوم این کتاب را تأیید نموده‌اند].

در این کتاب نوشته شده که؛ آنچه از سلمان، مقداد ابی ابن کعب و اصحاب بدر در مورد رجعت شنیده بودم در کوفه به خدمت امیر مؤمنان عرض کردم همه را تصدیق فرمودند، سپس آیات فراوانی از قرآن برای من تلاوت نمود و آنان را به بهترین وجه تفسیر نمود و چنان حالی یافتم که ایمان و یقینم در مورد قیامت بیشتر از رجعت نیست<sup>(۲)</sup> شیخ حرّ عاملی بعد از بیان فوق از سلیم ابن قیس

۱- مصباح کفعمی ص ۵۵۱

۲- اسرار آل محمد (ص) - اثر سلیم بن قیس ص ۶۸



می فرمایند:

- دوست و دشمن می داند که شیعه معتقد به رجعت است و معنای ضروری چیزی جز این نیست، پس ثابت می شود که اعتقاد به رجعت از ضروریات مذهب شیعه است و این معنایی بالاتر از اجماع است<sup>(۱)</sup>

### « جفا به حق اهل البیت علیهم السلام »

هرچند آیات فراوان و روایات بسیاری در مورد رجعت در دست است و برای اثبات تواتر و ادعای اجماع که مفصلاً روی آن بحث شد کفایت می کنند، لیکن باید اذعان داشت که همه احادیث رجعت به دست ما نرسیده چون حکام جور به شدت با آنان مخالفت داشتند حتی در مباحث رجالی می بینیم بسیاری از روایات شیعه صرفاً به خاطر اعتقاد به رجعت مورد مؤاخذه قرار می گرفتند.<sup>(۲)</sup>

مسلم در صحیح خود، از «جریر» روایت می کند که جابر بن یزید جعفری را دیدم ولی روایتی را از او یاد داشت نکردم، چون به رجعت معتقد بود.<sup>(۳)</sup>

و از سفیان نقل می کند که مردم قبلاً از جابر روایت نقل می کردند ولی وقتی او ایمان به رجعت را ابراز نمود او را در حدیث متهم

۱- الایقاظ - اثر مرحوم شیخ حرعاملی (ره) ص ۶۶

۲- رجعت اثر محمد خادمی شیرازی ص ۱۴۲ با اندکی تغییر.

۳- صحیح مسلم جلد اول ص ۲۰



کردند و از او روایت نمودند (۱)

صحیح مسلم از جراح بن ملیح نقل می‌کند که از جابر شنیدم که می‌گفت:

هفتاد هزار حدیث از امام باقر علیه السلام نزد من است که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده، بدیهی است وقتی که جابر بن یزید جعفی هفتاد و هزار حدیث از سرچشمه زلال اهل بیت فراگرفته ولی بیمار دلان برای اعتقاد او به رجعت، از او روایت نمی‌کنند. بسیار روشن است که احادیث رجعت منتشر نخواهد شد... و تردیدی نیست، آنچه از احادیث رجعت از بین رفته، چندین برابر احادیثی است که بدست ما رسیده، هر چند این مقدار نیز خارج از حدّ تواتر است.

مرحوم شیخ حرعاملی (ره) در کتاب ایقاظ پانصد و بیست حدیث در مورد رجعت نقل نموده‌اند، آیا در ابواب دیگر مثل حرمت شراب و امثال آن بیش از رجعت روایت وارد شده؟ در صورتی که حرمت شراب، حرمت کذب و وجوب نماز از ضروریات دین به شمار می‌آید.

فقط از محدث جزایری در شرح تهذیب ششصد و بیست روایت بیان شده است. (۲)

در یاد داشته‌های مرحوم دهخدا از ظهور حضرت بقیه الله روحی

۱- رجعت - محمد خادمی شیرازی ص ۱۴۲ به نقل از مدارک سابق

۲- رجعت - محمد خادمی - ص ۱۴۳ با اندکی تغییر در عبارات - بیان الفرقان ج ۵ ص ۲۸۸



فداه و از نزول حضرت مسیح علی نبینا و آله وعلیهم السلام به رجعت تعبیر شده<sup>(۱)</sup> لکن این مطلب از نظر اصطلاحی صحیح نیست چون رجعت عبارت از بازگشت پس از مرگ است، در حالیکه امام عصر عجل الله تعالی فرجه زنده هستند و در پس پرده غیبت می باشند و حضرت عیسی نیز بنا به اعتقادات شیعه، به آسمان عروج کردند که بعد از ظهور حضرت ولی عصر علیه الاف التحیه و الثناء نازل شده و از یاوران حضرت مهدی خواهند بود، در واقع در مورد امام عصر تعبیر به ظهور می شود و در مورد حضرت عیسی به نزول تعبیر می گردد.<sup>(۲)</sup>

### « آیا رجعت اختیاری است؟ »

آنچه که از روایات استفاده می شود آنست که رجعت برای افرادی که به حق اهل البیت علیهم السلام و پیامبران الهی ظلم کرده است، جنبه اجباری دارد، چون بر اساس روایات چنین افرادی باید سزای عمل خود را بینند

- قال الصادق علیه السلام:

أول من يحكم فيهم محسن بن علي عليه السلام و في قاتله ثم في قنفذ فيوتيان هو و صاحبه فيضربان بسياط من نار لو وقع سوط منها على البحار لغلت من مشرقها الى مغربها، ولو وضعت على جبال

۱- لغت نامه دهخدا - حرف راء - ص ۲۹۵

۲- با استفاده از کتاب رجعت - محمد خادمی ص ۱۶



الدنيا لذابت حتى تصير رماداً، فيضربان بها. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

نخستین کسی که در مورد او محکمه عادلانه در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه تشکیل می شود، محسن فاطمه است که بین او و قاتلش محکمه برگزار می شود. قنفذ و همراهش آورده می شوند و با تازیانه هایی از آتش، شلاق می خورند، که اگر یکی از آن شلاقها بر دریا زده شود همه اقیانوسهای جهان از مشرق تا مغرب بجوش می آید. و اگر یکی از آنها به یکی از کوههای دنیا برخورد ذوب خواهد شد و به خاکستر مبدل می گردد، آن دو نفر با این تازیانه شلاق می خورند.

در مورد آن دو تن نیازی به بحث نیست و از افرادی هستند که در رجعت حتماً بازگردانده خواهند شد مشروح بدار آویخته شدن آنان را علی بن مهزیار از وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه روایت نموده است. (۲)

در حدیث دیگری پرده از نام زنی برداشته شده که زهرای اطهر سلام الله علیها را بسیار رنج می داد و به مادر جناب ابراهیم (یعنی فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله) تهمت می زد او نیز رجعت میکند و به جرم تهمت، شلاق می خورد. (۳)

اما رجعت برای مومنین و شیعیان جنبه اختیاری دارد، هر چند

۱- کامل الزیارات ص ۳۳۴

۲- دلائل الامامة ص ۲۹۷ - رجعت - محمد خادمی ص ۱۶۲

۳- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۱۴ - نورالثقلین ج ۳ ص ۴۶۷ - رجعت محمد خادمی ص ۱۶۴





هیچ مؤمنی از این پیشنهاد سرباز نخواهد زد.  
 مفصل می‌گویید، خدمت امام صادق علیه السلام بودم و صحبت  
 از امام زمان عجل الله تعالی فرجه شد و افرادی که عاشقانه در  
 انتظار آن حضرت بسر می‌بردند و پیش از رسیدن به این سعادت از  
 دنیا می‌روند، صحبت شد، و حضرت فرمودند:  
 اِذَا قَامَ أَتَى الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ، فَيُقَالُ لَهُ: يَا هَذَا أَنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ،  
 فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تُقِيمَ فِي كَرَامَةِ رَبِّكَ فَأَقِمِ (۱)  
 امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامیکه حضرت ولی عصر  
 عجل الله تعالی فرجه ظهور کنند، مأمورین خداوند در قبر با  
 مؤمنین تماس گرفته و می‌گویند، ای بنده خدا مولایت ظهور کرده،  
 اگر می‌خواهی که به او پیوندی آزاد هستی، و اگر بخواهی در  
 نعمتهای الهی متنعم بمانی، هم آزادی.

### «قرآن و مسئله رجعت»

در آیات فراوانی از قرآن کریم، پیرامون رجعت سخن به میان  
 آمده است، بعضی از آیات صراحتاً اشاره به بازگشت افرادی که  
 مُرده بودند نموده‌اند.  
 از جمله این آیات، می‌توان به سوره کهف آیات ۱۹ به بعد  
 مراجعه کرد که داستان بسیار زیبای اصحاب کهف در آن متذکر  
 شده است. که ذیلاً به این مطلب خواهیم پرداخت.  
 بعضی دیگر از آیات قرآن به صورت و کنایه از رجعت یاد

۱- بحارالانوار ج ۵۳ ص ۹۲



می‌کنند و در واقع اهل بیت علیهم السلام در تفسیر این آیات ما را متوجه مسئله مهم رجعت می‌کنند که خداوند می‌فرماید:

قالو ربنا امتنا اثنتین و احييتنا اثنتین، فاعترفنا بذنوبنا فهل الى خروج من سبيل. (سوره مؤمن آیه ۱۱)

می‌گویند: خدایا ما را دو بار میراندی (کشتی) و دوبار، زنده کردی و ما به گناهانمان اقرار کردیم آیا راهی برای رهایی هست؟  
امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرمایند: این آیه مربوط به رجعت است<sup>(۱)</sup>

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

این آیه منحصرأ در مورد گروههایی است که بعد از مرگ، رجعت می‌کنند و این گفتگو در روز قیامت واقع می‌شود.<sup>(۲)</sup>

در ضمن داستان مفصلی که مرحوم شیخ مفید در مجالس در مورد سعایت سوار از سید حمیری نزد منصور دوانیقی نقل فرموده، سید حمیری با این آیه بر اثبات رجعت استدلال می‌کند.<sup>(۳)</sup>

و امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمودند: به خدا سوگند این آیه در مورد رجعت است.

بررسی آیات رجعت بسیار شیرین و جالب است خاصه اینکه مباحث تفسیری فراوانی نیز ذیل آن مطرح می‌گردد و در واقع مجال مستقلی را بخود می‌طلبد، لذا بعضی از بهترین کتبی که در این رابطه

۱- تفسیر صافی ج ۴ ص ۳۳۶ - بحار الانوار ج ۵۳ ص ۵۶ - تفسیر البرهان ج ۴ ص ۹۳ - تفسیر نورالثقلین ج ۴ ص ۵۱۳.

۲- بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۱۶ - الزام الناصب ج ۲ ص ۲۴۹ - برهان ج ۴ ص ۹۳

۳- رجعت - محمد خادمی شیرازی ص ۷۶



نوشته شده حضورتان معرفی می‌گردد.

- حق الیقین علامه مجلسی (ره) - مباحث آخر کتاب

- رجعت یا دولت کریمه اثر محمد خادمی شیرازی

- الا یقاظ مرحوم شیخ حرّ عاملی

داستان اصحاب کهف سند زنده‌ای بر امکان بازگشت انسان به این جهان است هر چند داستان آنان، رجعت به معنای اصطلاحی نیست چون طبق تعبیر قرآن کریم آنان به مدت ۳۰۹ سال در خواب بودند و رجعت به معنای بازگشت پس از مرگ است.

هر چند بر اساس روایات اصحاب کهف در زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رجعت خواهند کرد و جزء یاران آن حضرت می‌باشند.<sup>(۱)</sup>

ضمن اینکه در بعضی از احادیث از آنها به مرده تعبیر شده از جمله حدیثی از امام صادق علیه السلام که می‌فرمایند:  
گروه بسیاری از مردگان به این جهان بازگشته‌اند که اصحاب کهف از آنهاست که مدت ۳۰۹ سال خداوند آنها را میراند و بعد در زمان قومی که رستاخیز را نمی‌پذیرفتند بر انگیخت تا حجت بر آنان تمام شود.<sup>(۲)</sup>

اما آنچه که مسلم است اصحاب کهف جزء یاران حضرت صاحب الامر خواهند بود و در هنگام ظهور دولت حقّه مهدی

۱- ارشاد مرحوم مفید ص ۳۶۵ - بحارالانوار ج ۵۳ ص ۹۱ - المیزان ج ۱۳ ص ۳۱۰

۲- تفسیر صافی - مرحوم فیض ج ۳ ص ۲۳۷ - بحارالانوار ج ۵۳ ص ۱۲۹



(عج) رجعت می کنند.

نکته: برخی قائلند که غار کهف در شهر افسوس است که شهری مشهور در زمان قبل از میلاد مسیح بود و معبد معروف دیانا که از عجائب هفتگانه بود در این شهر قرار داشت.

و کتب مفصل دیگر در این باب که هر یک فصل نوینی از معارف حقه شیعه را به روی ما می گشایند.

در کتاب رجعت اثر محمد خادمی به هفتاد آیه از قرآن استناد شده که دلالت بر مسئله رجعت دارند و ذیل هر یک از مباحث تفسیری نیز بطور جداگانه با مدرک مورد تذکر اهل تحقیق قرار گرفته.

### «اصحاب کهف»

اما آنچه در ابتدای این فصل وعده شد که در مورد اصحاب کهف و رجعت آنان صحبت به میان آید، به نظر می رسد اکنون جای مناسب بحث فرار رسیده است.

قرآن کریم ذیل داستان اصحاب کهف می فرماید:

و کذلک بعثنا هم لیتسائلوا بینهم، قال قائلٌ منهم کم لبثتم قالوا لبثنا یوماً او بعض یومٍ قالوا ربکم اعلم بما لبثتم.

سوره کهف آیه ۱۹

اینگونه آنان را بر انگیختیم تا از یکدیگر پرسند یکی از آنان گفت چقدر در این غار درنگ کردید؟ گفتند یک روز یا مقداری از یک روز گفتند:

پروردگارتان داناتر است که چه مقدار درنگ کردید.



اصحاب کهف هفت نفر بودند که به مدت ۳۰۹ سال در غاری خفته و بعد از این مدت دیده گشوده و به این جهان بازگشتند. داستان اصحاب کهف از شگفتی‌های تاریخ است و گواه روشنی از قدرت بی نهایت خداوند متعال.

معبد دیانا از طرف مردی شهرت طلب بنام اروسترات در سال ۳۵۶ قبل از میلاد طعمه حریق شد تا به این وسیله نام او در تاریخ جاودان بماند. این شهر از بین رفت و بر خرابه‌های آن دهکده‌ای بنام «آیاسلوغ» بوجود آمده که در اسنان آیدین در ۶۵ کیلومتری از میر ترکیه و در ده کیلومتری قوش آداسی به فاصله پنج کیلومتر از دریای اژه قرار دارد<sup>(۱)</sup> مردم ترکیه این غار را زیارتکده نموده و برای آن احترام ویژه‌ای قائلند و مرقد اصحاب کهف را در این غار زیارت می‌کنند.

اخیراً غار دیگری در کشور اردن در هشت کیلومتری شهر عمان (پایتخت) کشف شده که نشانه‌های غار اصحاب کهف بر آن منطبق است. که در سال ۱۹۶۳ میلادی (۱۳۴۲ شمسی) کشف شد، مفسر گرانقدر علامه طباطبائی رحمه الله تعالی علیه بعد از تحقیقات فراوان به این نتیجه رسیده‌اند که نشانه‌های یاد شده در قرآن کریم در مورد غار اصحاب کهف بر این غار، بیش از غاری است که در ترکیه است.<sup>(۲)</sup>

نمونه دیگری از رجعت را می‌توان در معجزات عیسی علیه

۱- قاموس الاعلام، ترکی ج ۱ ص ۵۰۶ و ج ۲ ص ۱۰۰۱

۲- المیزان - علامه، طباطبایی ج ۱۳ ص ۲۹۹



السلام دید که در قرآن کریم می فرماید: وَ أَحْيِ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ «آل عمران ۴۹» و من مردگان را به اذن خدا زنده می کنم. این مطلب نیازی به توضیح ندارد و از روشترین معجزات حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام است.

نمونه دیگر در سوره بقره آیه ۵۶ ذیل داستان حضرت موسی است.

ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.  
 آنگاه شما را پس از مرگتان برنگیختیم تا شاید سپاسگذار باشید.

آیه در مورد هفتاد نفر از برگزیدگان قوم موسی علیه السلام است که برگزیده شدند و با موسی به کوه طور رفتند تا شاید شاهد جریان مکالمه اش با خدا و گرفتن الواح از جانب خدا باشند تا بنی اسرائیل صدور الواح را تکذیب نکنند.

آنان به کوه رفتند و جریان را دیدند و تقاضای دیدن خدا را هم از موسی داشتند و هر چه محکمتر اصرار خود را بیان می داشتند... بالاخره صاعقه ای آنان را از پا در آورد، موسی گفت خدایا اگر این افراد زنده نشوند چگونه به طرف قوم خود بازگردم؟ آنان مرا به قتل این افراد متهم می کنند. و خداوند بر موسی منت نهاد و آنان را زنده کرد. در مورد توضیح بیشتر به تفاسیر مراجعه فرمائید. همچنین داستان عزیز در قرآن کریم آیه ۲۵۹ سوره بقره یکی دیگر از موارد رجعت است. که بعد از صد سال خداوند متعال او را زنده کرد که نَصَّ صَرِيحَ قُرْآنٍ اسْت. (فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ)



خداوند او را صد سال میراند و سپس برانگیخت.  
 -ابن کوا که نام او عبدالله ابن بکر یشکری بود (از خوارج)  
 روزی در مجلس امیر مؤمنان علیه السلام بلند شده و گفت: ای امیر  
 مؤمنان ابوالمعتز مطلبی را از شما نقل می کند که دلم قدرت تحمل  
 آنرا ندارد. حضرت فرمودند: آن چیست؟  
 گفت: او تصور می کند که شما فرموده اید که از رسول اکرم صلی  
 الله علیه و آله شنیده اید، مردی را دیده یا شنیده است که از پدرش  
 بزرگتر است!!

فرمودند: آیا این مطلبی است که شما نمی توانید باور کنید؟  
 گفت: آری، مگر شما باور می کنید و چنین کسی را می شناسید؟!  
 فرمودند: بله گوش کن تا برایت بگویم.  
 روزی عزیر در حالیکه پنجاه سال عمر داشت از میان اهل و  
 عیالش خارج شد در حالیکه همسرش حامله بود و ماه آخر حمل را  
 می گذراند، خداوند او را صد سال میراند و بعد او را برانگیخت.  
 عزیر به طرف خانه آمد در حالیکه پنجاه ساله بود و پسرش به  
 استقبال او آمد در حالیکه صد ساله بود.  
 بعد از این کلام علی علیه السلام در مورد رجعت هفتاد تن از  
 برگزیدگان حضرت موسی علیه السلام بحث نمودند و سپس به  
 رجعت هزاران نفری که دسته جمعی مردند و با دعای حزقیل زنده  
 شدند گفتگو کردند. و در پایان از رجعت عزیر یکبار دیگر سخن  
 گفته و فرمودند: ای ابن کوا هرگز در قدرت خدا شک نکن. (۱)

۱- بحار الانوار ج ۵۳ ص ۷۲ - تفسیر صافی ج ۱ ص ۲۶۹ - برهان ج ۱ ص ۲۴۹



### «رجعت‌هی زیبا»

امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا سوگند از زمان آدم تا رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیامبری مبعوث نشده جز آنکه خداوند آنان را بر می‌گرداند تا در کنار علی بن ابیطالب علیه السلام شمشیر بزنند. (۱)

به عنوان نمونه بازگشت حضرت اسماعیل (صادق الوعد)، [در بین پیامبران دو تن به نام اسماعیل وجود دارد، یکی حضرت اسماعیل فرزند حضرت ابراهیم و دیگری اسماعیل صادق الوعد که در سورهٔ مریم از او یاد شده]

و اذکر فی الكتاب اسماعیل، انه کان صدقِ الوعد و کان رسولاً نبیاً. (مریم ۵۴)

و در کتاب اسماعیل یاد آور که صادق الوعد بود و از پیامبران مرسل بود.

در روایات تصریح شده که او غیر از اسماعیل فرزند ابراهیم علیه السلام است.

بلکه او فرزند حزقیل بوده که به سوی قوم خود مبعوث شد و قومش او را تکذیب کردند و او را گرفتند و پوست سر و صورتش را کردند. فرشتهٔ عذاب آمد که قومش را عذاب کند، از او پرسید که آنها را چگونه عذاب کند؟ اسماعیل گفت: من نیازی به عذاب آنها

۱- بحارالانوار ج ۵۳ ص ۴۱ - تفسیر برهان ج ۱ ص ۲۹۵ - الايقاظ ص ۳۶۰





ندارم. خداوند به او وحی کرد: ای اسماعیل چه حاجتی داری؟  
 عرضه داشت: خداوندا تو پیمان گرفته‌ای و برگزیدگان بندگانت را  
 آگاه ساخته‌ای که امت او با امام حسین چه رفتاری خواهند کرد،  
 خداوندا تو وعده کرده‌ای که امام حسین را به دنیا برگردانی تا  
 شخصاً از قاتلینش انتقام بگیری. حاجت من اینست که مرا نیز در  
 رجعت بازگردانی تا شخصاً از کسانی که با من چنین رفتاری  
 داشته‌اند انتقام بگیرم. خداوند اسماعیل پسر حزقیل را وعده داد که  
 همراه امام حسین علیه السلام رجعت کند.<sup>(۱)</sup>

- در مورد رجعت مسیح در کتاب الايقاظ ص ۳۰۴ روایاتی بیان

شده

- در مورد رجعت خضر به کتاب غیبت شیخ طوسی ص ۱۰۸ -

کمال الدین ج ۲ ص ۳۷۵ - برهان ج ۳ ص ۱۴۹ مراجعه فرمائید.

- رجعت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بحار الانوار

ج ۵۳ ص ۴۲

و ذیل سورة مدثر آیه ۱ و ۲: یا ایها المدثر قم فانذر. یعنی ای

جامه به خود پیچیده برخیز و انداز کن.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

مراد از این آیه رجعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و بیم دادن

آن حضرت در زمان رجعت است.<sup>(۲)</sup>

۱- کامل الزیارات ص ۶۵ - بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۰۵ - الايقاظ ص ۳۲۸ -

البرهان ص ۱۶ ج ۳

۲- تفسیر برهان ج ۴ ص ۲۹۹ - تفسیر بصائر ج ۵۰ ص ۴۲۶ - بحار الانوار ج ۵۳

ص ۱۰۳



### «رجعت ائمه هدی علیهم السلام»

در رجعت پیشوایان معصوم بر اساس آیات و روایات شکی نیست، یعنی آن بزرگواران بر می‌گردند تا جهان را پر از عدل و داد کرده و بدان را به کیفر خود برسانند.

ذیل آیه ۸۱ - آل عمران: ... لَتَوْمِنَنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ

البته به او ایمان بیاورید و البته یاریش کنید.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

خداوند از همه پیامبران پیمان گرفته که به رسول اکرم صلی الله

علیه و آله ایمان آورند و امیر مؤمنان علیه السلام را یاری کنند.<sup>(۱)</sup>

از همین قبیل آیات دیگری از قرآن کریم که به خاطر اختصار از

آنها بحث نمی‌کنیم.

### «رجعت امام حسین علیه السلام»

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: اولین کسی

که زمین برای او شکافته می‌شود و به روی زمین رجعت می‌کند،

حسین ابن علی علیه السلام است.<sup>(۲)</sup>

همچنین امام صادق علیه السلام مدت فرمانروایی حسین بن

۱- تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۸۱ - تفسیر البرهان ج ۱ ص ۲۹۵ - بحار الانوار ج ۵۳

ص ۴۱

۲- الزام الناصب ج ۲ ص ۳۶۰ - بحار الانوار ج ۵۳ ص ۲۹ - تفسیر برهان ج ۲

ص ۴۰۸



علی علیه السلام را چهل هزار سال فرمودند و بیان کردند آنقدر فرمانروایی می‌کند تا از کثرت سنّ ابروهایش بر روی چشمهایش بریزد.

مدت فرمانروایی رسول اکرم صلی الله علیه وآله پنجاه هزار سال و مدت حکومت علی علیه الاف التحیه و الثناء چهل و چهار هزار سال بیان شده است. (۱)

بعد از وجود مقدس امام حسین علیه السلام تک تک ائمه هدی علیهم السلام رجعت خواهند نمود ولی آیا به همین ترتیبی که اول ایشان علی علیه السلام و آخرین وصی حق حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه خواهد بود، مشخص نیست و شاید این ترتیب رعایت نشود، ولی آنچه مسلم است تک تک ایشان و از جمله وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رجعت خواهند داشت (۲)

ضمن اینکه مؤمنین خالص و کفار محض در زمان همان معصوم به هنگام رجعت آن امام باز خواهند گشت.

مدت رجعت نا معلوم است چون دانستن آن مستلزم دانستن قیامت است و احدی از قیامت خبر ندارد اما مطلبی که در بعضی از روایات وارد شده که قیام قیامت چهل روز پس از رحلت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه می‌باشد، مربوط به رحلت آن

۱- تفسیر البرهان ج ۲ ص ۴۰۸

۲- الزام الناصب ج ۲ ص ۳۶۴ - بحار الانوار ج ۲۵ ص ۱۰۸ - رجعت - خادمی شیرازی ص ۱۹۱



حضرت در رجعت است.

«برخی از افرادی که صریحاً در روایات به رجعت آنان  
توسط ائمه تصریح شده»

در روایات نام بعضی از اصحاب صریحاً بیان شده که به صورت  
اجمال از آنان یاد می‌کنیم.

۱- سلمان فارسی - مراجعه به تفسیر صافی ج ۳ ص ۲۳۸ ارشاد  
مفید ص ۳۶۵ المحجّة ص ۷۶ - تفسیر عیاشی ج ۳ ص ۳۲ - المیزان  
ج ۱۳ ص ۳۱۰

۲- مقداد ابن اسود - بحار الانوار ج ۵۳ ص ۸۶ - رجعت اثر  
محمد خادمی شیرازی ص ۱۹۵ - ارشاد مفید ص ۳۶۵ - دلائل  
الامامة ص ۲۴۷

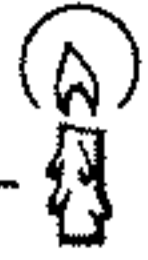
۳- جابر بن عبدالله انصاری - دلائل الامامة ص ۲۴۷ - المحجّة  
ص ۷۶

۴- ابودجانه انصاری - تفسیر البرهان ج ۲ ص ۴۱ - تفسیر  
صافی ج ۳ ص ۲۳۸ - تفسیر المیزان ج ۳ ص ۳۱۰

۵- مالک اشتر نخعی یار باوفای اسدالله الغالب علی بن ابیطالب  
علیه السلام - ارشاد مفید ص ۳۶۵ - بحار الانوار ج ۵۳ ص ۹۱ -  
اعیان الشیعه جزء چهار ص ۱۵۳

۶- مفضل بن عمر از اصحاب امام صادق علیه السلام - دلائل  
الامامة ص ۲۴۸

۷- حمران ابن اعین برادر زرارة ابن اعین - مستدرک سفینه ج ۴



۸- مؤمن آل فرعون که ایمان خود را از فرعونیان مکتوم نگه می‌داشت - المحجّه ص ۷۶ - دلائل الامامة ص ۲۴۷ - رجعت، محمد خادمی ص ۱۹۸ - تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۳۲

۹- یوشع ابن نون وصی حضرت موسی علیه السلام - کمال الدین مرحوم صدوق ج ۱ ص ۱۵۴ - امالی صدوق ص ۱۴۰ - بحار ج ۱۳ ص ۳۶۶ - المیزان ج ۱۳ ص ۳۱۰ زندگی یوشع به زندگانی علی علیه السلام شبیه بود از حیث مصائب و سختی‌ها و مشکلاتی که از اطرافیان و طواغیت کشید. رحلت یوشع نیز در شب ۲۱ ماه مبارک رمضان اتفاق افتاد که امام مجتبی علیه السلام در خطبه‌ای که روز شهادت بیان فرمودند به این مطلب اشاره کردند.<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند او پس از ظهور حضرت رجعت می‌کند و در محضر حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه در نخستین روز بیعت از مکه معظمه ظاهر می‌شود<sup>(۲)</sup>

۱۰- اصحاب کهف که بر اساس روایات اسامی آنان حتی در ۳۱۳ نفر از یاران خاص آن حضرت یاد شده است که در ذیل مباحث قبلی به تعداد آن عزیزان نیز اشاره شد.

این مبحث مختصری پیرامون رجعت بود که حضورتان تقدیم شد، شاید به ذهن بیاید که با شرح و بسط زیادی از این مبحث

۱- امامی صدوق ص ۱۹۲ - بحار الانوار ج ۱۳ ص ۳۷۶ - رجعت اثر محمد خادمی ص ۱۹۹

۲- المیزان ج ۱۳ ص ۳۱۰ - بحار الانوار ج ۵۳ ص ۹۱



گذشتیم، در پاسخ باید گفت رجعت یکی از مهمترین مباحث کلامی و حدیثی شیعه و از ضروریات دینی است که شاید تا حدودی مورد بی مهری و یا کم اعتنائی قرار گرفته. به همین جهت تا حدی سعی شد که مباحث بیشتری در این موضوع مورد بررسی قرار گیرد هر چند به نظر می رسد که نوشتن کتابی مستقل در این باب بهتر است. امید آنکه همه ما در زمرة یاوران مهدی فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده باشیم. در پایان این مبحث به فقراتی از دعای افتتاح اشاره می کنیم و فراموش نمی کنیم که هرگاه این فقرات شریف به ذهنم خطور می کند به یاد مرحوم آیت الله بهاء الدینی رحمه الله تعالی علیه می افتم که در قنوت نماز بعد از دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه ناله سر می دادند:

اللهم انارغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله و تجعلنا فيها من الدعاء الى طاعتك و القادة الى سبيلك و ترزقنا بها كرامة الدنيا و الاخرة.  
امام زمان علیه السلام به شیعیان می فرمایند:

- اكثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجكم. (كمال الدين

باب ۴۵)

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که باعث گشایش مشکلات خودتان خواهد بود فواید دعا برای فرج فراوان است از جمله:

۱- نجات از فتنه های آخر الزمان

۲- جلب رضایت امام

۳- پاک شدن گناهان



۴- خداوند به او افتخار می‌کند و فرشتگان برایش استغفار می‌کنند.

۵- امام زمان علیه السلام به او دعا می‌کند.

۶- شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله

۷- شفاعت زهراء اطهر

۸- شفاعت امام عصر عجل الله تعالی فرجه

۹- جایگاه او در بهشت به همراه علی علیه السلام خواهد بود.

۱۰- راحت جان می‌دهد- آسان قبض روح می‌شود.

۱۱- ثواب یاری مظلوم به او می‌دهند.

۱۲- یکی از حقوق امام را بجا آورده است.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و اجعلنا من انصاره و اعوانه = حوزة علمیه قم - علی اصغر لشگری

### منابع و مآخذ بعد از قرآن کریم

\* لازم به ذکر است، استفاده از بعضی منابع به صورت ضمنی بوده و ذیل پاورقی منابع دیگر ذکر شده

### تفسیر:

علامه طباطبائی

تفسیر المیزان

جمعی از محققین

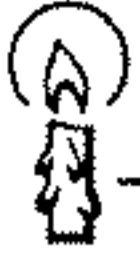
تفسیر نمونه

سید هاشم بحرانی

تفسیر البرهان

عبدالعلی حویزی

تفسیر نورالثقلین



بعضوب الدین رستگار	تفسیر بصائر
مرحوم فیض کاشانی	تفسیر صافی
مرحوم سید علی حسینی استرآبادی	تأویل الایات
مرحوم طبرسی	مجمع البیان

### حدیث:

مرحوم مجلسی (رہ)	بحار الانوار
مرحوم کلینی	کافی
مرحوم طبرسی	احتجاج
مرحوم شیخ حرّ عاملی	وسائل الشیعہ
ابن شعبہ حرّانی	تحف العقول
حاج شیخ محمد مهدی نجفی	بیان الائمہ
مرحوم شیخ علی یزدی حائری	الزام الناصب
مرحوم اربلی	کشف الغمہ
امین الاسلام طبرسی	اعلم الوری
شیخ حرّ عاملی	اثبات الہدایۃ
علامہ مجلسی	تذکرۃ الائمہ
مرحوم سید رضی	نہج البلاغہ
عمران علیزادہ	سخنان حضرت مهدی (عج)
سید محمد تقی موسوی	مکیال المکارم
آیت اللہ صافی گلپایگانی	منتخب الاثر
مرحوم صدوق	کمال الدین





ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ قمی	بصائر الدرجات
نورالدین ہیشمی	مجمع الزوائد
قندوزی (اہل سنت)	ینابیع المودۃ
آیت اللہ میر جہانی	نوائب الدهور
محمد جواد مہری	نشانه‌های شکفت آور آخر الزمان
محمد راجی	خصائص المہدی
محمد راجی	مہدی منتظر
آیت اللہ محمد جواد خراسانی	مہدی منتظر
شیخ مفید	الارشاد
سلیم بن قیس	اسرار آل محمد

### علم کلام:

سید عبدالحسین طیب	کلم الطیب
محمد خادمی شیرازی	رجعت یا دولت کریمہ خاندان وحی
مرحوم شیخ حر عاملی	الایقاظ
محمد بن جریر طبری (شیعہ)	دلائل الامامہ
شہید مطہری	قیام و انقلاب مہدی
علامہ طباطبائی	او خواهد آمد

### منابع ادعیہ:

حاج شیخ عباس قمی	مفاتیح الجنان
جعفر بن محمد بن قولویہ	کامل الزیارات



شیخ طوسی

مصباح المتہجد

### تاریخ و رجال:

مرحوم محمد ہاشم خراسانی  
مرحوم حاج شیخ عباس قمی  
مرحوم شیخ محمود میثمی عراقی  
محمد محمدی اشتهاردی

منتخب التواریخ  
منتہی الامال  
دار السلام  
امام زمان امید شایستگان

### عهد عتیق (بخش مزامیر)

ترجمہ مولر  
مرحوم محلاتی

تورات  
شابوہرگان  
ریاحین الشریعہ

### مقالات و مجلات:

مؤسسہ در راہ حق  
مسجد آیت اللہ انگجی  
استاد حسین گنجی

بی پناہی عصر حاضر  
صبح وصال (مجلہ)  
مقالہ امکان تشرّف

### دائرہ المعارف و لغت:

شمس الدین سامی افندی  
احمد سیاح  
مرحوم علی اکبر دہخدا

قاموس الاعلام ترکی  
فرہنگ جامع  
لغت نامہ دہخدا



## گل نرگس

دلها ز فراقِ تو دگر تاب ندارد  
 چشمانِ به ره مانده ما خواب ندارد  
 شب تا به سحر دیده ما مانده به راحت  
 باز آ که سحر آمد و دل تاب ندارد  
 از بسکه به یادِ رخِ تو اشک فشاندیم  
 چشمانِ بسخون خفته ما آب ندارد  
 در مزرعِ دل جز گلِ مهرِ تو نروید  
 وین مزرعه جز این گلِ کمیاب ندارد  
 در مجمعِ اهلِ دل و در حلقهٔ عشاق  
 کس غیرِ تو ره در دلِ احباب ندارد  
 با گلشنِ عشقِ تو چه حاجت به گلستان  
 گلزارِ جهان یک گلِ شاداب ندارد  
 با یادِ رخت، کلبهٔ دلهاست منور  
 حاجت به فروغِ رخِ مهتاب ندارد  
 تصویرِ تو از دیدهٔ ما گر چه نهان است  
 در دیدهٔ دل عکسِ رخت قاب ندارد  
 امشب سخن از حُسنِ تو در انجمنِ ما است  
 زینروست، سخن موجز و اطناب ندارد  
 بر منتظرانت بنگر، ای گلِ نرگس  
 کس جز تو خبر از دلِ اصحاب ندارد  
 «نورائی»، هر آنکه که ز حُسنِ تو سُراید  
 بر لب سخنی جز گهرِ ناب ندارد

با قبیله آفتاب سروده نورائی اراکی



### گل اشک

در بسیتِ نبوت، گه‌ری ناب نهفته است  
 کز دامنِ نرجس چو گلِ تازه شکفته است  
 در مدحت وی هر نفسِ ناطقه گفته است  
 و در زین گه‌ری کآمد از درگه دادار

\*\*\*

آمد به جهان رهبرِ فرخندهٔ اسلام  
 آمد که زند پرچمِ توحید بهر بام  
 آمد که کند فخر بر او مادرِ ایام  
 آمد که شود روشن از او دیدهٔ احرار

\*\*\*

آمد که بهر مآذنه تکبیر نواز  
 بر بامِ جهان پرچمِ توحید فرازد  
 آمد که بکفر و ستم و جهل بتازد  
 آمد که کند روزِ منافق چو شبِ تار

\*\*\*

وَالْفَجْرِ دَمْدَمِ فَجْرِ نَوِينِي ز ظُهُورِش  
 وَاللَّيْلِ شِبِّ قَدْرِ سِتَادِهِ بِحُضُورِش  
 وَالشَّمْسِ بُوْدِ شَمْسِ وَ قَمَرِ آيَةِ نُوْرِش  
 وَالْعَصْرِ رَسْدِ مُنْتَظِرَانِ رَا كِه دِيْدَارِ

\*\*\*

ای نامِ تو از نامِ محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شده مشتق  
 ای نورِ علیِ نور و ای قائمِ بالحق  
 مقصودِ تویی، ز آیهٔ جاء الحق، الحق  
 باطل رود از صحنه چو حق گشت پدیدار



آن نور که از مشرقِ رویِ تو دمیده است  
وان عطر که از طرهٔ مویِ تو رسیده است  
بر جان و دل از عشقِ تو صد تار طنپیده است  
زیخرو همه هستیم بدامِ تو گرفتار

\*\*\*

مجنونِ توایم و بجنونِ فخرِ نمائیم  
در بندِ تو هستیم و ز هر بندِ رهائیم  
ما از سرِ کویِ تو بفردوسِ نیائیم  
ما را سرِ کویِ تو به از جنتِ دادار

\*\*\*

ای مُنَجِّیِ اِبْناءِ بشرِ، مُصَلِحِ عَالَمِ  
ای از تو مُکَمِّلِ شده ادیانِ مکرم  
رخسارِ رسولانِ همه از آدم و خاتم  
در آینهٔ رویِ تو گردیده پدیدار

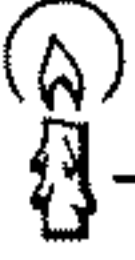
\*\*\*

ما تشنه لبانیم و به امیدِ بهاریم  
ما منتظرِ مقدمِ فرخندهٔ یاریم  
تا در رهت از شوقِ گلِ اشکِ بکاریم  
بنمای رخ از پرده که شد موسمِ دیدار

\*\*\*

از کوه و در و دشت نشانِ تو بجوئیم  
هر غنچهٔ گل را بخیاَلِ تو بسوئیم  
«نورائی» اگر تن همه از جرمِ بشوئیم  
ما نور بگیریم از آن منبعِ انوار





## دَعَايُ اللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا

اللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ،

خدایا ما را توفیق طاعت

و بُعْدَ الْمَعْصِيَةِ،

و دوری از معصیت روزی گردان

و صِدْقَ النِّيَّةِ،

و نیت با خلوص

و عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ،

و حقیقت و معرفت به آنچه نزد تو محترم است عطا فرما

وَ اَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَالْاِسْتِقَامَةِ،

و ما را به هدایت و استقامت (در راه توحید) کرامت فرما



وَ سَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ،

و زبان ما را به صدق و صواب و سخن حکمت گویا ساز

وَامْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ،

و دل ما را از علم و معرفت پرگردان

وَ طَهِّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ،

و شکم ما را از غذای حرام (شبهه) پاک دار

وَ اكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ،

و دست ما را از ظلم به خلق و سرقت نگهدار

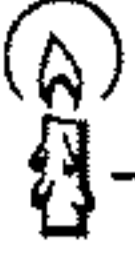
وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ،

و چشم ما را از نابکاری و خیانت ببند

وَ اسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ،

و گوش ما را از شنیدن سخن بیهوده و غیبت بندگانت مسدود گردان





وَ تَفَضَّلْ عَلَى عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ،

و بر علماء و دانشمندان ما به زهد و حسن عمل

وَ عَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ،

و بر مستمعین به پیروی و پند شنیدن

وَ عَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ،

و بر دانش طلبان به جدیت و شوق و رغبت تفضل فرما

وَ عَلَى مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ،

و بر پیران ما به وقار و متانت

وَ عَلَى مَرَضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ

و بر بیماران اسلام به شفاء و آسایش

وَ عَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ،

و بر اموات اسلام به رأفت و مهربانی ترحم فرما



وَ عَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ،

و بر جوانان به توبه و انابت

وَ عَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالعِفَّةِ،

و بر زنان به حياء و عفت

وَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَضُّعِ وَالسَّعَةِ،

و بر اغنياء به تواضع و علو همت

وَ عَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالقَنَاعَةِ،

و بر فقراء به صبر و قناعت

وَ عَلَى الْغُزَاةِ بِالنَّصْرِ وَالعَلْبَةِ،

و بر سپاهيان به فتح و نصرت

وَ عَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ،

و بر اسيران به آزادی و استراحت



وَ عَلَى الْأَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ،

و بر فرمانداران به عدل و شفقت

وَ عَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَ حُسْنِ السَّيْرِ،

و بر رعیت به انصاف و حسن سیرت تفضل فرما

وَ بَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ،

و حاجیان و زواران اسلام را به توشه و مخارجشان برکت عطاء فرما

وَ اقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ،

و حج و عمره‌ای که بر ذمه آنان فرض کردی ادا فرما

بِفَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

به فضل و رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم.



بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 اللَّهُمَّ كُنْ لِي لَيْلًا لَوْلَيْكَ الْحَجَّيْنِ الْحَسَنِ  
 صَلِّ عَلَى آبَائِهِ  
 فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ  
 وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا  
 وَدَلِيلًا وَعِنَا حَتَّى تَسْكُنَ أَرْضَكَ  
 طَوْعًا وَمَنْعَةً فَحَسْبُ طَوْلًا